

A close-up portrait of a woman with blonde hair styled in soft waves. She has dark, winged eyeliner and bright blue eyes. Her lips are painted a vibrant red. She is wearing a necklace with small pearls. The background is dark and out of focus.

Ketabton.com

اختصاری از وقایع

۱۴۵ هفتاد و پنجم

بمازنظم و تعدی حکومت پاکستان بخواه

افغانستان پنهان آوردنند.

پنجشنبه ۱۵ حوت:

بنگلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم ساعت ۷:۳۵ دقیقه شب با بنگلی سرجن

کاروئس دو لتو گورنر جنرال استرالیا درهول انتر کانتی ننتال ملاقات تعاملی

آن بیان تو جه سر منشی مو سمه ممل متحده را برو وضع رفت بار آوارگان و پنهان گزینان به عمل آوردنند.

بنگلی محمد داود رئیس دو لتو بلوج جلب نودند.

صدراعلام دیر من تکوین تی بن وزیر خارجه حکومت و قن افلاجی ویتنام جنوبی را برای دولت بداخل ۳ فصل و ۴۵ ماده تصویب گردید.

امانستا به تصدی ملی بس به منتظر -

بنگلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم برای یک سفر رسمی و دوستانه وارد دهلي چدید گردیدند.

موافق نامه فرضه سیزده میلیون دالر

بانک جهانی برای اکتشاف زراعتی در اوستنگن نشانی شده و بعد از طی مرائب آن به اضاء خواهد رسید.

شنبه ۱۶ حوت:

بنگلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم به هند، بنگله دیش و عراق سفر رسمی و دوستانه می نمایند.

چارشنبه ۲۱ حوت:

بنگلی محمد داود رئیس دو لتو و صدراعلام دروغاتی استرالیا فرمودند که به افتخار شان از طرف سر جن کار رئیس دو لتو و گورنر جنرال استرالیا صبح دیروز در محل یاد و بود گاندی فقید، جواهر لعل نبرو و لال بسادر شاستری اکلیل گل گذاشتند.

بنگلی محمد داود رئیس دو لتو و

صدراعلام دیمهان گرا می شان بنگلی سرجن گورنر دولت و گورنر جنرال استرالیا داده بود و بادن هرایی کابل وداع نودند.

پنای غلی سر جن کار رئیس دو لتو و

بنگلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم گورنر جنرال استرالیا و پنا غلی احمد نعیم درهول انتر کانتی ننتال ملاقات تعامل فسی پذیرفته و برای ۴۵ دقیقه باوی مذاکره گردند.

پنای غلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم به افتخار پنا غلی سر جن کار رئیس دولت

افغانی بودجه سل ۵۴ دو لتو چه بوری منقول شد.

باقرانی پیام بنگلی محمد داود رئیس دولت

و صدراعظم مجلس یاد و بود شاعر نامور کشور امیر خسرو بلخی هشبور به دهلوی از طرف وزارت اطلاعات وکلتور در کابل بر گزار گردید.

کوپراتیف همکاری معلمین و اجیران -

به مصر ف اضافه از سه صد و بیست و چار دو لتو منتظر گردید.

هزار افغانی ساختمان پل غزت خل و لسوالی

افغانستان حکومت و قن افلاجی ویتنام جبل السراج تکمیل گردیده و مورد استفاده جنوبی راهه رسیدت شناخت.

پن از ۱۲۳ پنا هنگین دیگر بلوج

از بالا بیان: از نامی رئیس دولت و صدراعظم درهان هرایی دهلي پذیرایی شایانی به عمل آمد.

بنگلی رئیس دو لتو و صدر اتفاق با بنگلی سرجن کار رئیس دولت و گورنر جنرال استرالیا.

بنگلی رئیس دو لتو و صدر اتفاق هرمن تکوین تی بن وزیر خارجه حکومت

وقت افلاجی ویتنام جنوبی را در قصر ریاست جمهوری پذیرفته.





مودل سال ۱۹۷۵ آرایش موی

چاقی کاذب دشمن صحت است

تا بلوی هنن از زنان صنعتکر
صفحات شمال کشمور

ترانه های کیمساران در سرزمین
راگبا



شترکوونای تاوه، آثار پر ارزش
با ستانی ما

آرزوی بر خود منطقی استاد با
شا گرد.



تساوی حقوق زن و مرد.

قصمه نویسان معاصر

اگنون که در کشور مادر گلبه او روز عایت
و تامین منافع اکثریت مردم طرح است جب
تضمين مبانی اقتصاد جامعه، انکشاف و رشد
سلیم تولیدات ملی از طریق صنایع
موردنیاز کشود، در خود توجه قرار
گرفته و با مراجعته با بزار علمی
ماهیت اقدامات و تشبیثات اقتصادی، موافق
باقتفای نیازهای اقتصادی چا معهود خالت
مستقیم منافع عالمه مردم تغیر جهت میدهد
تفسیر جهت مشتبه وسیعی ارتقا.

اقدام تشویق صنایع ملی که در چو گات

مقررات جدید خریداری دیگر دوا ری برو تصدی های
دولتی به آن اشاره شده است و سایر تشبیثات

صنعتی و تو لیدی در دیدگر ساخت اقتصادی و

ملن که در عرصه کوتاهی بمالحظه میرسد

یکبار دیگر بیانات رهبر انقلاب ملی ماراندیشی

میکند که در خطاب تاریخی بعدم افغانستان

ایراد و در باره حمایت از صنایع و سرمایه

گذاری های ملی و خصوصی حسن ارشاد نموده

بودند.

(دولت جمهوری سرداری، گذاری های

خصوصی و تشبیثات خصوصی را درورسته

ایجاد صنایع گوچ و متوسط و صنایع دستی

تشویق، حمایه، دهبری و گذروال خواهد

گرد و همگاری های لازم را بن سرمهایه های

دهلش و سرمایه های خصوصی بمنثور ترقی،

همانند و شد متعادل اقتصاد ملی بصورت

مختلط و جود خواهد آورد.

دولت جمهوری حمایت از صنایع ملی،

صنایع دستی و هنر های ملی را وظیفه چندی

خدشامدار و ساست حمایوی را از صنایع

و تجارت داخلی در برایر رقابت اموال و سرمایه

های خارجی در پیش خواهد گرفت.

وقتی اخواهم این مفاهیم را بیشتر در زان کنم

لازم من اند تاجربايات و زیورهای اصل الاحی

و نشادی ام اکه بعد از استقرار نظام نوین در

کشور قدیم بقلم و متنگی به علم و شرایط و امکانات

پیسر طرح و در ساحه تطبیق قرار گرفته

از زیاری نمایم آنوقت مشهود میگردد که

کشور مادر آستانه راهابی بسوی رفاه ها

و افق های روشن ذیست در رفاه و در طبقی تکامل

قرار گرفته و دیگر سمت حركت علوم و حدود

مسئله است ها و مکلفت عاید ها در این امر وطن

و مردم متعین گردیده است.

حمایت از صنایع ملی و اتخاذ تدبیر تشویق

آن که روبه توسعه و تعمیم خواهد بود از این

جمله مکلفت ها و سوالت هاست که از طرف

دولت دهبری و آغاز گردیده و مردم باید با آن

همدست و همراه شوند تاصنایع ملی ماباتجول

وانکشاف درسایر جهات زند گشی که اینهال

مقدس جامعه امروز ما را میسازد نیز هواهنجان به

بیش رو.

پیک روون

افغانستان از لحاظ اقتصادی کشور است در حال رسید و رفع این عقب ماندگی مستلزم است که گام های سریع و وسیع درین زمینه برداشته شود و تعلولات بنیادی درین مورد اجرای کردد و یک اقتصاد ملی، مستقل، مترافق عم آهنگ ویر اساس یافان و برایهای ساینس و تکنالوژی معاصر باید ایجاد شود.

(از بیانات رئیس دولت)

تشویق صنایع ملی

از خبر هایی دلچسب هفته گذشته یکی هم خبری بود این مقررات خوبیداری از دست نهند و به تصویب مقررات خوبیداری دوایر و تصدی های دولتی که با اساس این مقررات مواجه نگردند. هنگر علماء و معلمین به بطانت دوایر و تصدی ها در قسمت خریداری دارای اموال اقتصادی معروف و از لحاظ ساعت انتفاعی با مقابله به تمنی توانایی چنین که از تمویل چنین تشبیثات تو قع میرفت نتوانستند -

اهدافی را بر آورده سازند که از لحاظ تقویت و رشد اقتصاد صنعتی، جامعه مایه آن نیاز داشت. اینک که دو لت جمهوری مادر بر توکلیت تولیدات داخلی در حدود ۱۵ فیصد نسبت به اموال مشابه خارجی بیشتر باشد و این دو لت خواهند بود که از تو لیدات دا خلی استفاده نمایند.

خانعه ملتکت همکروم این اقدام دولت جمهوری ما خوش است که امکانات و شرایط بهتر را جهت توسعه صنایع ملی از طریق حمایت و تشویق از آن به نیچه مظلوم بود مثبت مساعده ساخته وعوا مل متفاوت این اختر میسازد که در گذشته تحت تأثیر آن یک عدد بروزه های صنعتی با بطور سلیم موقع و شد و نفو نیافت و از آنها ببره برداری های که لازم بود ممکن نگردید و یا اینکه با شکست و ناکامی مقابل شد همچنین قسمتی از صنایع ملی جه درستکنور دولتی و چه در دائیره تشبیثات

خواب پویشان

نوشته: ع. ک. رها

انگاه حساب کن نقش فدمهای توده زمینه
برای من که قصه اس جمال و شنیدنی
غفتاد سال عمر رفته در تاریکی معدوم شده
افتاده بود پرسیدم خوب ارباب کریم نگفتنی
و یاد روشانی بر هایر جسته باقیمانده است.
جگونه از خواب پریدی و آخشن چطور این
آنایکه راه نیکان هیگرن وایام ولپال عمر را
رسنه خام از کلت رهاند و خیال پلو چربت
کار هایکه باید برای وی انجام داده شود
بی رونم و نیم پخته از دیگر بروان آمد ...
عیت نمی گذرانند، برای خود، برای تجلی اعمال

به اسانی بدر میشود ...

گفت: همانطور باده قنان سرگرم بودم و انسانی و پرورش صفات شایسته در خود،
کشتزار هاو بستانها فراوان است. فلان
آهسته آهسته خود را در قیافه یک داماد
للاش شان جز این نخواهد بود که بخود بده
غفتاد ساله چاپک و چالاک میباشم که دیدم
دیگران مفید واقع شوند از فکر و نظر شان از
مارخطر ناکی پیاها میباشد، هی بیچد و
رأی و عمل شان و سرانجام از وجود شان یه
دیگران به کسانیکه با اویکجا در یک مدار،
جز زندگی رایش میبرند خیر و صوابی
با قدر خاکبست را خودت میدانی که برمن چه گذشت
برسد. هکر تو چنانکه باید، نزیسته ای!
اگر میخواستی راستی با به گریمی باشی
شود و زمین های هوازی بابستر رود خانه را
در حالت اغماء رفته بود... عرق سردی از
دیگران به کسانیکه با اویکجا در یک مدار،
کرد و در خیابانهاش سپیدار غرس نمود، درین
گونه جواری و جو و آنطرفسن باید گندم گشت
باشد فقط پیرزالي که در گنارم خواهید بود
و سوین عالم است با چیخ من از خواب پریده
هزارگاهی و پالیز باید تخصیص داد وقتی
حاصل، این هاجمع شد (لله جمیلد) را که
مه سال میشود ربع یول اصلی وریج مداد
بلرزیدم، کم برم وقتی سرحال آمد، گفت:
زانی سانده است راضی میسازم تامبلقی بگیرد
ترابیجان و مال مردم متوجه میساخت و در فکر
تصاحب راحت و وسیله میشت دیگران
می انداخت، چشم طمع راکورهکردی و فتنه
بیداد نسبت بدیگران را با خیر رسانی و
معاونت و دستگیری از دیگران در ضمیر و
احساس میخواباندی، آنوقت بودگه محترم
نلف نازه میروید و برای مواسی علوفه رایکان
میماندی واهل ده و قریه غریزت میداشتند در
میسر میگردد ناید گماوهای شری و دوسه
هر امری تو مراجعه میگردند و تو بزرگ میشند
و زمین جوار باغ راکه چون نیشتر در چشم
می خلد قاله بدهد بپر حال اکنون که زمزستان سر میگردم، از درد بیوه مگی به که می نالیم و
د اخوسیده و یکی دوخته بعددر کوه و کمر بار فرات را چطود تحمل میتوانست!

گفتم بعیراین خواب چگونه باشد؟
گفت: صحیح بعداز ادای نماز به امام مسجد
کب کاری بابه (نوروز) را از نظر دور داشت
اوکه بهار گذشته عروس آورده و فرزندش
زاده ساخته است تاکم زیربار قرضن گور
است حاضر میشود با نصف قیمت هر جوانش تباہی آور. آن ماریکه در تو بیچیده بود
راکه بخواهم بفروشد، نیم یول را از هدیه
طلیبی که ذهنست مستاجر آسیاب است در آغاز
میباقیمانده رادر ختم فصل موقع درو میپردازم
دفتر این کار هابسر میرسد آنوقت دیگر در
تعییر اضافه کن، عمر و میان دنیا هر دو را
اعتبار و دوامی نیست که ادمی بر آن فارغ بال
در آنصورت است که بابه کریم را رباب درجه
تکه زندوقت درگردابی خود را سراسمه سازد
بک میگویند و با این قدوقافتی که دارم نکاح
که اندیشه جم آوری مال و مثال بر ایش فرام
چارم از هر دری که بخواست گاری از بیلوی نیز نگ
میکندو موقع نمیدهد بخوابی ملتفت شود که
وعده بولهه مدارج کمال را فرایش آدمی حاضر
نمیشود.

ناابنچا گفته بودگه خنده امانتش نداد و گفت
بسازد واورا به اهداف اصلی زندگی رو برو
خوا هم عجیب عالمی دارد آدمی مرغ بالدار میگرداند اکنون برای آنکه این واقعیت را بپر
بیشود برمی گش و مزه بیم زدن هرچا دلش در بابن تکاهی به گذشته هاییگان، روزها و
بارخاطرها و اسباب آزار و ملال مردم درست
بخواهد میرود و بپر قالبی که درآید از عبده سالبایی را که از اختیارت بروان شده نقد و هکن!

چند تن از دعفانان و مزدیگران دورس حلقة
استه بودند روشنی نشاط و شادمانی ایکه در
باطنشر می درخشیداز چهارمین خوانده میشد.
نازه بعرف آمده واز تعمیم سال آینده واز
کار هایکه باید برای وی انجام داده شود
حرث هیزد و می گفت:

اممال برف کافی آمده و متبع آب بسای
کشتزار هاو بستانها فراوان است. فلان
بسته راکه سال بارتوانستیم بشکم و خار
زارهانه است امسال باید تاکستان بسازیم
آن زمینی راکه در دامنه افتاده باید کجالوزرع
کرد و در خیابانهاش سپیدار غرس نمود، درین
گونه جواری و جو و آنطرفسن باید گندم گشت
شود و زمین های هوازی بابستر رود خانه را
به ترکاری و پالیز باید تخصیص داد وقتی
حاصل، این هاجمع شد (لله جمیلد) را که
مه سال میشود ربع یول اصلی وریج مداد
بلرزیدم، کم برم وقتی سرحال آمد، گفت:
زانی سانده است راضی میسازم تامبلقی بگیرد
بروندزد و شکر خداگن که چنین پیش آمدی
وزمین جوار باغ راکه چون نیشتر در چشم
می خلد قاله بدهد بپر حال اکنون که زمزستان سر میگردم در بیوه مگی به که می نالیم و
د اخوسیده و یکی دوخته بعددر کوه و کمر بار فرات را چطود تحمل میتوانست!

نلف نازه میروید و برای مواسی علوفه رایکان
میسر میگردد ناید گماوهای شری و دوسه
کب کاری بابه (نوروز) را از نظر دور داشت
اوکه بهار گذشته عروس آورده و فرزندش
زاده ساخته است تاکم زیربار قرضن گور
است حاضر میشود با نصف قیمت هر جوانش تباہی آور. آن ماریکه در تو بیچیده بود
راکه بخواهم بفروشد، نیم یول را از هدیه
طلیبی که ذهنست مستاجر آسیاب است در آغاز
میباقیمانده رادر ختم فصل موقع درو میپردازم
دفتر این کار هابسر میرسد آنوقت دیگر در
تعییر اضافه کن، عمر و میان دنیا هر دو را
اعتبار و دوامی نیست که ادمی بر آن فارغ بال
در آنصورت است که بابه کریم را رباب درجه
تکه زندوقت درگردابی خود را سراسمه سازد
بک میگویند و با این قدوقافتی که دارم نکاح
که اندیشه جم آوری مال و مثال بر ایش فرام
چارم از هر دری که بخواست گاری از بیلوی نیز نگ
میکندو موقع نمیدهد بخوابی ملتفت شود که
وعده بولهه مدارج کمال را فرایش آدمی حاضر
نمیشود.

ناابنچا گفته بودگه خنده امانتش نداد و گفت
بسازد واورا به اهداف اصلی زندگی رو برو
خوا هم عجیب عالمی دارد آدمی مرغ بالدار میگرداند اکنون برای آنکه این واقعیت را بپر
بیشود برمی گش و مزه بیم زدن هرچا دلش در بابن تکاهی به گذشته هاییگان، روزها و
بارخاطرها و اسباب آزار و ملال مردم درست
بخواهد میرود و بپر قالبی که درآید از عبده سالبایی را که از اختیارت بروان شده نقد و هکن!

۷۷ پروژه برای اکتشاف اقتصادی کشور

زیر مطالعه است

رویه حکومت پاکستان در برابر مساله پشتونستان خلاف منطق است

ریاست دفتر جمهوری مصاچه کلان دیگر پروژه خط آهن، پروژه هقرات بودجه و قانون یانکیاکه عنقریب بدست اوردنده بدین ترتیب تا اندازه دسایس بشکلی ظبور کرد که فضا
بنگلی محمد داؤد رئیس دولت و استخراج و ذوب مس، مطالعات دقیق ناولد هشود برای تنظیم امور مالی و توانستم قیمت هارا استقرار دهیم را تامساعده نمود.
صدراوغتم را که روز شنبه ۱۷ حوت برای استخراج معدن حاجی گلک گلکی پولی کشور وضع شده است درباره سیسیدی دولت که تاچه وقت طوریکه دیده هشود عمه این
دانشگلی کرنجیا خدیر جریده بلتر از ذخایر بزرگ آهن در این ناحیه همچنین طرز العملها و اصلاحات اداری متواتم آنرا ادامه دهیم مربوط به دسایس برای این جیده شده بود که
هندوستان صورت گرفته است بتاریخ ۲۰ بهمن روی دست است در قسمت دراهور عالی کشور بعمل آمده است. وضع مالی ووضع قیمت هادر چهان باید احزاب مختلف ازین برودلیدران
مواد نفت خود شبختانه در شمال برای استقرار قیم دولت در بودجه است. زیرا مناسفانه باید اظهار نمود شان حبس گردد و ذهنیت هارا نسبت
۱۹ حوت به نشر سردد.

هرات توسعه می یابد .
این تشریک میگیرد .
بود جه عادی بعترف سبیلی تفاوت دارای منابع نفت می باشد که آنها دهن که درین سبک بازهم بیشتر از یکصد
راجع به افغانستان واقعیت هارا نشانموده همانطور ساحه تخصصات برای نفت تا درسال ۱۳۵۴ در حدود ۱۲۷ فیصد افزایش است دسته دوم کشور های را در خل میانند . میخواهم به شما اطلاع
افغانستان علاقه دارید و در مقایلات خویش تصفیه خانه دران ناحیه افغانستان نسبی نگذاشته شده است . که قیمت های تولیدات شان رو به واقعه ویانا آرامی رخ دهد افغانستان
نمایانند و این زودی عابه ساختمان چاست که قیمت عابصورت عموم به یک ها فرار دارند احوال کشور های صناعتی اکنون در عرب گوش پاکستان که یک
نمایانند و این اینکه نسبت به آنده و در این زودی عابه ساختمان چاست که قیمت عابصورت عموم به یک ها فرار دارند احوال کشور های صناعتی اکنون در عرب گوش پاکستان که یک
بیشتری بدست خود سبیلی را فایل گردیده واژین که در دنیای امروز سه دسته از کشور به افغانستان مخصوص سازند .

کرتجیا- از اینکه موقع می یابم در جنوب کشور ما امید واری زیادی قیمت مواد استهلاکی مدنظر گرفته شده نیز قیمت نفت خود را بلند برده اند نفر بلو ج بخاک افغانستان بناهنده خدمت شما برسم و بهمن موقع ملاقات برای پیدا شدن نفت موجود است و است . یکی از مسایل مهم دیگریکه دسته سوم کشور هی رویه انتشار شده اند و این درالسر سیاست شد خواهد شد نهایت سیاس گذارم . بعضی کمپنی ها برای تفحیض آن دولت روی دست دارد اصلا حالت متن افغانستان می باشد که از هردو آمیز حکومت پاکستان علیه مردم مسئول :- پاکستانی رئیس دولت از دلچسی نشان داده اند اما با کمپنی ارضی می باشد که در این قسمت مرحله طرف تحت فشار اقتصادی قرار داشت و بلوج میباشد باو صفت این ملاقات ما هنگامیکه شما از توقیمات توکل فرانسوی داخل مذاکره میباشیم به مرحله عملی خواهند شد . نامو قفع دارد و از طرف قیمت موادیکه صادر همه دسایس بازهم بشما میگوییم بزرگ انقلاب حرف زدید دو سال توقع میرود که بزودی به موافقه عملی آن فعلا زمین هاییکه به تصرف میدارد از قبل پنهان، پشم، همیوه و غیره که در موافقه تغیر وارد نشده است گفته است آیا میتوانید حالا بسایر کشورها برسیم . این بود توضیح مختصر دولت است به مردم توزیع گردیده و هنوز در بازار های بین المللی رو به تقلیل اما وضع موجوده تا اینکه اصلاح که تا پیه اندازه آن توقعات بر آورده در بازاره پلان هاییکه روی دست است هم دوام دارد.

اگر فرصت داشته باشد و معلومات قانون مالیه مترقی و قانون اصلاحات نفت باید تشکر نمود که در اکتشاف نمیرسد.

جواب :- طوریکه قبله بودم مفضل بخواهد خوش مشروم باوزیر ارضی در همین سال شکل نهاد ییسی اقتصادی افغانستان یا هاکمک گابل ارزوهای انقلاب بزرگ است که برآوردن پلان صحبت نماید .
بخد میگیرد البته تطبیق آن و قت ملا حنله نموده اند . مخصوصاً صاممالک متهم میسازد که با تربیه گریلا های آنچه آرزوها در این مدت کوتاه نا ممکن در قسمت مالی وضع ما نسبت به یکارهار و به تدریج عملی خواهد دوست هایران، عربستان سعودی، عراق پشتون ازما وزاری سر حد واعزان ایشان برای خرابکاری و سایر تاثر است اما باید توضیح نمود که در این گذشته فرق کرده عواید دولت در سال شد .
و گویت .

مدت یکسال و چند ماه توجه های بین ۵۰-۱۵۰ در حدود ۴۰۰-۶۰۰ فیعدد سوال - انقلاب در ساخته ایشان با توجه به مختصات راجع به و فرع درامور داخلی یا اکستان مداخله مینماید. به چند نقطه متوجه بوده که آنها بعارت در سال های ۵۱ و ۵۲ و ۸۸ فیصدو سیاس و دیبلوم اقتصادی یقیناً مالی کشور داده شد اگر به تفصیل آیا بشاغلی رئیس دولت میخواهد باین اجرات چشمکری علاقه داشته باشد میتوانید انتیمات حواب بدشند.

و مساله سوم موضوع اقتصادی و پلان سال ۱۳۵۳ نظریه سال ۵۰ بیک تزیید داری کنم که افغانستان توالتست صعود سوال - در مقابله گشته جلالنام آقای بوتو را تردید میکنیم آقای بو تو تو داخلی ، دوم سیاست خارجی افغانستان فیصدیک تزیید رانشان میدهد عواید من نمی توانم از ذکر این نکته خود باوزیر مالیه ماتهماس گیرید . چواب - عامل همیش اتها ها انداز استقرار نظام جمهوری و امنیت درین سالهای ۴۵ و ۴۶ در حدود ۱۲ اجرات چشمگیری را داشتند بیشتری علاوه داشته باشید بیخوبیت اینها جواب پیدا نمود

های انتشاری میباشد و تا جایی که دنباله در حدود بیست و شش فیصد را تشان قیمت هارا در حدود ۷ فیصد نگهاده.^{۵۳} شما اظهار ایندواری نمودند که اختلاف با این اتهامات بنی اساس میخواهد به مشود به تناسب وقت در این ساحت میدعده و در عواید داخلی در سال ۱۴۰۵ این امر درین کشور های رو به افغانستان یا پاکستان در مسیر دو روی حقیقت یزده اندازد و نازارمن های نسبت به نیست ۵۳ تأثیر نهاده این اتفاق را میشود.

تاجدی موققت حاصل شده است . نسبت به ۵۳ تزیید نظری ۴۸ قیصه اخلاقی بیشتر است که زیرا در مجموع ممکن است راه در مسیر پیشنهادی را بگیرد .

نیکانه کشوریکه متسلحانه نتوانسته ایم بودجه دولت در سال ۱۳۵۴ به ترتیب چکرنه عملی شد؟
تاکنون روابط مادوستانه باشد پاکستان سال ۱۳۵۳-۶۵ فیصله تزیید گروپله جواب گمان کنم قبلاً جواب سوال پاکستان مذاکره کنید. امروز وضع گردیده است اما انگ تصویر زمامداران پاکستان این باشد که تحت فشار و

است آینده دیده شود که چطور است که از جمله ۱۵ قیصه آن بودجه سما داده سهادست سوریه و سعی چکوی است . عادی و ۹۴ قیصه آن بودجه انکشافی گردید برای استقرار قیمت دو ل جواب - ازانجه گفته بودیم درموقت استعمال قوه میتواند نیشت ملر خواهد شد .

در قسمت انکشا ف اقتصادی دولت را احتوا میکند . سبسبدی راقبیو نموده و یکی از علی مانندی های واردات شده است اما پشتون و بلوج را ازین بیرون می خورد مسروشم که قلم های هشت برداشته در قسمت بودجه انکشا فی درسال دیگر آن تقلیل در نشر بول است که به واقعاتی که در این اواخر پیش گردیده بزرگی است.

شده است و تا حال هفتاد و هفت پیروزه ۱۳۵۴ نسبت به سال ۱۳۵۳ یک افزایش نسبتی در سال ۵۲ درست شده است که این خواص جدید تحت مطالعه قرار دارد که از تقریباً ۸۷ فیصد به نظر میرسد . حدود ۴۰ فیصد کمتر نشر شده در چنین مسئول درگاه‌هاست که باکستان میکند پاکستان جزو این دسته است .

جمله این پروژه ها نسبتاً بزرگ آن آثاری از دریای آمودریا افغانستان قبیل قانون گمرکات، قانون تصدیقها تجدید نظر به عمل آمد. و تنافس است و عیج فرمیده نمیتوانیم بنیتیجه بر ضد القاب و شخص شتم وعده انتظور در جنوب قسمت سفلی ولادی فازون ماله مواد استهلاکی، قانون برای تشویق دهقانی قیمت یغشه که دلیل آن چیست درحالیکه قبل از این دست داشت آیامکن است در این

هرمند و هنگذاشت و آنها در فراز و زیر از کوپر ایتیف ها و تاسیس کو پرایویتیف تعیین گردید در سال جاری دها قیمت واقعات حاضر اند روی اخلاف موضوع معلومات حاصل کنم . و هری رود میباشدند . از پروژه های مامورین و سیستم تعریفه گمرگی و از مردگ قیمت پخته عواید نسبتا خوبی بین ما مذکوره نمایند اما واقعات و بقیه در صفحه ٦٣



هشتم مارچ یارو ز همبستگی بین المللی زنان

نحو شمعة

در تاریخ و جوامع بشری روزهای عین شده که از طرف عمه باسروور تجلیل و استقبال میگردد. هشتم مارچ از جمله یکی از عین روزها است

(۶۵) سل قبل در دو مین کنفرانس زنان
تر فیخواه دو ائر پیشنهاد (کلارا ز تکین) در
گویند عاگن هشت مارج بعثت روزین المثلی
زنان بر سمت شناخته شدگه همه ساله در
سراسر جهان از طرف زنان ترقی پستند
برگزار میگردند.

ششم مارچ سال ۱۹۷۵ برای زنان سراسر جهان نسبت به سال های قبل گیفیتی فوق العاده دیگری دارد هبته براینکه همه ملل چنان بنابر توصیه سازمان ملل متعدد این سال را نام زنان جهان تعجیل من نهایند.

دکشور ماعم بعد از سال های زیاد و بعد از
نشست و مرور زمانه های طولا نیست که زنان از
کذبته بیشتر هی توانند بعاظر احیای حقوق
حقهای خویش مبارزه نمایند، زیرا نظام جمهوری
شور روزنه امیدی برای تأمین حقوق زنان
نشوده که طالب معادلات و تلاش های جدی
پیگیر از جانب زنان است.

همچنان از هشتم مارچ امسال در حالی باد
زدی پیشودگه سال بین المللی زنان درگشیور
نم تجلیل میگردد.

درسراسر جهان زنان کشور های مختلف
نداز طی راه های طولانی وطنی چذرو و مدد های
ند توانستند در چهاره اجتماعی جهان تأثیر
رهنی از مبارزه طلبی و حق خواهی بنمایانند

دوم جهانی و جنگ های متعددی که از جانب جنگ افروزان در طول تاریخ در گرفته شایستگی خوبی را به جهانیان به اثبات رسانیده اند . در اینجا نستان هم، زنان سبیم بسزای دریغش های مختلفه حیات اجتماعی داشته و دارندگه اوراق نوزده تاریخ زنان گردان شایسته قدر .

این فول که در جو جب و جب این سر زمین، در داشت
هاودر کوه پایه های این خطه زر خیز زنان
نه تپا عضو عاطل و بیکاره نبوده اند بلکه
بازوی تو انای جامعه در همه امور زندگی
بوده اند.
از جمله سهمگیری زنان مادر ساخته تولیدی
هم از تولدات زدافت و هم صفت تائازه هم
نقش همیه داشته باشند.

در افغانستان مهیا است قابل یادآوریست . همچنان در تربیه اولاد وطن و در دفاع از مادر وطن از استقلال سیاسی و ملی این سرزمین هرگز از مردای عقب نه مانده اند و صحنه های بیکارخونی استقلال خواهی وطن برستان افغان شاعد ادعای مابوده و در دهلیز های تاریخ و در راه خای حادته دیده ها این سر زمین آوازه آزاده زنان افغان طنین غرور آمیز و افتخار بخش را آزاده دوست و ترقی می بینند و توانند این رای وطن دارد .

ازین گذشته امروز بچشم باز می‌بینیم که زنان وطن درگوشه و اکناف دور و نزدیک فعالانه دربر تونل جمهوری برای عملیات اخراج هرگز نشان بدهند تاریخ آینده برای شان اعذاف هترقی جمهوری آگاهانه می‌رزمند و با کف بزند .

خلاصهای خستگی نایابی در راه استعکام هر خواسته اساسی زنان در هشتم هارج ۱۹۷۵ تا مین هر چه بیشتر صلح و دیانت بین چه بیشتر آن تلاش میورزند .

همانطور هم می‌بینیم که باجه دلگیری و ملت هاست .

بروزی عای راعم کماین نموده اندکه در
جلیل و دیدرسست از وضع کتوتی باز هم
وقت زنان در اگافت گیتی متفاوت است.

مثلا، زنان در دوره های پیچ در پیج تاریخ
نه راه ترقی و پیشرفت را، خواهی نخواهی
می بینید نفس هم و ارزشند ای داشته و از
مراحل مختلفه گذشته بعضی وقت یکجا و گاهی
عقب از گاروان تمدن بسوی تعالی و ترقی
روان بوده اند.

زنان در اولین دوره های زندگی اجتماعی
یکجا با مردان در تشکیل جامعه اولیه کوشیده‌اند
و در دوره های بعدی چون برده داری و
ملوک‌الطوایف و بورزوایی بابی عدالتی های
بزرگ گردیده‌اند هرگز بازهم بحیث مادران
جامعه، فرزندان-فعال، کار کن و انتخاب آوری
تحویل جامعه بشری نموده‌اند که در سیر بعدی
از اندی زنان امروزه که هر هممالک پیش رفتند و
متوجه به آن اعتراف و ساخته عملی را پیدا
نموده سهیم قابل ملاحظه داشته و دارند.
زنان که می‌توانند مهارت‌های خود را در
جهات مختلف از جمله اقتصادی، اجتماعی و
سیاسی بتوانند استفاده کنند

بهماندار در چهار دیواری های هنزاں محصور
بوده اند هرگز نقش و وظایف راکه داشته اند
فراموش نه نموده و در اجرای آن از هرگونه
خودگذاری و لذاگاری درینخ نه نموده اند.

دان صمن تربه وپرورش کودکان در قدم
ول بحیث مادران و دروغ نظایف و کارهای اجتماعی
مزفعالانه شرکت داشته اند و ضمن یافتن سلسله
بنارها خداگاری، خودگزاری و شریعت در اینجا
۱۳ شتن به زخم های معروض در دروغ نگیرید.

5

十一

10

10

104

10

دنباله این موضوع از سهاره گذشته

مسئول خانواده

کیست؟

مردیازن؟

قانون درمورد کار و فعالیت زنان فصل جدایانه‌ای دارد. طی مواد آن تغییر و امتیازات خاصی پیش یافته است مثلاً در ماده ۱۶۰ و ۱۶۱ (کار های نقلی و کارهایی که از طرف شب باید انجام گردد باید به زنان داده شود). تصریح گردیده است واین خود توجیه است درمورد صحت زنان و حیات نورمال خانواده ها. وزنان حامله دار و زنانیکه طفل شیر خوار دارند و با خود اطفال شان خوردن از ۸ ساله‌اند به کار های شباهه روز های رخصتی گماشته نمی‌شوند. و همچنان همچون زنان را به وظایف دیگری دور از شیر (طور خدمتی) ارسال نمی‌کنند. مگر در صورت موافقت خود شان.

همینکه دوچوپان صاحب فرزند شدند گلمه موضع را به صورت کلی تر تحلیل می‌کنیم. فامیلی زنش را قبول گرده است. و این هم دارند).

خانواده با تمام معنی آن درمورد شان صادق می‌گردد.

در قانون نکاح و خانواده در فصل حقوق

و مستویت های والدین و تربیة اطفال، مطالب

زیادی راجع به تساوی حقوق آنها سخن گفته

مثلاً در وقت بستن نکاح (موافقت جانبین شرط

نمی‌گردد. ممکن است که اسم فامیلی قبلی خود را همچنین

موضع حکم قانون است. زن و شوهر در

شده است: والدین مجبورو مکلف اند که

اطفال شان را طوری تربیه کنند که انسانی

همجو موارد هم از حقوق مساوی برخوردارند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

درین شماره حقوقی یکی از برنسیپ های

خوب و شریف، صادق و وظیفر است بار آیند.

ملکه اولمپیاس خاک های نقاط مختلف حوزه هری رود رازبر فرشای تالار

در بار پین کرد .

وماد رش ملکه اولمپیاس

اسکندر در سال ۳۲۸ ق.م بعد از شکستن قوای هغا منشی های ایران وقتل داریوش سوم به حوزه هری رود نزدیک شدودر مسیر خویش بطرف شرق ، در مقابل اولین دزیساوین حصار باستانی حوزه هری رود قرار گرفت این کمین دز تاریخی که بنام (اوتابانا) در مأخذ قدیم یونانی شهرت دارد قلمه بود مستحکم که کانون مقاومت باشد گان حوزه هری رود بشمار میرفت قرار یکه یونانیسان نوشتند اند بار اول اسکندر و جنگل های معیتی وی در پای حصار مذکور بسته مقاومت جدی مواجه گردیدند .

قصه های چنگ وفتح و شکست بین اهالی هری رود اسکندر و بتظامیان او موضوعی است علیحده و بعشر حیکه در تاریخ ذکر است چون اسکندر به مقاومهای شدید اهالی مواجه شد از برخواستن مکرر دلاوران آنولا اندیشتگ شدو یلکر تاسیس شهر اسکندر بیه افتاد که بنام «اسکندریه هریوس» یا اسکندریه وادی هری رود شهرت پیدا کرد .

عجب اینکه انکاس مشکلات پیش روی اسکندر در درگوهای های افغانستان از حوزه هری رودتا حوزه آمو در بار وسته ، چه شفاختی و چه تحریری از روز گاران باستان تاقون های ۱۹ و ۲۰ هجری (۱۷۵ میلادی در میان باشند گان این کشور هنداول بودواز خلال آنها معلوم می شود که اسکندر راجع به این مشکلات بامادرش ملکه اولمپیاس به یونان هم مکاتبه کردند .

از خلال یکی ازین داستانها که بشکل تحریری ، مأخذی ذریعه سیفی هری منتشر شده است گفته شده که مکاتبه اسکندر بامادرش در باب تاسیس شهری بوده در حوزه هری رود که آنرا در قالب تعبیر های وافع و تاریخی بیندازیم باید گفته شود که اسکندر قبل از بنای اسکندریه ای در حوزه هری رود بامادرش مکاتبه و مشاوره کرده است .

طبق این داستان حینکه اسکندر به حوزه هرود رسید و خواست حصاری بناند از مردم محل مشوره خواست و ایشان به آبادی کمین دز یا اسکندریه نظر نداشتند ، اسکندر در تردد شدیدی که دو سال بین شکل گذاشت ، درین وقت مادرش چویای حال وی شد بلایه اسکندر به ملکه اولمپیاس نوشت که مردم این دیار اطاعت نمیکنند و به اعمار حصاریکه در نظر دارم موافق نمی کنند ، هادر اسکندر از فرزندش اسکندر خواهش گرد تازیقاط و گذرهای مختلف آن شهر قدری خاک برایش بفرستند تاز رایعه ولون وطعم آن تدبیری بگیرد ، اسکندر چنین کرد و بیکمشت خاک در گیشه های مختلف انبانه خدمت مادرش فرستاد . خاکها کیسه های مختلف بود بعضی نرم ، برخی درشت قسمتی سفید و برخی سیاه .

ملکه اولمپیاس خاک های نقاط مختلف حوزه هری رود را زیر فرشای تالار در بار پین کرد و بعد بزرگان و اعیان یونان را خواست وطبق انتظار اسکندر مصلحت ایشان را بر امور بناهای شهری یا حصاری در حوزه هری رود خواستار شد بزرگان یونان بعدها تأمل و تفکر رائی مخالف دادند و عرض داشتند که حوزه هری رود در آستانه هجوم یادیه نشینان واقع است و بنای زدرا آن حدود از مصلحت بعید است .

چون اعیان رفتند خاکهای مذکور از زیر فرشها جمع گردید و روز دیگر بازدروز مجلس بزرگان یونان را باردادند و باز ملکه راجع به پرسش و انتظار اسکندر سوال خود را تکرار کرد ، این دفعه خلاف روز گذشته همه حضار به اتفاق و بیک صدا رایی موافق دادند و بنای دز رادر حوزه هری رود موافق بمقابل و مصلحت خواندند .

ملکه اولمپیاس فوری فهمید که هر خاک هری رود تأثیری هست و به فرزندش اسکندر نوشت که در خاک آن دیار گه هستن تأثیر است عجب است یعنی باشند گان آنرا سلحشور و شکست نا پذیر می سازد .

بقیه در صفحه ۵۳

بود و مادرش در شهر دورتری رانه بود و فقط این رخصتی پرسش را دیده است آهسته و نجور و لاغر شد و حتی بسیار صفات نیک که داشت مبدل به صفات بدتری می شد چون مادرش متوجه این وضع گردید به قصاء هراجعت گرد و محکمه هم به مقاد اورای داد و سر را به مادرش تسلیم گرد . البته نا رسیدن سن بلوغ یعنی هزده سالگی بدر مجبور است احتیاجات مالی فرزندش را تامین کند . م

ماسعی داریم تا زنان حقوق خویش را بشناسند عینکه زن حامله شد نزد مشاور نسانی رفته و مشوره های لازم را گرفته نزد حقوقدانی می رودم ممکن است توضیحات بیشتری در مورد حقوق خود بیحث یک مادر از این بستود . دوشیزه و شوهر آینده او قبل ازینکه نکاح شان عقد شود مشوره های نیکی حق از طرف کسی که نکاح آنها را بسته می کنند خدمتی میانند . کلمات و عبارات (نکاخانه) هنوز بیشتر از هر وقت احترام متقابل شان را تقویت می نماید .

از نگاه یک جامعه شناختی سی:

نکلای یورکوبیچ . دکتور علوم حقوق و پروفیسور انتیوت جامعه شناسی جمهوریت روسیه سفید :

(زن خوب چگونه زن باید باشد و چه فکر میکند) که شوهر خوب گیست؟ ما شخصیت عالی مختلفی را در نظر گرفتیم و از جمله کارگران فابریکه نساجی را بحث یک فامیل سعادتمد معرفی نمودیم .

در حدود پنجصد نفر از کارگران این فابریکه را در نظر نگرفتیم . در لایلای خصوصیات فامیلی

شان مقام اول را وفاداری و ضمانت سازمان دهنی یک خانواده خوبیست احراز می کند .

ازینکه درین خانواده هم شوهر و هم زن وجه هسترنگی داشتند عبارت از عشق و علاقه به کار بود که مانند تو این ازان چشم بیوشیم .

به عقده من جالب ترین جیزی که در این خانواده دیدم آن بود که هردو پاره ریست را

میگونه و یک شکل یافتم . علاوه ازوفا داری و عشق به وظیفه و کار ، در هر دوی شان حبا ، صداقت ، حساسیت و دلسوزی و زحمتکشی به مشاهده میرسد .

وقت در مورد خانواده ها در شهر منیسک

(مرکز روسیه سفید) تحقیقات جامعه شناسی را در فتنه میگردید که در این

کدام یک از خانواده هایترین خانواده هاست .

ما بررسیم :

(مصالحه به عهدہ گیست؟) (درآمور تربیه اطفال و خریدن سودا ، و تصمیم گذاشکنی قاطعتر

است خاصتا اگر در زمینه اختلاف نظری هم در کار باشد؟) (تصویر عموم گدام یک از شما را میتوان منظم امور خانوادگی نام نهاد؟)

چه شوهران و چه زنان کمتر در مورد نقش عده بیشتر امور خانوادگی را به سخن میگشایند . به زن این رول بیشتر متوجه

میشود حتی شوهران نیز بعضی اوقات به



پیش فته است .

شما فکر نه کنید که این کار ساده است حتی در شرایط موجوده ، در شرایطی که دولت بسی تسبیلات داردای خانواده ها فراموش نموده باز هم مشکلاتی در کار است . هر قدر که درین زمانه فعالیت بخارج داده شود باز هم بجز نام (کمک) چیزیگری نمیتوان به آن داد . در تربیه اطفال فامیل هارابه هیچ وجہ نمیتوان عرض کرد و در انتکاف گرگن و شخصیت اطفال ممکن نیست هیچ قوه دیگر را بکار انداخت والبته حاضر هم نیست این تجربه را راه بیندازیم .

ازین لحظه است که ما هم طرفدار آنها که بگوئیم مستولیت هادر خانواده به دوش شوهر وزن مساویانه تقسیم میشود و به این غایبیم که صرف باهمجو شرایطی ممکن است جریان حیات باسعادت خانوادگی را راه بیندازیم .

درین جا راجع به تقسیم (قدرت) و حقوق که به آن مربوط میشود باید به طرف دیگر همین غایبیه اند (خاصتا در مورد مصارف پولی برایم همتو جه شویم زیرا تساوی حقوق به خانواده . ولی (قدرت) بصورت عمومی در دست همان بینانه ایکه روی کاغذ درج مشود باقی هر دو است در اکثر خانواده ها داره به شکل میماند که واقعاً مسوالت ها هم در مقام مساوات قرار گیرند .

زن است مجبوراً میکنم و به اصطلاح بین

ساه می نمایم .

ولی بصورت عمومی اگر این سخن را تصدیق کنیم که اجرای (کارهای زنانه) دردها را تو همین میکند درین امر من موافق نمایم .

ولی بصورت عمومی اگر این سخن را تصدیق کنیم که اجرای (کارهای زنانه) دردها را تو همین میکند درین امر من موافق نمایم .

درینجا لزو من تدارد که مثلاً این چنین به غایبیه من خانواده کادونوف که شرایط خاص زندگی شان از نظر خوانندگان گذشت یک خانواده بکلی تبیک است . درین خانواده بخت امروز باید شو هر آستین بربزندو اوتوریتی زن به اندازه کافی بلند و عالی است . بولانی بیز د روز دیگر بنابر تو بت خود واژ برگت همین اوتوریتی اوست که سرنوشت یک خانواده به این شکل تضمین گردیده و یک البته ابتدایی و معمولی لی جلو ه میکند آری ، کارگر معمولی توانسته امروز پست حساس بعضی اوقات میشود که هامر دان به این و بر مسئولیت را بستانماید . و خودانگیناسیتانو چنین رسماً دست بیز زیم البته این کار را هم از شوهرش عقب نمانده و دوش بدنوش او شب هشتم مارچ که تجلیل روز بین المللی

عبده دارسود جرا اینطور است ؟

برای اینکه جوا ب مفتعه به این سوال داده شود لازم است در مورد مسئولیتی که در قسم تر به اطفال به و آن دین رونما میشود یک بار دیگر نظر اندازی کردو - مکلفت های آنها را درین قسمت یک به یک شمرد .

هر قدری که شرایط و اوضاع متفاوت در فامیلها رو نهاده گردد و به عن اندازه ایکه مناسبات زناشو هری را از نظر یک رانم چیز اساس را چنین می یابیم : نظم و ترتیب را بجز در احترام متقابله زن و شوهر در هیچ جز دیگر نمی توان سر اخ گرد آزادی نسبی و خود ارادت اعصاب خانواده می تواند خو سبختی بار ازد و اگر اینها نباشد اصلاً مساواتی و جوشنده .



سکونتگاه

۳۷



فصل چهاردهم

اثر: م. ت آی بیک

ترجمه: ح. ش

عیلهشیر، نوایی

خبر باز گشت علیشیر نوایی بسران و انتساب او به حیث میر دار دولت، چون خادمه مهمن اعکاس میکند. اهالی خراسان این تقریر را بقال نیک میگیرند و چشم امید سوی او میوزند.

جندي بعد میرزا یادگار یکی از سپریادگان تیموری علم بقاوت بلند یکند وسا وجود مکست فاختس که از حسین بایقرضا میخورد، بوقق میشود در اثر خیانت برخی از سرگردگان (بکها) شهر هرات را انسفال نمایند.

حسین بایقرضا پس از هدیت اوارگی در باغخس و مهنه سر انجام شامگاهی بر هرات هجوم میبرد و بیاری نوایی قدرت از کفت و فته ادوباره بدست می آورد و میرزا یادگار را نقتل میرساند.

در زمستان همان سال براساس یک فرمان علیشیر نوایی به وقاره خطیر امارت انتساب میگردد این اقدام در عین حالیکه حس خصوصت و کین تویی مخالفان را برمی انگزد، مورد تایید اهالی عدالت پسند هرات و گفایه مردم خراسان فرار میگرد.

روزی بعداز آنکه بیشتراد عای نوایی درمورد بیبیود امور ورفع نواقض مسو جود در دستگاه دولت طرف تایید جدی سلطان فر. نهیگرد، وی ناراضی از کاخ سرای خارج میگردد و نزد شاعر بزرگ عبدالرحمون حادر میرود.

خدیجه بیک درحالیکه ابروان یاریک آخسته به وسعة خوبیش راتکان میداد، تاکید کنان

الظیار داشت:

- مارازی نداریم که از شما ینهان داریم.

برای نامن سعادت آینده پسر خوبیش باید از همین حالاتهم تدبیر لازم و موتو را بستم.

میدانم، هریک از سپریادگان آذویوسی در دل

میخورد، هریان ابرومندی به بروز آنان مشغولند. بدیع الزمان ولیعهد است... خاطر

فرمانروای بزرگ اذین جمع است دراین مورد نمی اندیشد، دوصورتیکه چنین است، من

ناگزیرم بعثت یک زن، خوددر اندریشه فردای

پسرم باشم... شاید به کنه مطلب من پسر

برده باشید؟

خدیجه بیک چشمان حیله گر خودرا بسوی او دوخت.

- منظور شما چون افتاب برای من روشن

گردید... سخنان شما دردانه های منطق و حکمت

است، فرموده های علیامخدره از کمال خردمندی

وذکای سرسار شان گواهی میدارد.

- خوب، چه مشوره میدهید؟

- مشوره مرا میخواهید؟ بروانه چی بسم

کرد و آنکه باوضعن داشتمند هایانه ادامه داد:

نخست از همه باید اطمینان بدهم که بااندیشه

مید علیا بیکم کاملاً عماهنه کنم. باید از همین

اکنون برای تامین سعادت آینده مظفر میرزا

تدابیر لازم سنجید، زیرا سرتوشت بوالعجمی

های نگارنگ درگفتن دارد؛ اما افراد درین

کار و این راز را با هرگز درمیان نهادن - خدا

نشان ندهد عوایق ناکواری ازی می آورد.

باید مخفیانه کارگرد و غرگام را با احتیاط و

ستجس جلو باید گذاشت. نیاید در مسورة

صادفات بیک عا وجوانانیکه بیرامون متفق

میرزا را احاطه کرده اند، ذرهای شک و تردید

وجود داشته باشد. او اکنون جوانان دلیر و کار

از موده ای جون توغان بیک در اختیار دارد

سپریاده گرامی خدۀ دیگری از اشخاص آبدیده

را این بخدمت خوبیش بگمارند.

- متوجه خودشما نیز گاه گاه راه و چاه را

بیو نشان بدهید...

محول گردد؛ از بیک دست صدا بر نمیخیزد

باید همین حالازوی قول گرفت و با او فرار

بست.

بروانه چی دستپارا روی سینه گذاشته
نائسی میدانست.

صاحب دارا باعلاقمندی برسید:

- نمک نائسی؟ تصویر هیکم گسلم

ماجرایی مابین شما و حضرت امیرگلشته باشد

حالانگز برای بگویند!

شیخ بهلول باخته ای تکلف بصحبت

ادامه داد:

کامل درست گفت کردید. شامگاهان

میرا زدیوان بگشته به اتاق خاص داخل

شدن. دقيقه‌ای بعد مرا فراخواندند. دسته‌ای

از نامه‌ها، عرايس و مطالبات را که به عنوان

مراه‌هاصلت کرده بود، گردآورده به حضور

شان رفت. میر روی گرسی اشاره نموده

گفتندگ (بردارید) من دچارتددوسرا سیمگی

شدم. روی گرسی یک دانه شمع، قلم، دوان

و یک کاسه آب فرار داشت، گدام یک را

بردارم! نامزیر برسیدم: (برای برداشتن

چه چیزی دستورم دادند؟) حضرت میر خشم-

آگین سویم نظر گرده گفتند: (آفرین بایسن

دک و فیم شما! باینکه اینقدر مدت زیاد در

خدمت ماقرار داشته اید، اما هنوز هم به نظم

و ترتیب آشنا نشده اید. شما میدانید که

شمع تادیمن صبح پیش روی من می‌سوزد،

لزومی برای توضیع دوات و قلم احساس نمی‌شود.

یعنی درینجا بکدام یک از آنها ضرورت وجود

ندارد؟ من بلادرنگ کاسه مملو از آبراه

برداشته بیرون رفتم.

صاحب دارا درحالیکه از سدت ذوق روی

زانوی خودمیزد، قاصقه خنید.

شیخ بهلول که خاطری دنیجه بود افشار

داشت:

- خنده برای چیست؟ باین وضع میخواهد

به زخم این فقیر نمک بپاشید!

صاحب دارا در حالیکه بادستمال گوچك

حشمان خودرا یاک میگرد گفت:

- استغفار الله! خوب، دیگر قطعاً نمیخشم،

بعداز آن چه واقع شد؟

- بدتر از همه اینکه، فردا صبح میر خود

معدن خواستند، من از شدت خجالت نتوانستم

سرخودرا بالا کنم...

بروانه چی دستپارا روی سینه گذاشته

- اظهار داشت:

- این بندۀ همانطورکه ارادت بندگی نسبت

به حضرت خاقان دارد، به شیزاده عزیز خوبیش

نیز چاکرانه ارادت می‌ورزد. بیش حال همکوشم

ناحیت واعتبار شیزاده ما در نزد حضرت

خاقان روز تاروز فزون گردد. اما اگر بخواهم

حقیقت را اظهاردادم یا باید بگویم که موقوفت من

درین امر وابسته به درجه موقعیت و پایگاه

من در دستگاه دولت میباشد، یا اینکه اشتباه

میکنم؟

ملکه باتیسمی معنی دار پاسخ داد:

- راست میگویند، درین باره فکر خواهیم

کرد، بیشتر خواهید بود تامینه توسط مطمئن ترین

استخراج از هرامی همدیگر رامطلع سازیم

حروف دیگری ندارم...

مجدالدین سرفراو افکنده تعقیم بجا آورد

دریک گوشه (بنفسه باع) درسایه آرام

بعش درختان انبوه، شیخ بهلول(۱) مصروف

تبه خود را آنروز بود. او به کسانی که تحت

عادتمند قرار داشتند، انواع کارهارا میخورد،

اما از حرکاتش نوعی عصبانیت و در چشمانتش

سایه اندوه و تائز خوانده بیشد.

یس از انجام کار مثل اینکه (صاحب دار)

داروی فرشی در کنار جوی ندیده باید، بر

درخت سرو تکه داده خاموش ماند. وضع

آنروزی این ملازم قدردان که هرجند شوخ-

طبعی بیش از اندازه را درست نداشت، اما همیشه

خاموش و آرام سرحال میبود، صاحب دار از

به سکفت اندر ساخت. او شیخ بهلول را

مخاطب ساخته گفت:

- برادر، اینجا بیاند تاکم باعهم صحبت

کنیم.

شیخ بهلول مثل اینکه د لش نخواسته

باشد، به تبلی از جابر خاست.

- حالت رادگر گونه بینم، بشنین. صاحب

دارا چای نشان داد و سخن خود را دنبال گرد،

هراندویی که در دل داده براوی من باز بگو

شیخ بهلول برگوشه ای از فرش نشست و

ناگبان فایه ای هبته نهایم نهایم گرفت، و گفت:

- مولانا، باور گندگه ذرهای دردهم در دل

دارم، و اگر میدانستم هم الظیار آڑا نمک

- استغفار الله! خوب، دیگر قطعاً نمیخشم،

بعداز آن چه واقع شد؟

- بدتر از همه اینکه، فردا صبح میر خود

معدن خواستند، من از شدت خجالت نتوانستم

سرخودرا بالا کنم...

(۱) شیخ بهلول یکی از ملاز هان نزدیک

نوایی بود.

محل گردد؛ از بیک دست صدا بر نمیخیزد

باید همین حالازوی قول گرفت و با او فرار

بست.

صفحه ۱۰

شماره

گویی میخواهد شتاب از سینه ام بیرون آید و بران بوسه زند.

- همینکه نازه مضرع سوم را گازگردیده بود که ناگهان مجبور شد بعقب بترکد: «السلام علیکم!» - به جوان ساده بیکانه ای که دست خود را روی سینه گذاشته بود، لحظه ای چشم دوخت و آنکه پاهای خویش را جمع کرد.

- چه میخواستید؟

جوان بانوعی اتفاقاً سرخ شده به زمین نکریست. و بعد از آن دفعتاً با وضعی استوار

- چنان، هرایدین درگاه مولانا سلطانمراد فرستادند، شاید ایشان را بشناسید.

- هان، آن چنان را مشناسم. برای چه منظوری فرستادند؟ نزدمن و بیانزد حضرت میر؟ جوان مثل اینکه با یک تضاد رونمایی نماید، پیشانی خود را مالیه پاسخداد:

- هر افرادی اند که ناشاید کاری درین درگاه برایم بپوشند. شاید بعضی حضرت نوایی

مطلوب خویش را معرفی بدارم

ناتمام

برداشت آن عاجز بود. هرگاه درین شرایط بعضاً آتش خشم در چشمان شان بدرخشد و بعضاً رویه ای خشن در پیش گیرند، تبا ید هایه شگفتی گردد. طبعاً این کمینه تمام این جهات را میتواند درک نماید.

صاحب دارا بآجیت گفت:

- مخدوم از اول درگاه این مطلب ضرور بود. شما چون کودکان ابرو درهم کشیدید.

آخر قلب آدمی نمیتواند از هر گونه ضعف و ناتوانی عاری باشد.

شيخ بپلول از باغ بیرون رفت تا همراه باخانی که بدانسو می‌آمد حرف بزند.

صاحب دارا روی فرش به پیلو تکیه داد.

به آنیکه در گناهش جریان داشت و بسان نواری سیمین بربیج و تاب با امتداد گلزار حرکت

نموده، درین سرو زارهای دور دست کشیده، در هوای گرم روزگر نموده بودند، نایدیده گردید.

جسم دوخت - بی اختیار چاهه هایی که سخت

مورد پسندش بودند، بعاظر ش روسیدند:

ترجمه: اکنون که نامه اش را در بغل دارم قلب به اضطراب می‌تند

آن بطبقه نهم آسمان لدت میرند... ولی حساب مردم جدا از حساب ایشاست...

صاحب دارا توضیح داد: سردم در وجود نوابی، آرزوی یکانه خویشتن

را مر بینند.

شيخ بپلول بسخن ادامه داد:

- آری چنان، اگر بعاظر داشته باشید، سال گذشته میر نسبت دندان دردی دستمالی بر ذقون

بسته بود. زنان هرات در مدت اندک باجیقه های خود بارچه های ابر یشمین بسته

(دستمال علیشیری) نام گذاشتند. بدین ترتیب دندان دردی شاعر و سیله پیرايش زنان گردید.

صاحب دارا تسم گنان برسید:

- بس چراز میر رنجیده اید؟

- نخیر، من خود را خویش رنجیده ام،

شيخ بپلول مثل اینکه خجالت کشیده باشد،

چشمان خود را بر زمین دوخت - های بیچصورت حق نداریم میر علیشیر را مورد ملامت قرار

دهم، زیرا چنان ایشان بار های سنگینی به دوسر دارند که اگر برگوه نهاده میشدند، از

آن ببلول ازین ناحیه خاطر شما خیلی زیاد شویش شده است. این واقعه که میان میر

و ملازم دانایش اتفاق افتاده، بزودی در سراسر

هرات و خراسان شایع خواهد گردید، هرچا که نامی از میر علیشیر برود، سخنوران این

نکته را نیز باسلوبی در تکنیک بیان خواهد گردید.

و اهل مجلس باشندید آن خواهند شکفت.

برای اینکه این ادعا، هنالی برای شما ذکر میکنم: زمانی حضرت میر در «باغ فغان» دعوت

زیارت و مجللی ترتیب داده بودند. در دعوت

سیاری از شاعران، فاضلان و اکابر پايتخت

استراک داشتند. خداهای گوناتونی کشیده

شد. باجمع شدن خوان حضرت میر بدروازه

رفته از نظر نایدید شدند. اهل مجلس به

تصور اینکه شاید میر برای صحبت فرصت

نداشته باشد، از چاپرخاسته پر اگنده شدند.

در همین اثنام میر برگشته از هنر پرسیدند: («بمانان کجا شدند؟») من توضیح دادم.

میر ناگهان بخشم آمده از من آزرده شدند و

برو درهم کشیده گفتند: (مگر خانه علیشیر

دکان آشیزی است که حربیان بیانند و پس

از صرف غذای برگردند). این واقعه را من

یکی دو تن از دوستان گفتند بودم، باور گنید که سرعت برق بگوش تمام هرات را رسیده است...

نظریه اظهار آنایکه از حضور یعقوب بیک (۲)

برگشته اند، این واقعه در آنجا نیاز از زبانی

زبانی گذشته و در محال راه یافته و بثایه

لطیفه مسیر بخشیده بوده است.

شيخ بپلول گفت:

- سخنان شما حقیقت دارد. هر گو نه

علوماتی درباره شاعر باشور و علاقمندی در

کشور شنیده میشود، اما از من... بحیث یک

ام نافهم نام خواهند بود.

صاحب دارا اعتراض گنان گفت:

- نخیر، شما بخطا رفته اید. روایت این

واقعه را در هرچا با جملات (میر ملازمی یکتا در

عقل و فرست داشته) آغاز خواهند گردید، زیرا

اردم نسبت بحضرت میر همیشه چیز هایی

زیارت و نادر روا میدارند...

شيخ بپلول صدای خود را پست نمود و معلم

انتکه بخواهد مطلبی مخفی را اظهار دارد گفت:

- امادرهان دیگران چنان عناصری هم

وجود دارند که بیوسته در تلاش یافتن نوافص

ز ساعراند. هرگاه به نقیصه کوچکی دست

بایند، های و هوراه می‌اندازند و از رساندن

(۲) حکمرانی عراق.

قصص نویسال معاصر



د فعاله صحبت با

اعظم رهنورد ذریاب

مشوند و تغیر میکند گاهی از اشیاء طور در دنوشته های شما صحبت میگردد که انگار موجودات زنده بی اند و گاهی هم آدمها چون تصاویری متحرک زیر تأثیر جاذبه اشیاء به حرکت و اداسه میشوند . میتوان گفت شماره قصه های خود بادیدی سود را لیست ب آدمها و اشیاء اطراف این آدمها هی بینند، در حالیکه خودشما ظاهرا بیشتر ادعای رئالیست بودن را داردید، میتوانید در این زمینه کمتر توضیح دهید؟

- نخست باید بگوییم که من ادعای ریالیست بودن را بدان مهناپی که بسیاری از مردم قبول کرده اند، ندارم. ازین که بگذریم من نظرسما را را نمیکنم، از دیدمن همانطوریکه انسانها در محظ زیست اجتماعی خود روابطی باعهدیگر شان دارند، در محیط مادی و فزیکی نیاز ارتباطاتی با اشیاء دارند . وهمانطوریکه انسان مجیع فزیکی را تغیر میدهد، محیط فزیکی نیز دوی انسان را بگذارد و این اثرات میتوانند عاطف باشد و در پدیده های هنری تعجب کنند.

انسانی را در نظر بیاورید که با مادرش زندگی میکند، مادر غرروز در چاینک معینی جای دم میدهد، بعد باطاط چای بین میگردد و غردم کنار هم می نشینند و چای میتوشنند. زمانی بعد مادر میمرد و این آدم میماند. تسباب خودش و باراندوش .

حالا بگرچاینک معین برای او فقط یک شیوه ساده و بی جان نیست، تداعی کننده خاطراتی است از مادرش . یادهای روزها و شب هایکه باهم بوده اند در گذار هم نشته اند . از مهمها و شادی های خودواز آرزوها و یادهای خوب خود باهم صحبت داشته اند . هرگاه این آدم به چاینک معنای خاصی دارد. او به کمک همین چاینک گذشته های شاد و باراندوهیار خود را به یادی آورد . و بار عاطفی خود را بیرون میریزد، تازه ارتباط این آدم با این چاینک در همین محدوده خلاصه نمیگردد . بدبینمی که رابطه انسان با اشیاء خیلی بیچیده می تواند باشد. باز هم همین چاینک را در نظر بگیرید که شاید بر دیواره خود گلی دارد و این گل را انسان دیگری نقش کرده است و با این نقش خواسته است چیزی بگوید. اگر این گل همراه با این اشیاء گذاشت های شاد و باراندوهیار خود را تأثیری را بیجاد میکند .

اشیای مادی نه تنبا در دنوشته های من بلکه در ادبیات سر اسر جهان نقش اساسی دارد و در شعر دری نیز یک مقدار بسیارگ تشییبات برای نشان دادن حالت های نفسانی است توسط اشیای مادی .

- من با اینکه نظر شمارا در مرور ارتباط انسان ها با اشیای مادی تائید میکنم، اعتقاد دارم که با ادله تویی خوبتر میشود یک فکر و اندیشه در دهن خواتنه قصه، القاء گردد. شما خود روندون

من نکر میکنم بیدیده های هنری بیدیده های اند، بسیار مغلق و بیچیده ، بیچیده، باندازه روان آدمی . ولی عمانطوریکه روان انسان بصورت نسبی و به دشواری قابل شناخت است، محصول هنری نیز بصورت نسبی میتواند شناخته گردد، هرجندگه تلاش های علمی در این زمینه تاکنون زیاد چشمگیر نبوده است .

اگر بر سرده سود که من چگونه محصول خوب را از خراب بازی شناسم ، بن آنکه اصراری داشته باشم که نظرم کاملا درست و عاری از خطاست، میگویم :

هر محصول هنری خواه قصه باشد و باید بیده دیگری از هنر اگر بتواند، شنونده خواننده و تهاتاگر را در شناخت زوایای تاریک روان آدمی و شناخت محیط که این تهاتاگر خواننده و بیانشونده در آن زندگی میکند، باری نایاب و سوالهایی در ذهن او ایجاد کند که باطراح آن سلوکهای خفته و عاطل مفرز آدمی بکار افتد و حساس گردد، همان اثر هنری ، اثری خوب است، والبته چنین اثری بوجود نمی آید مگر در عملیه راستین آفرینش هنری که این عملیه به هیچ صورت عملیه بی میکانیکی نیست .

- میتوانید بگویید باشناخت و درک خاصی که شما از یک اثر هنری خوب دارید، کار های کدام یک از قصه نویس خوب از نظر شما کیست؟

- در دنوشته های روستا باختیری خصوصیت هایی وجود دارد که من از این این اتفاق نیست و میتوان گفت که به شکل بازار از زمان ارسطو راحل و هردو خوش آمده است ...

- آقای رهنورد، تائنجا که من متوجه شده ام.

در قصه های هنری تاکنون در چار چوب ضوابط علمی دیگر مورد بررسی قرار گرفته که گاه تعین کننده است. اجازه بدهید صحبت همان را از اینجا اختصاصا درباره قصه های خود شما دوام دهیم .

آدمیت لازم خودش را به دست نیاورده است . به عین دلیل میگوییم و اعتقد ادارم که از زمین ازین روم طرفدار نیست که بیدیده های عضای خاص که در آن اشیاء موقف حساسی دارند، حالات روانی خود را تبارز میدهند .

پدیده های هنری تاکنون در چوکات ضوابط علمی دیگر مورد بررسی قرار گرفته و هنر شناسی تاکنون به حیث یک تلاش مستقل و پذیرفته شده هویت لازم خودش را به دست نیاورده است .

به نظر من این مفحک است که وقتی قصه نویس قصه بی مینگارد فورا دفاعه بی هم برای آن تهیه کند. ازینرو اگر تمام آثار من از بوده نقد کشیده شود و بکسره ردگردد، عزم دفاعی از قصه هایم نخواهم نمود

بیان (زبان) مانند همه پدیده ها در خصلات متضاد دارد : همانکونه که بخشی از تمايلات و اندیشه ها را روشی می سازد، مقداری از تمايلات و اندیشه را پنهان میدارد .

- آقای رهنورد شما که مخالف ورود طرح های سیاسی و نظریات خاص اجتماعی در قصه و هر بیدیده هنری هستید، ممکن است توضیح که عمان عقاید را در قصه هایم تبلیغ نمایم. دهید که برای الزام و مستولیت هنرمند چه تعبری دارید، واژ نظرشها هنرمندی که بسیار تا از رحلات روانی عمان لحظه فرازدارم که این حالت ممکن است موجب گردد نوشتہام باعفاید هیچ نوع جهانی خاصی در روند آفرینش سیاسی عمان لحظه هم آهنگ نشان نمهد و با هنری اش متعاد نباشد. چگونه و باجه دیدی متواتد شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی عصر خود را خوب نهایاًند و عینت زند گی گروهی معاصر خودش را با انتیزه جویی منطقی تصویر کنند؟

- از نظر من بیدیده های هنری بیش از آنکه محصول مستقیم تحولات سیاسی و اجتماعی باشد، فرآورده یک سلسله تعاملات نفسانی و روانی هنرمند است . البته این سخن معنای وارتباط دادن محصول هنری به بعدهای خاص روانی و عاطفی هنرمند در زمان ابداع، کار نقد هنر را بیشتر دشوار میسازد ، شما که خود نقد مینویسید ، چگونه از عبده این کار بر می آید؟

- گرچه تحقیق درگاههای ادبی و هنری و ارزیابی آفریده های هنری زیاد جوان نیست و میتوان گفت که به شکل بازار از زمان ارسطو آغاز شده است. اما بروز و عرض علمی و هنرستانی علمی بسیار جوان است .

ماده خاکیست در جگونگی پیدا بی اثر هنری هنرمند، ولی این ماده خام از چیزی روان است و هنر نمیگذرد. خصوصیت این چیز این تلاش مستقل علمی و پذیرفته شده در جهان است که عمه چیز را بی تعلیم میگردد، تجزیه میکند، ترکیب میکند و باز سازی میکند .

به عین دلیل میگوییم و اعتقد ادارم که از زمین ازین روم طرفدار نیست که بیدیده های عضای با چند شعار ، مقوله و قاعده اجتماعی و مبصوت مکانیکی تبارز میکند و شاید همین وسایسی ارزیابی گردد. چنانکه خودم نیز چنین است که شما به آن اسم ریالیزم گونه داده اید. تکردهام و پس ازین درین کار محتاجه تر خواهیم بود. اشیای معنی در حدا فرات بدگرگونی کشیده



رهنورد زریاب: برتراندر سل کتاب دارد...

انشیین رادرک گشید، قبل از مطالعه کتاب تمام نظرات فلسفی خودرا کثار بگذارید.
منظورم این است که هرنمند باید ذهن باز داشته باشد و دیدی وسیع برای شناخت و درک و گرنه محافظه‌کاری در زمینه داشته‌های ذهنی هرنمند را از ابداع و نوآوری بازمی‌دارد.
زیاد جا عوض می‌کند، ممکن است دلیل نگارش چنین قصه‌هایی داگویید?
داسته باشد و دیدی وسیع برای شناخت و درک و گرنه محافظه‌کاری در زمینه داشته‌های ذهنی هرنمند را از ابداع و نوآوری بازمی‌دارد.
خوب آقای رهنوردنم خواهد بگویید در مکانی از همان می‌رود. درخواب هاییز همین طور داشتن چنین عقیده بی و در انتخاب چنین روشی است شما یک‌لحنه داین سوی زمین‌هستید و بلاعسله یک لحن بعد در آنسوی کره زمین در انتخاب نوده اید که شاید درک آنهم از فهم خواهند عادی بالاتر باشد؟
اجازه بدهید برای توضیح خوبتر این مساله و پاسخ پرسش شما نقش قولی بدهم از (رولان بارت) دانشمند معاصر فرانسوی: از نظر این آدم که دید مترقبی دارد، همانطوری که در دیالک تیک پدیده‌ها منتقل از اجزای متفاصلی اند که این اجزاء خصلت‌های متفاصل دارند، بیان (زبان) هم خصلت‌های متفاصل دارد.

درین ناخود آگاه است و به همین دلیل نیز آن قصه‌های من که شما به آن اشاره نمودید بیشتر روانی است و به همین دلیل نیز ابعاد زمین و مکان در آن انعطاف پذیر می‌گردد.
ولی این خصوصیت در آثار هنری معاصر ممکن، و این وظیفه منتقد است که این عناصر بیشان شده در قصه را کشف و درگاه نمایدوش ر دارد.
و از همین جاست که در اروپا منتقد ادبی امروز دیگر سره را از ناصره جدا نمی‌کند و با پیروی از ضوابط خاص و معین خوب را از بد تشخیص نمی‌دهد، بلکه می‌کوشد روان‌نابخود هنر مند را باید و عنصر بیشان شده‌را از محظوظی از هنری بیرون کشد و معرفی کند. عنصری که ممکن است خود هنرمند نیز بی آن واقع نزدیک باشد. امروز، در جهان پر اشتباه می‌گردید، به شمول روان آدمی پیچیده تو و دشوار شناخت تر شده است، پدیده ساده هنری معنای ندارد. پدیده ساده هنری با شرایط و نصود عای معاصر بیکاهه است به همین لحاظاً، تاریخ هنر، تاریخ تکامل روان آدمیست. بیانگر عملیه‌های ساده به روش سادگی به پیچیدگی رسیده است. از طرف دیگر، همانطوری که عملیه‌های ساده به روش های ساده نیازمند است، عملیه‌های پیچیده به روش‌های پیچیده نیاز دارد.

در قصه دراز (نقش ویندارها) اساس داستان بر معور تداعی‌ها می‌گردد، یک انسان‌شانه در سرک هاقدم می‌زند و اشیای عقب و پیشین ها را از نظر می‌گذراند، این اشیاء که هر یک خاطره‌یی را در ذهن این آدم تداعی می‌کنند. وحش می‌شوند که هر زمان و مکان فرد بریزد، اندیشه این آدم وسیع و گسترده‌شود، انسانیت شود و بپرداشت بگوییم بخشی از انسانیت شود.

در چنین قصه‌های آدم قصه تنها خودش نیست نوونه بی ازکل است و بخشی از زندگی. حالا پرسشی دارد که شما هم قبلاً اشاره‌یی به آن داشتید می‌خواهیم بگوییم نه تنها در قصه دراز (نقش هاویندارها) بلکه در خیلی از قصه‌های کوتاه شما نه به بعد زمان توجهی شده است و نه هم به بعد مکان. در اینکونه از قصه‌های شما آدمها در فضای ابری زندگی می‌کنند. و بیشتر گذشته‌های دور با آینده

استاد هاشم هنرمند معروف کشور



استاد هاشم از هنرمندان معروف کشور ما در فن خودیکه تاز میدان هنر است وی درسفر هنر مندان افغانی به هند در گنسر ت های متعدد استراک ورزید و بعثت یک‌استادچه در همایین بادیگران و چه دریکه نوازی طبله مبارت بی نظری نشان داد استاد هاشم بانواع ساز ها دسترسی داشته گاه گاه گاهی غزل و راگ نیز می سراید.

در چنین قصه‌های آدم قصه تنها خودش نیست نوونه بی ازکل است و بخشی از زندگی. حالا پرسشی دارد که شما هم قبلاً اشاره‌یی به آن داشتید می‌خواهیم بگوییم نه تنها در قصه دراز (نقش هاویندارها) بلکه در خیلی از قصه‌های کوتاه شما نه به بعد زمان توجهی شده است و نه هم به بعد مکان. در اینکونه از قصه‌های شما آدمها در فضای ابری زندگی می‌کنند. و بیشتر گذشته‌های دور با آینده

دیانا، او پاین.

دیدانه مور دخیل میره له هرینشی
خخه و روسته دیونا آشنا او گور کورانه
انتخاب په اساس (پاین) سره واده و کره

سوه نوبادی خده به مونز پسی دالخیستی
دی زمۇن خخه خه غواصی تزد رومه او گنه
خبره بولیس ته رسوم .
پاین به چیره بی بروایی دزینی له پیو
خخه بورته شو او به وچه تبجه بی ووبل:
- غواصم چه دهود سره دی خبری و کرم .
بیزته گیده .

پاین بیو چاغ او تکره سیری قاودیانانه
سوا کولی چه دزورله لاری دهفی دهور کوتی
تدهفه دنک مخه و ننسی خرنکه چه هفه
شراب خبیلی وونو هفی ته بیا دیدانه معنیو
یه خوله کی ایپسول شوی ڈیدانه مجبوره وہ
چه باید خان دروازی خولی ته درسوی او
تیلفون و کری دهمی تصمیم یه اساس
دزینی له بیرون خخه لاراکبته شوی نه وچه
دیدانه سره لاس او گریان شوه .

پاین چه دیدانه یه مطلب پوه ئ سمدستی
بی دیدانه یه منکولو کبیس و نیو دیدانه اسی
احساس کاوه چه د جنایت قهرمان بیه خبیلی
منکولو کبیس زیبیس اوس نودیانه پیوره
ویوهیده پاین دهفی دهوریه باب خرنگشوم
تصمیم نیولی دی دیدانه پهدي وخت کبیس له
خان اویاد خبیلی مور خخه دفاع په فکر کبیس
هر گزنه وہ بیکه دی امله چد عفه بی رحمه
منکولی دهفی یه بین لکیدی وی دهفه یه
نسبت بیه زیه کبیس سخته گر که پیدا شو
وینی بیه زیه کبیس و خوییدی دهفی گر کسی
اووینو خوییدو یه اتر دیدانه دهفه سیری یه
شد دلیو نوب مرحلی ته رسیدلی وہ اوس
نودیانه او پاین ترمنخ بیو بیو فاصله وہ پاین
چیر هست ئوه له چیری هست خخه سمنه
شو دریدلی بیسی بی لیزیدلی اوتنم گونه بی
خوبیل، پاین دزینی له کتاری خخه لاس بورته
کراو غوبشتل بی چه بیو خل بیا دیدانه په
خبیلی منکولو کبیس و نیسی اویه خمکه بیس
سریبیش کری هنگ داخلی چه دیدانه به خان
ندیوهیده هفه بی داسی تیل واھه چه لزین
خخه بی وغور خاوه او دخشمکی سره بی سریبیش
کری .

دیدانه بیو درنه او او گرد جفه و گرماوس
هوبنے شوه خه ساعت وروسته چه دیدانه
حال شوه گوری چه پاین لاندی یه خمکه بی
حرکته بزوت دی، دیدانه گبشه شوه یوه
لحظه بی دیدانه بی حرکته جسد و گتل یهدی
وخت کبیس دهفی دکور ترخنک دیوی بلی
کوتی خخه یوه اطربیشی بیخه چه (انا) نویده
راووته او دیبیشی درجیان بیو بیتنه بیں و کریه
دیدانه بیه دی چه دهفی یو بیتنه ته خواب
ووایی بیه بیه بی خان داکتر (المر) گورته
ور ساوه .

داکتر المر دیدانه ته لار بیوونه و گرجه له
همانه خایه رو غتون ته تیلفون و کری اویو
امبولانس و غواصی .
اطربیشی بیخه (انا) دخیل جامو بدلوتو
دیدانه خبیلی کوتی ته تللى وہ او دیدانه بیه
ژونون

خوان ڈاکتر دهفی تر خنک کور درلاود چه
دیزوم یه وخت کبیس بهحتی له جنایت اووینو
دتجرد یه حال کبیس بی دوند کاوه
خرنکه چه (المر) بیخه نهدرلوده نولـهـدـی
کبله پیرو زیونو دزرکونو آرزومان سره دهفه
په بیاد شیی تیروانی .
دیدانه دخان سره یه نامیدی موسکی شواو
په خنداشی دخان سره ووبل .

زه خودنورو تعجنو او بیقلو خخه توپیس
لرم بیکاره خبره دندو مره عشق اوینه چه
عفه بیزما سره لری دنورو زیاتو پیغلو سره
بی هم ضرور لری هفه په دی بیه پوهیزی چه
زما، خخه پیرو بیکلی پیغلى شته خورخی
دهفه عفه دیوی پیغلى دهوریه خواب کبیس
ووبل :

سیرمنی ازه دمینی او مجتب کولو دیباره
وخت نلرم اوس زما سره دواده یه مسنه
کبیس خبری مه کوه .
دیدانه یه همی چور تونو کبیس سترگی
یقی کری اووینه شوه سترگی بی لابنی شوی
نهوی چه دیدانه خخه بی دی پیشو او از ترخو شو
س مدستی یه کت کبیس نفه کبینتا سنه او
سترنگی یه لارشوه داوخت داسی وخت چه
دغل نه بیزته بل خوک یه دی وخت کبیس
چیرتله هر گزنه شو تللى .

کله چه دیدانه دیپیشو داواز یه او ریدلوداچه

شوه نو ورته خرگنده شوه چه دیپیشو آوازخه

خالی شی نهندی وروله خیل کت خخه را پاخیده

خبیلی جامی بی بدلی کری بیایی دروازه خلاصه

کریه اووین ووبل :

خوک بیی ؟

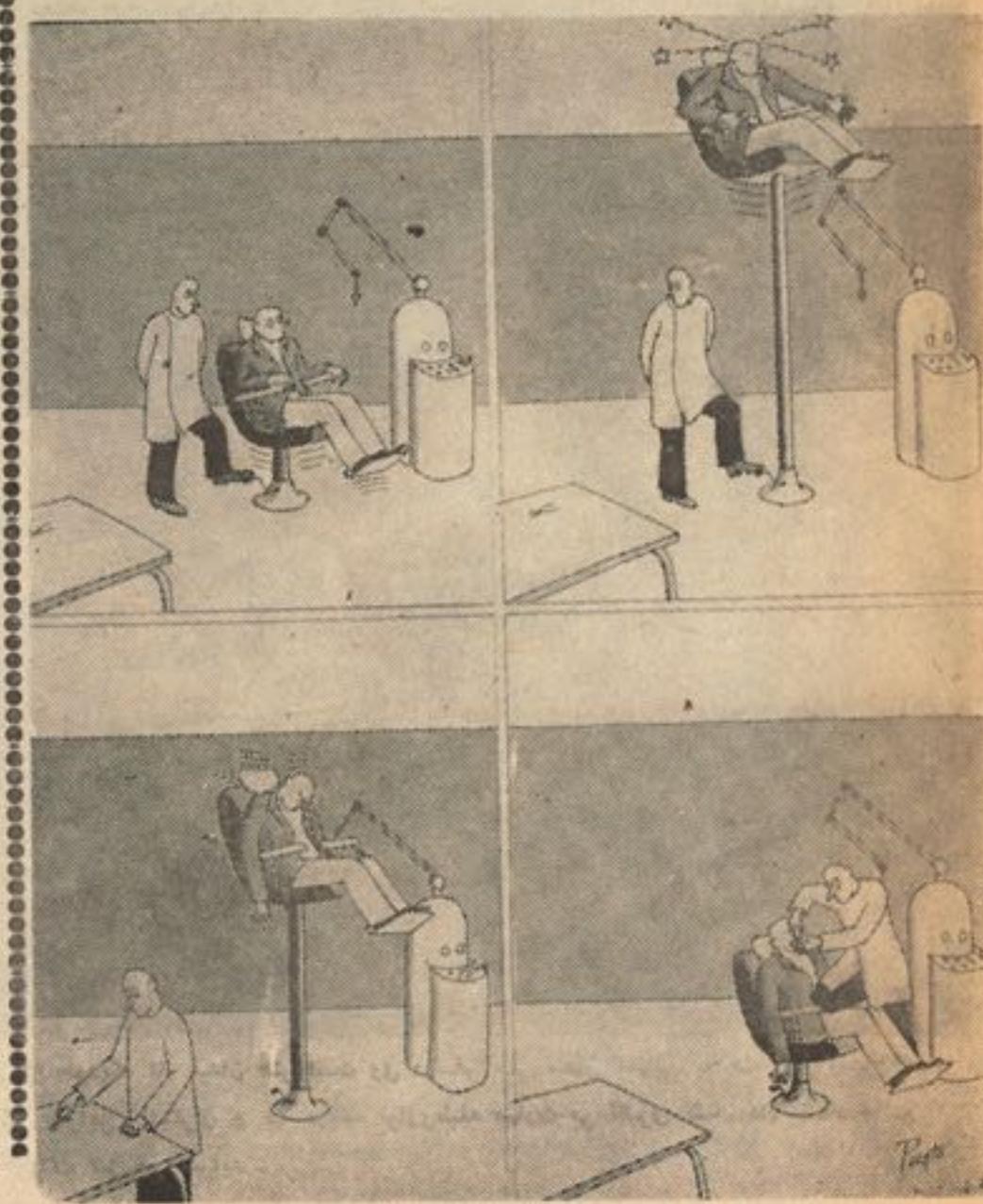
لەدى نه وروسته دیدانه دیوی خراغونه
روپیانه کریل خو قیمعونه ور و پاندی شوه
په دی وخت کبیس گوری چه بیه زینه کبیس بیسی
پلندز باین ولار دی په سترگو کبیس بیسی
دغوسی نبیس بشکار یدی دهفه لە سرو سترگو
او غوسه ناکی خیری خخه دنا گواری او ناوازه
بیسی دیپیشیو آثار بشکار یدل هفه په میره
کیده شراب خبیلی و ووادرلر زور یه مقابله
کبیس بی هم مقاومت نه شوای کولی .

ددیدانه اویانه ترمنخ دزینی خوبیو فاصله
وهدیدانه خان اداره کراو یه آفرانه لمجه بیسی
ووبل :

زز لە دی خایه خان کاوه خه حق لری چه
زمۇن گورته را خی اوی خود محکم دحکم
لە معنی زما مورستانه منکولو خخه خلاصه

نیمه سبی وہ چه (دیدانه) بیو ناخایه له
خوب خخه راوینه شوه او له دی بی وخته
راویشیدو خخه دیره یه تعجب کبیس شوه
دهور دساه ایستود راند او اورده اوازونه
بیله نزدی کوتی خخه ترخو گیدل دیداناداچه
شوه چه موری دخو سیو شو گیر اوزیاتو
رخخونو او هصیبتونو له زغمونه وروسته خوب
ووی ده به دی وخت کبیس بی افکار وروورو
دخل پلندز خوانه متوجه کیری اوله خانه
بوبسته کوی . او س چیری دی ...
به هرد وزخ کبیس چه دی زمۇن خورونه
نه تری ارام سول مونز بی له شر خخه خلاصه
شوه تردى وروسته بیزما ، اوزما، دهورد
ازار سبب نه شی .

ددیدانه مورد خیل میره له هرینشی خخه
وروسته دیو نا آشنا ، او کور کورانه انتخاب
لەخوا ، دیدانه یه زدہ کبیس داغ باتی وی
یدا ساس (پاین) سره واده و کری (پاین) بیو
دیدانه بی دی ته بیزی نه بشودله چه گوندی بیو
په بدماش سیری ۋ دخیلی نازارمی او بدماش
بیو سیله بی دیدانه اود هفه مورنه خرگنده کبیس داکتر (المر) ته متوجه شوه او دغىھە



بدون شرح

دغنو تولو دلایلوبه دی دلالت کاوه چه گه
چیری دمها گمی به وخت گنیس چیره سخنی
هموئی نوله سیر هیاستو بندنه پرته به بله
جزا ورنه گری به دی وخت گنیس بی له خانه
دايو بسته هم گوله چه زندان خرنگه خای
دی زمادمور کمزودی اعصاب بهدادی گاردنلو
به مقابل گنیس خنگه یینگار و گری دیاناله
بوه لنه چکر نه و روسته چه دتر خو افکارو
و درد و نکو خاطرو خخه دگ و بتره راسته

دیکتر المر ددیانا دور بوبنستی دیبارهه
عنقوی کورته تللى و کله چه دیانا کوتیه ته
نونه هور بی وروله کوتی خخه ووته اوهفوی

داستنی دلخواهی خو شیبی دیباين هری
بواژی بربپسی ڈ ددیانا مور هماغنسی په
درانه خوب ویده ڈه، د پولیسو مامورینسو
دبیسی خای وکوت او دیانا، انااو ددیانا موږی
د تحقیقات تو لاندی ونیولی او غوبنسل بی چه
بولپ داسی فراین او سواحد ترلاسه کړی چه
بینه روښانه کړی او یه دی و پوهېری چه
د ګوم علت له هغه مسټ سپری چه د فانون یه
اساس یې هغه گورته د ننوتلو حق نه دلودد
زېشی خخه لاندی لويدلی او همیر شسوی دی. د
بولیسو مامورینو له دیانا خخه و غوبنسل چه
ددخی بېبسی جریان پوره سر ھه کړی نو هنفی
ووپل :

- دیاندی خنده‌منی دینبو آواز ترگویدیبو، له
خوبه و بینه شوم دکوئی دروازه می خلاصه
کپره او چیبوی خراچمی رویسانه کپریدی وخت
کپس می بوه چیفه تر غون شوه اوخان می
دیر زرداكتر نه ورساوه .

د چ بودی دخراخ سویچ چیری دی؟
سزما دکوتی ددر واژی تر خنگ داسی کوم
غیر خودی و نه گرچه دهنه دوار خطابی سبب
سوی وی ؟

د ہولیسو بھولے کبھی یومستنطہ ہمروہ
ھفہ دا خبری گردی یاددا سنت کری اود خان
سرہ بنی ووپل :

-عده بوهیده چهارم کورته به رانو تلو سرهیں له قانون نه مخالف کار کیری دی او تصور بین کاوه چه خواک دهقه دیشیو آوازنه اوری مست و ناخایه خراغونه روپنا نیزی اوریا بی په ستر کو لکنیزی.

بایان به لوب آواز ووبل :
-هو تشنگر .
به دی وخت کنی مستنطق هفوی نه متوجه
کبری .

انا دجگري له مضبیت خيلو خغمده او خوه باشت
کيدي جه ددي يانا اود هفني دمور دخارنس او
ياملرنس لاندي بي زوند کاوه.

مستنبط مع (أبا) ته اپوی ورته وایس.

سهرمنی ناددیانا له چیزی اودهنه سیری
نه زینو نه په لویدو و خبره یس خود
انا پیشه بهده دی قصیه کپسی گنه شی ددیانا
زده ولاید مگر مستنطق داناد هنلی خواب په
اوریدلو دالازم ونه گنل چله هنی خخه خبلو
پویستنو دوام ورکیه خبل یاد داشتو نهیس
ترتب کرل . خدای بامانی یس وکره اوووت
دیانا دخانه سره فکر کاوه چه آیاتول جنایت
کاران به په سر نوشت اخته کبری .

کله کله بی خان ته ڈاد ورکاوہ چه
محکمه کپسی حقیقت کشف شی نوبه اعدام
بے محکو مهنه شی خگه چه دی دنگه جنایت ته
دخان خنگه ددفعه دباره غاید ایپسی وہاوزیاته

جزا به بی په بند محاکو مول وی .

جه پاین دهفوی سره سخته کینه در لودهاد دواوه بی یوازی بر پیشودل .
الته دکومی بدی او ناوید نقش دتطبیقولو
المر ولار ڈاوخبلی آبی رنکی او جذابی
سترگی بی خمکی ته اچولی وی خو لحظنی
ددباره دهفی کورته ورغلنی دی .

دی چه دهقی مجرهیت خرگند کپری خکه‌چه
حتی ددیانا دور اوانا هم دهقی له ماچرا خخه
بن‌خبره وی له دی نه پرته ی قول به‌مدی بوهیدل



جریان امتحان از نظم خاصی و مراقبت دقیقی ممتحنین برخور دار بود.

آنها بمقابل سوالی در مورد چگونگی امتحان کانکور با تفاسیر نظر نظم و ترتیب امتحان را خوب دانسته صرف از مشکل بودن نظارت هیئت پوهنتون کابل که بهمین منظور به ولایت هرات اعزام شده بود اخذ گردید.

امتحان ساعت ۱۰ قبل از ظهر بانظام و دسیپلین بهتر شروع گردید و تاسعات دو و نیم طب را انتخاب گردند.

این پنج نیاز صنوف ابتدایی درجه های ممتاز اول، دوم یاسوم را همیشه داشته‌اند و فنی علت موقیت شانرا در طول دوره‌دازده ساله تعلیمی بررسید آنها داشتن عزم راسخ توجه به تشریح و توضیح دروس از طرف معلمین و تکذیشتن دروس امروز را بفردا عوامل عمده و مهم موقیت واول نمره گی خود داده‌اند.

و فنی از آنها صفات خوب یک شاگرد را بررسید عتیق غنی اظهار داشت که:

درین امتحان فارغان لیسه های مرکزو و خوبتر بداند، معلوماتش راه رجه بیشتر اطراف ولایت هرات که عبارت بودند از لیسه های نسوان مهری هرات و ملکه جلالی و لیسه عای ذکور جامی، سلطان، خودیان گذرد و زنده جان سبم داشتند.

و داشتن مفکر عالی خدمت به وطن و مردم خوش انسان را وجدان مجبور می‌سازد تا با تلاش های بیکر و خسته گی نایدیر خود را باسلاخ علم و عمل معجز ترسازد. چهار نفر دیگر در حالیکه گفته های (غنی) را تایید نمودند موضوع داشتن بروگرام درست و منظم، داشتن حس خدمت به وطن و مردم، حس فدا کاری و ایثار، اخلاق پستنده و نیکو داشتند مفکر عالی خدمت به وطن و مردم فارغ التحصیلان ممتاز بیگله شهناز (رهنما) را از سجا یا نیک و پستنده یک شاگردان دارد.

بیگله بروین (تیموری) فارغ التحصیل لیسه مهری هرات که ۱۸ سال دارد.

محمد عشق (غنی) فارغ التحصیل لیسه داشتن رویدزیک، پیشامد صمیمه، برخورد منطقی به مسائل شاگردان و داشتن خوصله محمد عثمان فارغ لیسه سلطان ۲۰ ساله بردی باری وبالآخره سویه تعلیمی از صفات محمد یاسین نورزاد فارغ لیسه زنده جان یک علم و یا استاد می‌باشد.

آنها مطالعه کتب ملبد و جامع رادر بیلولی



راپور تر زوندون (از طرف راست نفر چارم) پایانج داوطلب ممتاز کانکور شمول در پوهنتون در حال مصاحبه



لختات بر هیجان داوطلبان کانکور و آرامش فضای امتحان جالب ولد بخش بود.

آذوی بر خود منطقی استاد باشما گرد

راپور تر زوندون از هرات آمده است:
امسال در ولایت هرات ۱۱۵ نفر فارغان هفت لیسه امتحان کانکور شمول به پوهنتون رسیده نمودند.

قراءه‌های که ساران

شاغلی نسیم مطالیب بیرامون سفر هنرمندان اجرا گردند.
الفانی به هند، افغانی نموده، علاوه میکند: شاغلی نسیم در اخیر می افزاید:
- روزاول حوت به جینه‌آباد رسیدیم، - در طول سفر هنری مایه دولت دوست
بازدید از نقاط دیدنی و آثار تاریخی شهر، به هند، استقبال بسیار هر ده و هفده
سالیان بشای چهار هیئتار و مسجد آن و موزیم های هنری آنها، باعث شادمانی هنرمندان «
شده.

در حیدر آباد نیز کنسرت های ما (سرندرنات) که در
تاتر معروف (رابندرات ناگور) اجرا گردید، از آواز خوانان معروف هند است واورا رقب
سعیل میدانند، استراک کرد واعتنک های بسیار
- هر یان حیدر آباد «حصیلین الفانی» همیم آنها خواند، که بسیار دلچسب بود. همچنان طی
نیز دیدن گردند.
موزیک دایرکت های هند است، اویک یک
نایلوی حکاکی شده درخت کنسرت به هر
یک از اعماقی های هنری وزارت اطلاعات و
هنرمندان الفانی اعدا گرد.

شاغلی نسیم می افزاید:
 ساعت ۶ صبح ۴ حوت با قطار به شہر
چندیگر مواصلت کردیم و درین شہر، از باعث
بنجور روز گاردن که از نقاط دیدنی آن است، الفانی به هند و استقبال گرم مردم
آنکشور در تعکیم علایق دوستی و
دیدن گردید.
کنسرت شام عمن روز، آخرین کنسرت روابط کلتوری هندو کشور دوست نایبر به
هنرمندان الفانی بود، که طی سفر خود، به هند سزا بی دارد.



آرزو هندی شانرا جیبت بوقت رسیدن و گافی رسیدن زوندون به هرات ابراز می نمایند.

مواد درسی و کتب تدریس حتمی دانسته راه سسوق دادن مردم و کشور مایه سوی
و از اجر عمدۀ موافق اینده جوانان، معلمین،
و محصلین دانسته افشار داشتند که تساکن
میشود.
آنها تطبیق درست و به نمرساندن سلسه
دیفورم را وظیله مقدس همه مردم خصوصاً
نشر منور و جوانان وطنیست و بادرد کشود
دانستند.

ایشان در جواب سوالی دیگری عقدۀ

خود را چنین ابراز نمودند.

در ولایت هرات کتابخانه های وجود دارد
ولی نه به اندازه که احتیاج به آن دیده میشود
خصوصاً پیغله شباناز رهنمای از نبودن
کتابخانه در لیسه ملکه جلالی سکایت نموده
افشار دانست که تاسیس کتابخانه در لیسه
ملکه جلالی کاریست که می باید قبل صورت
میگرفت و باید حالا صورت گیرد. آنها گفت
کتابخانه هارا نظریه کویت آن میم دانسته
علاوه داشتند که تاسیس کتابخانه هانه تهماد
لیسه ها و مکاتب ضرور و لازم است بلکه
جیب بلند بردن سویه مردم در تمام ولایات
شهر ها و حتی قریه های پر نقوس ولسو
کوچک هم باشد موجودیت کتابخانه اهمیت زیاد
دارد.

وقت نظر آنها را در معرفت دیفورم بنیادی
که اخیرا در وضع معارف پیشود تصویب
و منتظر گردیده است خواستار شدم گفتند:
این دیفورم که از خواسته های مردم و
ایجاد عصر چشمۀ گرفته به اساس
تمثیل نیک رئیس دولت و بانی جمهوریست
که در بیان خطاب بمردم افلا نستان ارائه
شده است بیان آمده نوید دهنده آینده
روشن وضع معارف افلا نستان میباشد و این
دیفورم او فقیت برای آنها صحن دارالمعلمین
و از جمله گلمه گامیان به شماره میروند که در
را اترک گفتم.

افیسی کوشد افیسی شما باشد.

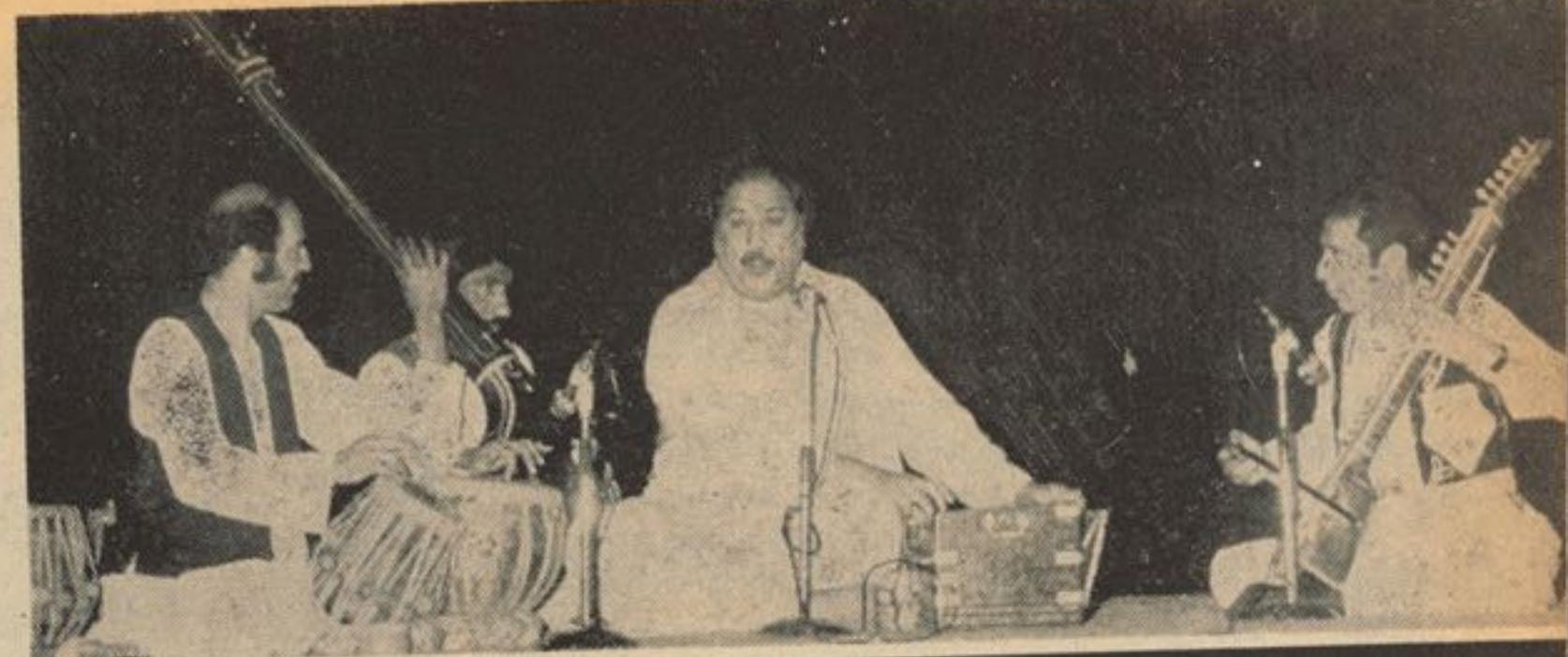
از آن افیسی که هشت و نیم
هستند بپو نمید و بروز نامه
افیسی اشتوال کنید.

شرح استراک:
در هر کز سالانه ۲۴۲-۲۶۰ مطالیب سالانه درولايات
برای معلمین مر کز ۱۵۰-۱۶۰ مطالیب سالانه درولايات
درولايات بول استراک بحساب (۶۰۰۱) به نمایندگی دائماتستان بانک تحويل و سند
تبارکه توأم بادرخواست مشترک با آدرس واضح و خوانا عنوان مدیریت توزیع ارسال گردد.
مشترکین در کز متواتند بول حق الاستراک خود را به مدیریت توزیع در عمارت مطبوعه دولتی
تحویل و رسیده اخذ نمایند.

از گل احمد زهاب نوری

تو آن‌های که ساد

قیام قورابندوفات



اواز خوان و موسیقی نوازان تشکیل میدادند ،
که ریاست آنبارا ، بساغلی محمد ابراهیم
نسم امردیبار تهمت موسیقی وزارت اطلاعات
گروه کنسرتی گرد آمدند ، سیاستمداران ،
کو ز دیبلومات ها ، هنر دوستان ، هنرمندان و
بساغلی یوسف کهزاد امر صنایع مستظرفه
نیز بحیث ناینده کلتوری وزارت اطلاعات و
جمه خاموش ، به آنجا در بالای ستیز خبره
شده اند ، با تکاه عای مشتاق لحظه بین به کلکان
ها هر استاد عاشم که با سرعت و مهارت ، بروزی
صفحة نازک تبله می لغزد خبره می شوند ...
استاد سرآهنگ ، استاد سلیمان سرمست ،
استاد محمد هاشم ، میرمن جلوه (افغانی) ،
میرمن ناهید ، مسحور جمال ، فقیر محمد نگیالی
محمد کبیر ، نیک محمد ، عبدالسلام ، حمید الله ،
عبدالرشید ، عبدالرازاق و محمد ظاهر ، اعضا
لباس های محلی ، آلات موسیقی افغانی
و آهنگ های فولکلوریک عبدالسلام و حمید الله ،
با دهل های پر صدای لوگری و تنبور چار بیکاری ،
تعجب و تحسین حاضران را ، دو چندان ساخته
است ...

- بعداز ظهر ۲۰ دلو ، توسط طیاره جانب
هند حرکت کردیم و پس از دو ساعت ، به میدان
هراب شیردهلی رسیدیم . در دهلی توسط
نمایندگان وزارت اطلاعات و کلتور هندیزیرایی
شدیم ...
هیات هنرمندان افغانی بروز دوم اقامست
خود ، از شهر تاریخی آگره که در دو صد کیلو
متری دهلی واقع است ، دیدن کردند . تاج محل
از نقاط دیدنی این شهر بود ، که عمارت
شکوهمند آن ، باستگ ها و دانه های قیمتی
تذیین گردیده است .
بساغلی نسم در برابر پرسشی میگوید :

- نخستین کنسرت هنرمندان افغانی ، به
ساعت شش و نیم شام ۲۲ دلو ، در تالار
(آزادیابون) هند افتتاح گردید . درین کنسرت
بعضی از رجال هند ، سفیر کبیر افغانستان
در هند ، بعضی از کو ز دیبلومات های مقیم هند
و گروهی از هنرمندان و هنر دوستان هندی
اشتراک ورزیده بودند .
وی میگوید :

هنرمندان افغانی بداخل سه بخش بالباس های
ملی کنسرت میدادند . در بخش نخست حمید الله
و آهنگ های چار بیکاری و عبدالسلام با آهنگ
های لوگری ، پارچه عای فولکلوریک افغانی را
هنرمندان افغانی ، در همه شهر های هند
تقدیم میکردند . رباب ، تنبور ، سرنده ، دهل
با گرمه جوشی حلقه های هنری ، روبرو شدند
و با دسته های گل پذیرایی گردیدند .
اعضا هیات هنری افغانی را ، هنرمندان -
بخش دیگر کنسرت هارا تروپ لايت تشکیل



ادان در سو زمین را گها

ت گور هم میزبان سرودهای افغانی بود



گوشه‌یی از کنسرت میرمن ناهید



چلوه نیز در هند خوب درخشید

میدادند که در آن جلوه (افسانه)، ناهید و نیز بعض شد ...
مسحور جمال باهنگ های افغانی و با آلات ساقلی نسیم که ریاست هیات رابه عده
موسیقی از قبیل دلربا، تنبور، ارمونیه، ماندولین داشت ادامه می‌دهد:

- روز ۲۸ دلو به بیشتر سفر گردیدم، در آن سیر توسط نایابندگان گلزاری بعثت استقبال گردیدم و سب همان ترور کنسرتی نیز در این سیر اجرا گردیدم ...

وی باعجله می‌افرادید:

- در همه شهر های هند که هنرمندان افغانی کنسرت میدادند، بادسته های مل و تعله های از بی‌اور آنچه، استقبال می‌شدند ...

بازدید ما از استودیو فلمبرداری (رحمن ساکارو) و معرفی با هنرمندان آن، بسیار جالب و از خاطره های خوب این سفر، بشمار می‌رود.
بریم نات، دهرمندر، و رحمن هنرمندان معروف سینمای هند، در اینجا باهیات افغانی آشنا و تبدیل نظر نمودند.

در دعوتی که از طرف قونسل گری افغانی در استقبال بی خد، حاضران از، آهنگ های

افغانی علاقمندی آنها به موسیقی کشور ما و هنرمندان هندی اشتراک ورزیده بودند. عامم در این دعوت کنسرتی اجرا گردید، که مدعیان می‌رساند.

این کنسرت توسط رادیو به مردم بو بال باکری استقبال کردند.

بقیه در صفحه ۱۷

هنرمندان افغانی و هندی با جنرال قنصل افغانی در بمبئی

هنرمندان افغانی و هنر

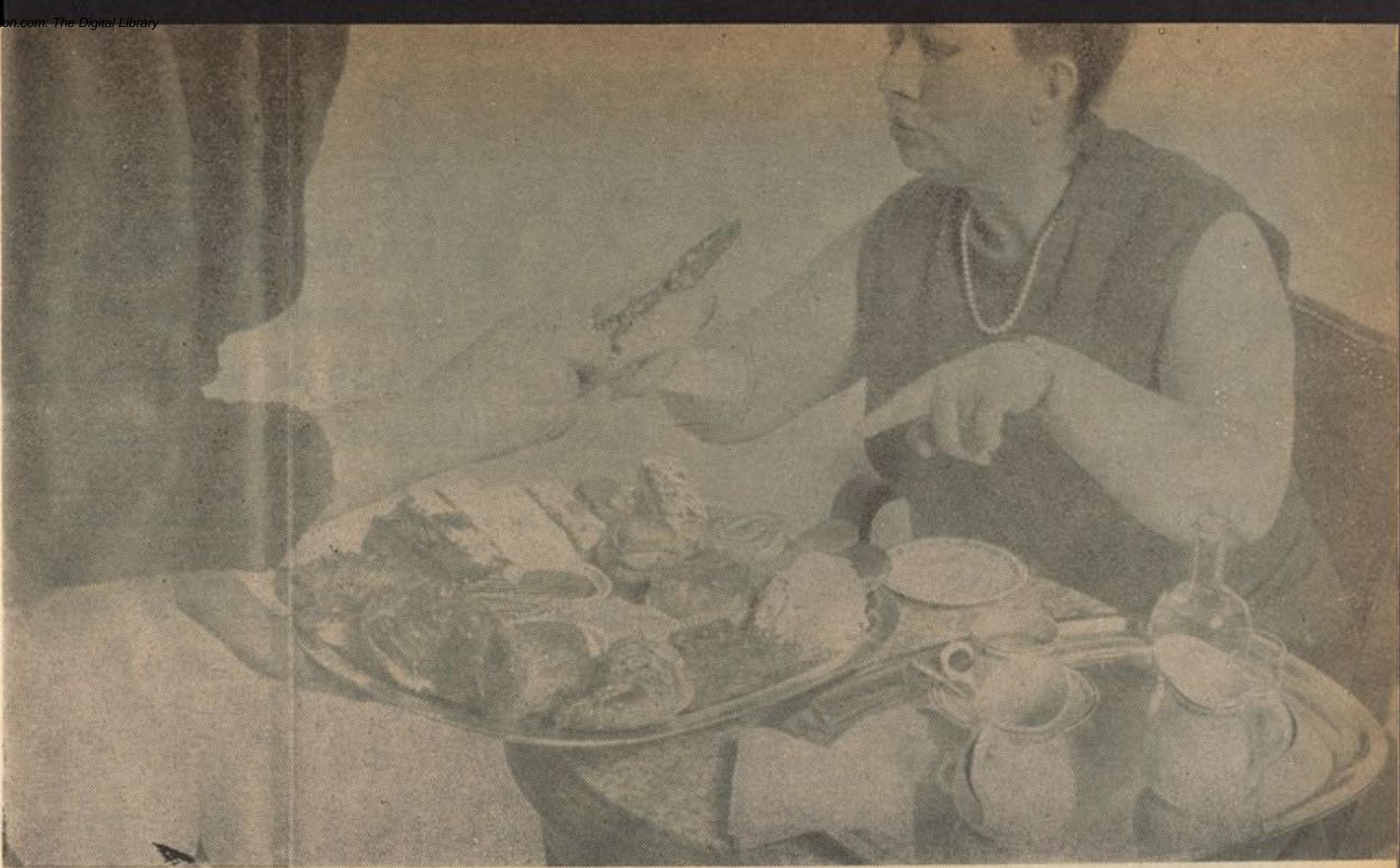
مندان سینمای هند

عکس یادگار گرفته شد

درین عکس قویل

الفانی نیز دیده می شود.





برای هر مرحله از سن می توان رژیم سراغ گرد.

چاقی کاذب، دشمن صحبت

دوره های فربه شدن و چاقی در زندگانی

ترجمه ع. رسنو

در چار من حله یا دوره از زندگی خطر فربه شدن و چاق شدن شما را تهدید می کند
نخستین این دوره سن نمو ورشد است. از عز و طفل یکی آنها به چاقی گرفتار می شود
و عشتاد فیض اطفال فربه و چاق پدران و مادران چاق می داشته باشند و ده فیض اطفال
چاق پدران و مادرانی دارند که دارای ساختمان غزیری کی طبیعی می باشند. بنا بر آن این

تحت رژیم فرار نگیرند نو ده فیض چاق و فربه

از آن باید گفت که چاقی و فربه ایشیو مشوند و این فربه متنضم کلیه انسان

تجددی ناگوار و نا مطلوب ناشی می شود. بیماریهای دیگری همچون مرض قند اختلالات
پروفسیرجان و دل و داکتر بزن فلانه قلبی و غیره می گردد.

دانشمندانی اند که مطالعات زیادی پیرامون درواقع و ضع و چکونگ جسم اطفال در

اطفال انجام داده اند و می این مطالعات بطن مادران شان ثابت می شود وقتی مادر زیاد

خوبیش مسوولیت و این وادین ز میشه بخورد طفل نیز رو به چاقی می گند ارد و زن

خاطر نشان ساخته و متذکر شده اند چاروئیم کیلو برای اطفال تو زاد پر خطر

که اطفال چاق و فربه اطفالی می باشند که بشمار می رود، با رسیدن طفل تو زاد طفل

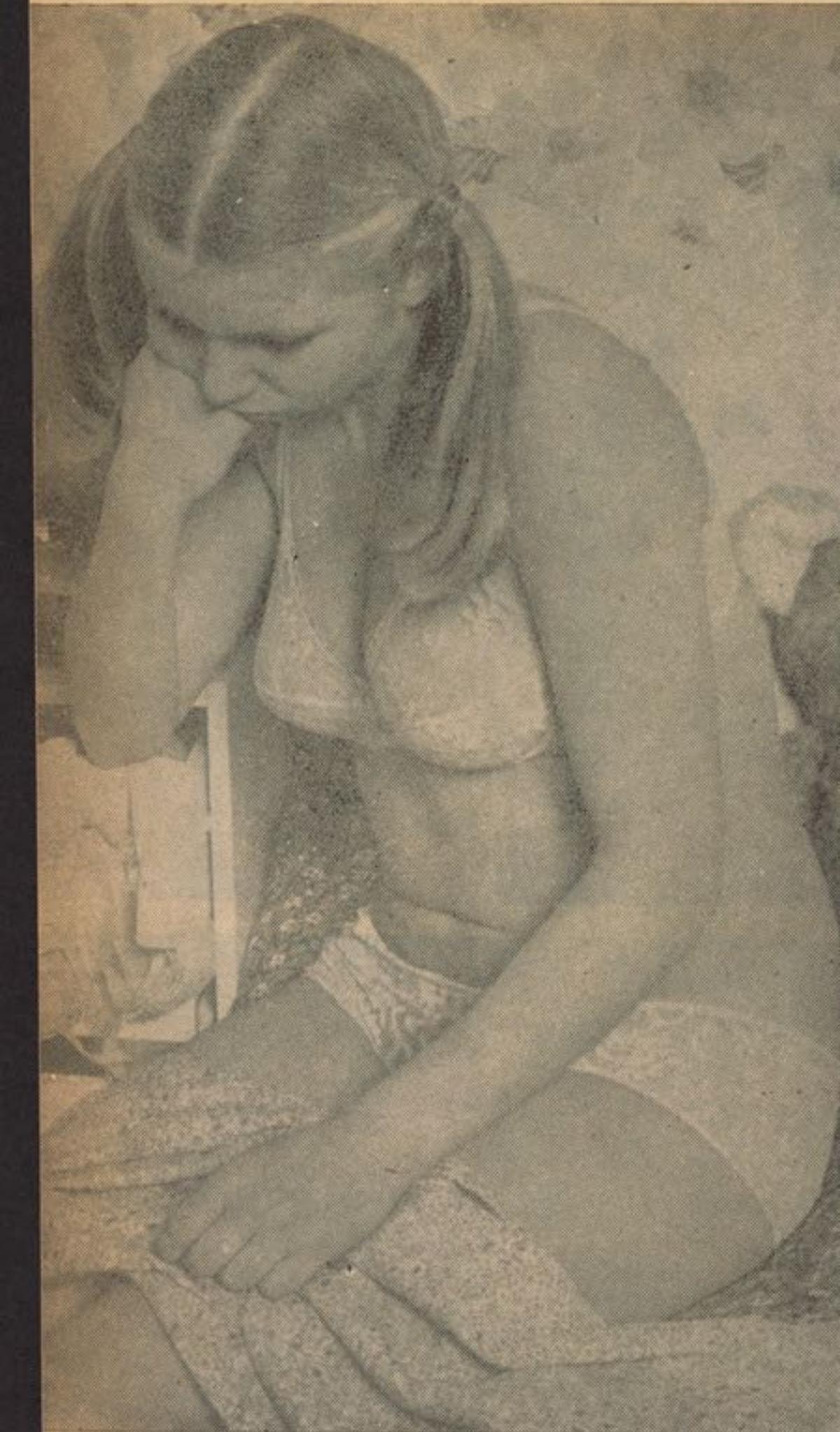
به پرخوری دجارتند زیرا هدایت که اگر اطفال باید خیلی فربه و چاق شمرده شود. گاهی

سوال بسیار می آید که آیا خصوصیت چاقی
و فربه شدن یک مسئله ارزی است. گذشته

عشتاد فیض اطفال چاق از پدران و مادران

چاق بدینیا می آیند.





این دخترک خورد سال که سن آن از ۱۲ سال بیش تریست هر مون بدن وی این هیکل را برایش بخشیده است علاوه تاثیرات روانی درایام بلوغ زیادتر موجب افزایش چند کیلو وزن می شود.

هورهون و تأثیرات روانی . صورت عیبگرد و هورهون فوچل کو لین ترشح
 پلوغ یک دوره نهایت حساس و آفت می نماید این هورهون باعث گر سنگس
 شدید گردیده و درین دوره زندگیست که
 بایر جسمی و روانی است . در حدود سنه
 ۱۱ یا ۱۲ سالگی و گاهی نیز پیشتر از آن دختران بو لمای جیب شان را در راه خرید
 تعاملات زهدان دختران به یختگی می گراید
 کنند بنابر آن این دوره زندگی خیلی خطر
 ناگست مهدالک پس از هژده ماه زهدان
 ها به فعالیت آغاز میکند و وضع زنانگی
 رحدود هژده ماه پیش از عادت ماهوار
 نموده های تثبیت میشود و در نتیجه متأثر با
 به ترشح هورهون دومن آغاز میکند . -

گریان طفل حتما از کر سنگی او حکایت میکند بلکه از تنهایی و دیگر محرومیت های بیزیست کند، البته این امر اغلب از برخوری اوتیز نهایتگی می تمايزد . غذا و شیر یکه ما بروزیاده روی مادران در خوراک ناشی می شود. هر گاه این نوع اطفال در نخستین ماهها و سال نخست حیات شان باز هم به برخوری وزیاده روی در تعقیب گرفتار باشند. دیگر عمل این شانت را نمیدانند باشند که لامر شوند مگر به کمک یک رزیم خذایی شدید و آن تیزبرای یک دوره طولانی در واقع دو برو فیسری را که در بالاتام برده ایم یک واقعیت مهم را تو ضمیح میکند و آن اینکه نهادا در اطفال خورد سال است که نسوج چربی دارد از حیث کفیت توسعه می پذیرد ولی نکتر نمیکند بد یعنی که در ایام ملفوایت خود بتفاوت شده باشد با یکتعداد نسوج چربی دار و شد خواهد گرد که این مسئله بعدا ذخیره مواد پر ای دار وجود دارد و انتشار میکند . از پنجاهمت که این نهادی طفل نمو دار میشود با اینهم برای بسیاری از مادران وزن زیاد طفل مساوی است به تندرنستی و سلا متی طفل . مادران از وجود طفل لامر رفع میبرند کالوری خوش را هصر ف تمايزد .

حالات که چنان فنی و غریب هستند باید متناسب با این مفهوم نباشند. مثلاً چاق به آن قسمت از یازی علاقه میگیرد که لاتینی و شعیفانی.

چگونه من توان فهمید که یک طفل سالم و
که محتاج دویدن و نلاش نیاشد. طفل
تند رست است برای درک این
چاق باید بیاز بیهای انفرادی سوق شودمانند
مسئله در مورد اطفال شیر خوار خیلی آسان
را هروی ها پیاده گردیها تپس های
است زیرا درین زمینه نمونه های وجود
ساده و مسکن و غیره این نوع اطفال
دارد که مسئله را از حیث سن وقد توضیح
رباید به جماعت متنیک های خاصی تشویق
من دارد و به تثبیت وزن ایده آل من بردازد
کرد که باعث نرمش بدن وی شده و مشکلات
هر گام دور میان وزن و سن و قد تفاوت زیادی
بطئی او را از میان می برد.

القلب علاوه بر عادات غذائيه و صحري
زندگي طفل يحاق بآيد معحيط فا ميلی وي رانز
تغير داد فا ميلی که اهمیت پیشتری به خدا
قابل است و در صورت خالی بودن بشقايشا
در آن فا ميل غولما بر پا ميشود در خانواده
هايي که شير یعنی در آن در حکم چيز فوق
العاده است انسان تهایي ببيان مي آيد که
حيات شان را باجه به خطر بود و خود بحال
فریبي وجا قى قرار مي داشته باشد.

وران بلوغ:

تجویز کند و دوای لازم را تعیین نماید. لارن مادر یک طفل چاق و چنله می تواند بعضی مقررها را تطبیق نموده مفلکش را بهداشت خود را افزایش دهد. در ماههای نخستین یک رژیم کاملاً شیری و بعد از آن مادر می تواند آب کو شت و سبزی به طفل بدهد. نیز بشکل نامطلوب و ناشو شنا یند عملی من درین مورد تباید سه نکته ذیل را فرا موش کرد:

- نباید مظلل را واداشت که چوشک شیرش از سینه های بزر گک و یا هایی متگلین خویش را بپر قیمتی که شده تمام گند و در صورتی در محنت و در نفع قرار گیرد دلیل افزایش وزن کاملل گریان گند آنرا نباید به آن شیرین یعنی دختران در مرحله بلوغ معکوس است دو چیز باشد.

زیاد پیشتر فته نباشد و ما در بدو ن شتاب
زدگی و عجله مغلوش را بسوی رژیم غذایی
رهنما کنند و طفل فیز یعنی خود آرزویی
جز زیبای و باریک شدن نداشته باشد موقعیت
و کامیابی تداوی تضمین شده است.

در صورتی که شرایط خا نوادگی نامساعد
باشد و وضع پدر و مادر در جمیعت مخالف
آنچه باشد که گفته شد طفل دیگر نیازمند
تداوی روانی است. این تداوی به تعقیب
رژیم غذایی کمک میکند و به بشری شدن
دوران مشکل بلوغ هدف می تماهد در موارد
فوق باید طفل را از خاتواده جدا کرد.

بهترین پرهیز برای تو بالغان :

تو بالغان افراد کار نمودن تا بعد از آنهاز
هر نوع خود را کی دست میکند و در اخیر
پرهیز را شکستا نمود بیک بار کی بسازی
خوردن رجوع میکند اینجاست که وزن بار
دیگر زیاد نمیشود عصبا نیت خستگی وغیره
بالحظه میرسد. رژیم قدیمی هیدرات دود
گازین را کاملا هش میدهد و مجب تقلیل شحم
می شود لاین پروتین وجود را حفظ کرده
حتی آنرا زیاد می سازد درین موارد بهترین
رژیم ها است.

ناید فراموش کرد که کلسیوم و ویتامین
های ضروری برای وشد و افزایش زی بدن
حتمی است. هرگاه طفل در گانتنی مکتب چیزی
بخورد مادران راست که برای آنان شایع
تسبیه کنند که با غذای چاشت آنان شیا هست
نداشته باشد در عین حال مادران باید هر اتفاق
باشند که دختران شان به خدا حمله اور
نشوند برای بار یک شد ن اندام باید همیش
چیزی خورد منتهی باید بمقدار کم خوردخت
یکوقت شذا کار درست نیست.

برای آنکه عضلات و ساختمان و هیكل
با آنهنگ شا من و متناسب رشد کند تو بالغان
باید به ورزش ها بین نیز دست بزنند
نوع ورزش خوب است بخصوص آن ورزش
هایی که مسبب انبساط عضلات میشود مثل
مراجمه کرد درین صورت دکتور می تواند
نداوی هور مو نی دایر مبنای پرو زسترون
کسانی که مینه های بزرگ دارند جمناستیک
برعله فو لی کولین شروع کند این نوع
لazم است. بسیاری از تو بالغان مخصوصا
آنها که زود تر بزرگ شده اند نمی
توانند تناسب اندام خود را حفظ کنند لاسینه های
آنها طرف پایین شل شده و قامت شان خمیده
میگردد در بین ۱۲ تا ۱۵ سالگی است که شیخ
کامل هیكل نمودار میشود در صورتی که
مفهوم می باشند درین هنگام که وی به
ساختمان جسمانی خوبیش آگاهی پیدا می
کند بعضا از آن هنوز می شوند. بخلق تنگی
می پردازند و با والدین خوبیش سر مستیز
سرعت می توانند دلچسپ باشد دختر یکه در
می کدارند. چونکه خوبیشن را بدیخت و بیک
دوران بلوغ باریک اندام بار می بختو
موجود اساسی احساس می کنند بنا بر این
مادران شان را آزار میدهند و پسر ایزوی
باریک اندام بمانند.

دوران شادابی زندگی :

زنا نی هو بجودند که درین ۲۰ تا ۴۰
خوبیشن را زشت تر می بینند. درین حال
اگر بدآکتر مرآ جمه میکنند کامیابی و ناکامی
نداوی آنها بر وسیع پدر و مادر و خود طفل
علیه وزن خوبیش مبارزه کنند این گروه
وابستگی بیدا میکند چه در صورتی که هر من



بالا و پایین: نمونه از جاوه های مرضی

دوزن و مرد که تناسب اندام را برهمنمی زند
برو زستان که شد فولی کولین است و این
خود پس از تما ملاتی وزن را از هیان می برد.

بر عکس هر گاه تو بالان در هنگام
ترشیع فو لی کو لین بطور نامناسب رشد
کنند و وزن آنهاز ۱۵ فیصد بیشتر باشند
سینه هایشان بصورت غیرعادی بزرگ
شود باید فورا دست به اقدام شدوبه دکتور
مراجمه کرد درین صورت دکتور می تواند
نداوی هور مو نی دایر مبنای پرو زسترون
کسانی که مینه های بزرگ دارند جمناستیک
برعله فو لی کولین شروع کند این نوع
لazم است. بسیاری از تو بالان مخصوصا
آنها که زود تر بزرگ شده اند نمی
توانند تناسب اندام خود را حفظ کنند لاسینه های
آنها طرف پایین شل شده و قامت شان خمیده
میگردد در بین ۱۲ تا ۱۵ سالگی است که شیخ
کامل هیكل نمودار میشود در صورتی که
مفهوم می باشند درین هنگام که وی به
ساختمان جسمانی خوبیش آگاهی پیدا می
کند بعضا از آن هنوز می شوند. بخلق تنگی
می پردازند و با والدین خوبیش سر مستیز
سرعت می توانند دلچسپ باشد دختر یکه در
می کدارند. چونکه خوبیشن را بدیخت و بیک
دوران بلوغ باریک اندام بار می بختو
موجود اساسی احساس می کنند بنا بر این
مادران شان را آزار میدهند و پسر ایزوی
باریک اندام بمانند.

خوردانی ها حمله می برند گویا چشم گرسنه
میشوند از سوی دیگر هر قدر می خوردند -
خوبیشن را زشت تر می بینند. درین حال
اگر بدآکتر مرآ جمه میکنند کامیابی و ناکامی
نداوی آنها بر وسیع پدر و مادر و خود طفل
علیه وزن خوبیش مبارزه کنند این گروه
وابستگی بیدا میکند چه در صورتی که هر من



ماری کو دی ((۱))

۱۱۷ - ۱۸۶۷ - ۴۵۷



وطن مالوف عادم کوری - پولند - بود و دومن رادیوم (شمشع) بود که یکصد هزار بار فعال هرگش - به اتفاق او «وبکر زیل» جایزه نوبل نو و متعدد تر از اورانیوم میباشد، رادیوم عضیری است که تعداد بیشمار مردم صحت با آنگاه سازی کوری یگانه انسان دانسته‌اند بود که برای دومن بار به اخخار نزد گشته‌اند. وحش خود را باید مدیون آن بدانند.

گردانید - نادر ساختمان «اده عمیقت تحقیق
نماید و بینش جدیدی در آن ساخته بدست
که عینده اش واکذار شده بودند، نا اینکه
اما حات نقد تحسیبات را در این رشتہ
شده و با آن در میدان را شناخته بخشیده بوداورا
زیرا در سال ۱۹۰۶ شوهرش دریک حادثه
زنجیان رفت، شوهری که سه سال قبا از
درگام مرگ فرو برد. او بدینمتوال قربانی

جنگلرور بعده از اینکه پیر و قیصر بیکور یا سل
(۲) به همکارو هم مسلک خود پیری کوری
آ) از گذشته خوبیش صحبت کرده بود که
فلزارور از روم دارای خاصیت منصور دا یعنی
تشعشعات مخصوص «بیاشد») تنبیهن این
داستان برای همین کوری این هدف را تعیین
گرد تا اسرار این تشعشعات هماییں و مردموز
را گشتفت کند . به وسیله همین آتش افزونخانه
شدة ذوقش و با این عطشیکه در طول هفت
تحصل کعبیاو فریاد - برخود احساس گرده
بود در طریق حل این معضله گام برداشت .
این زوج متوجه (پیری و ماری کوری) با
وجود همه مشکلات و عدم امداد شرایط
کار هفتاد و پنج ماه بصورت مشترک به تحقیق
و تجسس برداختند . لازم بود «پیشیلند» ویک
اده بعدانی که منع ایجاد تشعشع منابع
ساتشعشع اورانیوم است) بصورت مو جبود
جهندهین تن زیر مطالعه گرفته شود و لازم بود طرف
های تقبل و بزرگی بدبال آن گشیده شود تا

مایعات جوشان در پیپ های بزرگ بجزیان در آید. کار فعالیت پر خوارت علمی را این میر من لطف باز و ش فنی مخصوص ص مرتب ساخت. بنجامه و سه ماه سراسر امید واری سرار زنج وزحمت سراسر مجرومست و آنگهی در پایان آنها پیروزی و نیل بهدی بود در سال ۱۸۹۸ این زوج داشتند - اکتشاف متوا لی و عنصر مشتعش جدید بولو نیوم و رادیو را مردم شناسا ند، اولی بولو نیوم هدیه

۱- نام اصلی اور مارک اسکلو دوو سکارو
وطنش را برخی الپستان «بولند» نگاشته اند،
در سن ۲۴ سالگی برای اخذ درجه لیسانس علوم
ز سوربون به پاریس وارد شد و بالا خبره
در جریان درس و تحقیق به حواله نکاح پیری
گردید.

۲ - هانری بیکوریل (۱۸۰۲ - ۱۹۰۸) -
فرزند ادموнд بیکوریل استاد فزیک موزیم بود.
ادمه اکتوین را کشف کرد و تا زمان میر

دشنه دایمی اکادمی علوم بود.
۳ - پیری گوری (۱۸۰۹ - ۱۹۰۶) در مک
خانواده طبیب چشم بجهان کشید یا وجود یک
الشمند بزرگ بود مردم او را نیشنا ختند
ی شوهر هاری بود و در اندازه گیری طول
وچ اشعه (دون قدم) آنها عات حالی گرد

آرٹس میڈیا

٢٨٩-٢١٢ قبا العنكبوت

اینکه مفهوم «وزن مخصوصه» چیست امروز قسمت اعظم انسانها
دان بی هیبرندوگی باید اندکی توضیح داد که در واقع در یافته وادرای آن
کی از بزرگترین کارهای دماغی بشری بود .
آرشیدس دانشمندی که در دماغه راکوز حیات بسیار برد باین
شل بزرگ تاریخ علوم نایاب گردید .

هیرون پادشاه مستبد سیسلی باوی دستور داد تا زیرگ تاج بزرگ و
زبانی از طلا برایش بسازد ولی بعد از آن جام ساختمان آن حدنس زدگه زوگر
قداری از ظلارا اختلاس کرده و در عوض آن نقره را بکار برده است.
چگونه میشد غش طلا را معلوم کرد؟ چطور میشد دانست که باین‌زاد
قداری از نقره، ظلای تاج او غشوش شده است؟

هیرون برای حل این مساله بدست خود آرشهیدس مراجعت کرد و تفاصیل در رایت نسبت مقدار نفره را در طنزی تاج کرد ولی مشروط براینکه تاج شکسته‌اند نشود.

مساله ۱۰: این دانشمند بزرگتر اسخت بخود مشغول داشت و پیوسته به آن میاند بشدید.
هنگا میکه آرشمیدس، بطور تصادفی وارد حمامی شد، در حین استحمام متوجه کم شدن وزن خود در پیش
ب ازه لک جانب و فرار آپ باندازه وزن آن، از طرف دیگر این فکر را دروی اجاد کرد که حجم بالکجسم، متناسب به
قدار آبی است که معادل وزن آن از طرف خارج میشود.

معروف است، هنگامیکه آرشهاید این اصل مشهور خود را کشف کرد، لغت و عور از حمام بیرون آمد و فریاد

نافتم ؟ نافتم :

سیس تاج طلایی و معادل وزن آن طلای ناب را حاضر گردند و در غرفه که مملو از آب بودهند جسم را فرو روند اماده این آزمون تاج طلایی با باقی اوراق در آب مقدار زیاد آب را نسبت به شمش طلای ناب از ظرف خارج نمودند و بدین منوال اثبات نمود که طلای دارای وزن بیشتر است و تاج نسبت به آن سبک وزن بوده و با افزایش فلز بکری مشوش گردیده است .

هنگامیکه آزمون سیس با قدرت و توانایی کامل خوبی مشغول حساب سطح و حجم اجسام مختلف گردیده شد آن کاملاً متفق شد .

اهرام و جرا نقال که بوسیله آنها میتوان اجسام تقلیل وزن و وزمین را از یک محل به محل دیگر انتقال داد از جمله کشانات مهیه اوست و اگر نقطه انتکابی به آرشمیدس داده هیشد آنقدر پس اکتشافات خویش قادر میگردید که

مکتب:



از: (ک، سراب)

شتر لَوْپا یتاوه

با

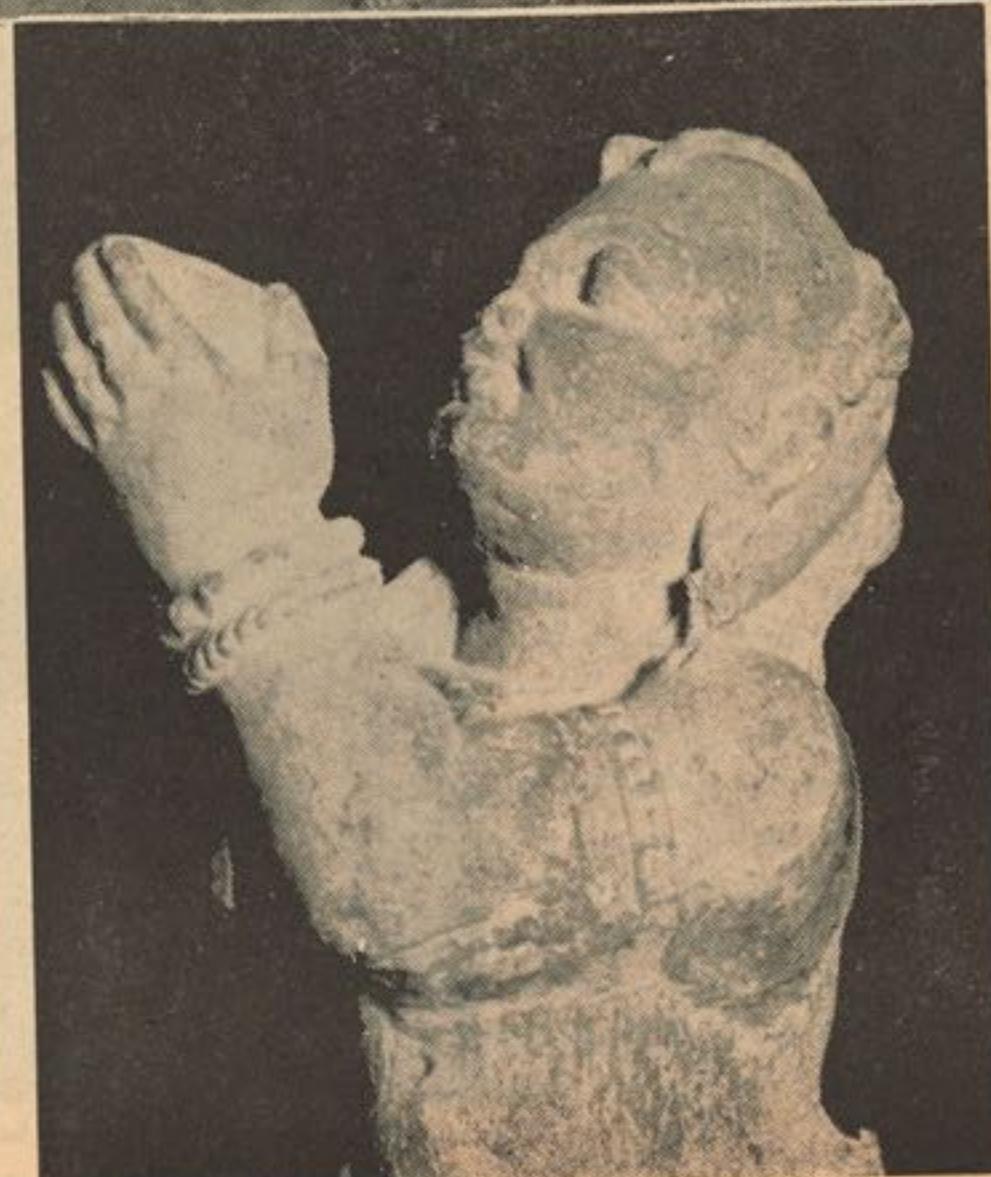
آثار پر ارزش باستانی تاریخچه مختصر حفريات باستان‌شناسی در افغانستان

- شارل هسان هنگامیکه خط السیر اسکندر کبیر را مطالعه می‌کرد مقاله‌ی بسیار معمون نقاط باستانی فغانستان تهیه و نشر کرد...
- درمان آثار موزیم، آثار گندتاواری شده شترک ارزش علمی خاصی دارند...
- روز بروز بر غایم فرهنگی موذیم کابل افزوده می‌شود.

قبل ازینکه، مانند هر هفته، بسوی موزیم کابل برویم و به تماثیل آثار ارزشمند باستانی و بقایای تمدن‌های پر افتخار، عهد کهنه ببردازیم، من خواهم باستفاده از فرصت، گمی بر تاریخچه تحقیقات باستان‌شناسی روی نشانه باستانشنا سی بر اعظم آسیدیده نمی‌شد.

شارل هسان و فتنی برای تعقیب خط السیر اسکندر کبیر از افغانستان عبور کرد واعمیت بعض قسمت‌های باستانی مانند بگرام و هد را دید. مقاله‌یی تهیه کرد و در سال ۱۸۳۴ در روزنامه انجمن آسیایی بنگال ۱ نشان داد ...

در این نشریه، سال ۱۹۲۲ دوره جدیدی در تحقیقات اصولی و علمی باستانشنا سی در گشتوخوانده شده است. عمیق‌ترین باسترداد استقلال، افغانستان در سال ۱۹۱۹ جلو کاوش‌های غیر اصولی را گرفت و ما نیز خروج آثار ارزشمندی تاریخی، به موذیم های خارج گردید.



شتر کوپا یتاؤه

(روندون فیلا درهورد نقاطه باستانی، گزارش
هاین، نشر گردید است .)

درین آثار هوزیم کابل ، بعضی مجسمه که یکنوع سنگ مخصوص است، دیده شود
ها و آثار حکاکی شده بی ازستگت تسبیت که از خرابه های صومعه پایاتاوه کشف گردیده

و به اینجا انتقال داده شده است . درین
آذار هنری که به طرز خاصی تکیداری شده
از آن ها، بدقت محافظت می گردد، صحنه بی
که تجلیل و احترام بودا را توسط بسرا دران
(کاسیا یا) نشان میدهد . بسیار دلچسپ
و دیدنی است به تعقیب آن صحنه دیگر،
مانند مجسمه دیبا نکارا جنمایا نیز جالب
می نماید .

این صحنه های گنده کاری شده، فرابت
بسیار نزدیکی به گنده کاری های گندوارا دارد
واز بسا جهات دارای مشخصات نیز
می باشد. مخصوصاً تجسم و تمثیل تعفیه
دهند گانیکه ملبس به لباس های کو شان
هستند.

این لباس یالان بلند و مخصوصی است که
در تمام نقاط آسیای مر کزی، یوشیدن آن
همول و رایج آن زمان بوده است .
در تشریه رهنهای هوزیم برآمده سبک
این آثار نوشتہ شده است، که اندازه و
تناسب انتخابیکه درین صحنه ها، نما یشن
یافته اند. ضغیم وجسم بوده و یکسی از
علایم خاصه این عیکل تراشی هی باشد که
ظاهر اناهنجار می نماید ، و لی هنری و زیبا
است و هم دوره حوزه های بکرام و سرخ کوتول
به شمار می رود.

آیین بودا

کلمه ای بودا اساساً به معنی عاقل و
فلسفه است زمان پیدایش بودیم قرن
ششم پیش از میلاد در هند است و آورنده آن
(سیداتان - گانو تاما) می باشد.

کتاب مذهبی بوداییان (تیری پی تاکا)
(معنی سه سبد دانش) است
مذهب بودا فلسفه ای از خود گذشتگی
و تصور است، مبنای اصلی آن از خود گذشتگی
و پیش بازدن به لذات ظاهري و مادی جهان
است زندگی از نظر بودا جز رنج و تعب و مشقت
جز دیگری نیست .

باید از خود گذشت تابه جهان واقعی
وارستگی و غایت مقصود رسید.

عدمای پیروان این دین در حدود ۵۰۰
میلیون نفر است اینان پیشتر در چین، چاپان
مغولستان، و گوریا زندگی میکنند .

شیر مذهبی بوداییان (لباس) نام دارد
که در تبت واقع میباشد .

پیشوای بزرگ مذهبی آنان (دالانی لاما)

است .
بودا بنیان گذار دین بودائی است وی از
دانشمندان و فلسفه قرن پنجم قبل از میلاد
است و در برابر روحانیون فرماییست برهمانی
دیانت جدیدی آورد که بر طبق اصول آن،
زندگی رنج گشیدن و رنج گشیدن نتیجه عواطف
تمایلات است و از خود گذشتگی و صرف نظر
گردن از تمایلات شخصی تنها راه رستگاری
است .



درین مطابق ماحوال کوه بیلوان در بکرام، معبد شترک از معروفترین معابد دوره هنر بودایی نهایندگی میکند، مجسمه ایکه ملاحظه
می شود در جمله آثار قیمت بسیار مکنوفه مشترک است .



یک اثر نقش و قیمت بهای دیگر از شترک
بگرام

درین زمان قرار دادی بایاستا نشناسان
فرانسوی بهاءضا رسید، که مطابق آن، تمام
اشیای مکشوفه منحصر بهفرد و آثاری که از
فلزات و أحجار قیمتی ساخته شده، بد و نون
قید و شرط، به معزیم ملی کابل انتقال داده
شود.

در سال ۱۹۲۲ نخستین تحقیقات مجاز و
علمی توسط هیات فر ۱ نسوی آغاز
یافت...

افغانستان در عصر بودایی به داشتن معابد مجلل و باشکوهی معروفیت داشت به نحوی که می‌شود شاهدی از هنر آن دوره هاست که از
بودایی یکطرف به دیار چین و جانبید یکطرف سرزمین هندوستان رسیده بود، اثری که ملاحظه شده شاهدی از هنر آن دوره هاست که از
شترک بگرام بدست آمده است.

از آن تاریخ تا امروز کماکان تحقیقات و
کاوش‌ها، درین زمانه توسط گروه‌های
باستان‌شناسی ممالک دوست و هیات های
علمی افغانستان در نقاط مختلف ادامه دارد و
روز بروز برخنایم موزیم کابل، من افزاید

واما درجنوری ۱۹۵۰ فرمانده عالی نیروهای متحده در توکیو بدولت جایان اجازه داد که نیروی پلیس ذخیره‌ای مرکب از ۷۵۰۰۰ نفر تشکیل داد و قدرت (سازمان امنیتی دولایی) خویش را تا حدود یک کارد ساحلی یعنی ۱۸۰۰۰ نفر افزایش دهد . اینها هستند نیروهای دفاعی امروز جایان .

جایان یک کشور چزیره‌ای کوچک است با منابع طبیعی محدود که چمیتی در حدود ۱۰۰ میلیون نفر را در خود چان داده است . اما با وجود این سرایط محدود و ویران شدن ساختمان‌های صنایع آن در جریان جنگ دوم جهانی، این کشور نه تنها اقتصاد خود را احیاء کرده بلکه در طی هشت یک‌ربع قرن پرده‌ای به رشد اقتصادی دست یافته که ازین حیث در جهان مقام سوم را کسب کرده است .

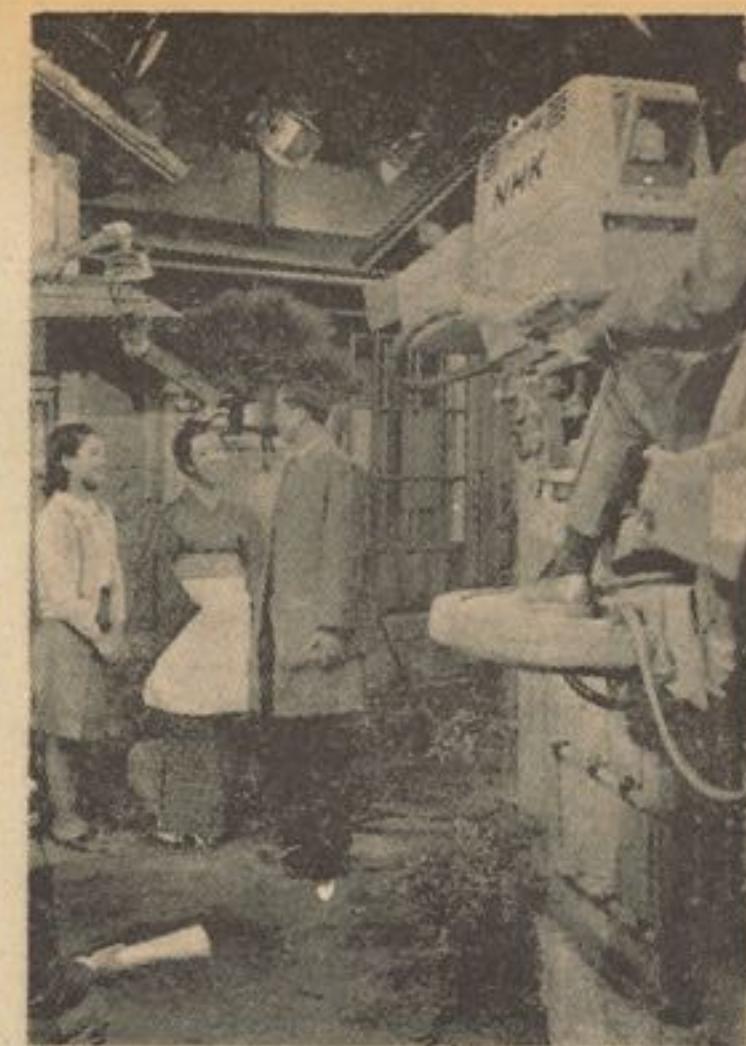
باوجود آمدن یک نیروی کارگری مجرب و منظم به تجدید ساختمان اقتصادی و رشد بعدی آن کمک فراوانی نمود . در جریان پیشرفت اقتصادی سریع جایان در دوره بعداز جنگ، نیازکار گردد صنایع مدرن سریعاً افزایش یافت و در عین حال تامین کارگر جدید نیز با رسیدن افراد بسن کار و فعالیت و همچنین توسعه وسائل کارفروشی گرفت . عوامل دیگری نیز نظری رو اوردن گروههای دهقانان به صنایع بدین امر گمک شایانی گرد . اما اکنون تعداد زیاد فارغ التحصیلان مدارس متوسطه که قصد ادامه تحصیل در موسسات آموزشی بالاتر را دارند کمبوعد کارگر مخصوصاً بدین کارگران جوان به تعلیم روز افزون مشاهده شده که در زمینه نبودن کارگر پلاتیای مترونه جایان به شکست موافق میگردد .

صیدماهی از زمانه‌های خیلی قدیم در جایان مروج بوده و صنعت ماهیگیری رامی توان به سه دسته تقسیم گرد، ماهیگیری ساحلی، ماهیگیری دوراز ساحل و ماهیگیری در نقاط عمیق .

مروارید، صدف و غیره تاکنون در آبهای کم عمق پرورش می‌یابد جایان به عنوان یک ملت ماهیگیر شدیداً بلژیوم حفظ منابع ماهیگیری دویانی آگاه است و برای این منظور اقدامات وسیعی را برای پرورش مصنوعی ماهی و توسعه منابع ماهیگیری به عمل آورده است .

جایان از جیز منابع معدنی بسیار فقر بوده و ناگزیر است مواد معدنی اصلی مائند نفت، سنگ آهن، ذغال سنگ، مس، نیکل، بوکسیت را از خارج وارد کند، منبع هدفی اصلی جایان ذغال سنگ است همگراین ذغال سنگ از نوع خوب نبوده و برای مصارف صنعتی مناسب نه باشد . و جایان مجبور است ذغال مورد شرورت را از ممالک دیگر وارد کند .

مواد معدنی دیگر جایان عبارت از ذغال سنگ سیلیکا، لیلدسپار، دولومیت، آرسنیک، یا سمعون، بیرایت، سولفور، سنگ آهک و غیره



دستگاه کنترول رادیو در جایان

پیوسته بگذسته

جاپان یا مملکت آتش فشاňها

ترانزیستوری ، ماشین های خیاطی که خیلی متساوی در عقد ازدواج ، درارت و تصاحب مال مرغوب بوده و نیازمندان فراوان دارد همچنان و تفاوتی طلاق برخودار اند .

تفیراتی شکرف که در اثر بوجود آمدن علم تغییریک در زندگی خانوادگی مردم جاپان رخداده باعث سرعت عمل دریافت ویژه ، دوخت و پرس و سایر امور هربوت منزل میباشد . که همه این هزاها فرصت آسایش و آموزش و پرورش را دارند اختیار مردم جاپان مخصوصاً زنانی که سابقاً سخت پابند امور خانداری بودند فراردادن با سبک تند امور خانه زنان کشور توائیستند به نیروی مولده به پیوندنده . اما باید گفت که زنان جاپان به عننه و گلتور قد بهم سخت پابند بوده و به شوهر احترام بقی حصری قائلند .

بعداز جنگ عمومی دوم تغیرات عمدی ای در رسم و رواج ، گلتور و تقدیمه مردم جاپان پیدید آمده است . مثلاً مصرف روز افزون گوشت ، شیر و لیبتیات در بروگرام غذایی مردم جاپان حبوبات را گرفته است . و هر جایی بطور متوسطه روزانه ۲۴۵۴ کالوری و ۷۵.۶ گرم مواد پروتئینی مصرف می کند .

همچنان دولت گوشید تامجهیز زیست بهتری بعداز جنگ عمومی دوم دگرگونی ها و تغیراتی شکرف در زندگی خانوادگی مردم جاپان پیدید آمده و اصول دوکراتیک بکلیه شئون زندگی خانوادگی نفوذ گرد .

بطورهای در سال ۱۹۴۷ برای اعطای حقوق متساوی به زنان و مردان و لفوسن های گیرن خانوادگی در قانون هربوت تجدید نظر به عمل آمده همچنان رشد سریع اساسی صنعتی کشور درازمدت با پیشره کم در اختیار افرادیکه مایل به ساختن خانه هستند فرار دهد . سازمان مذکور ساختن آپارتمان های چند طبقه را در دوره ایجادت ساختن آپارتمان های بزرگتر که از حيث داخل و یا اطراف شهرهای بزرگتر است . سازمان در مرضیقه بودند بناییاد ، به اثر چنین تعویز دولت ساختن ۷۲ میلیون واحد مسکونی با بودجه دولت و یا کمک مالی دولت انجام گردید .

بعداز احیای (می جی) در حیات فر هنگی ، آموزش و پرورش جاپان نیز تحولاتی جسمگیر رونما گردید . بدین معنی که تعلیمات عمومی به ۵ مرحله تقسیم هیگردد ، دوره گودگستان دوره ابتدایی ، دوره متوسطه ، متوسطه دوم ، دانشگاه ،

برعلاوه (جونر کالج) بادوره دو ساله نیز به رسالت شناخته شده . و دانشگاه های متعددی دوره های (فوق لیسانس) برای ادامه تحصیلات عالیتری تأمین گرده اند .

دوره تعلیمات ۹ ساله اجباریست . و کتب درسی از طرف شودای آموزش و پرورش تهیه و تدارک میشود .

کتابخانه ها ، موزه ها و سایر موسسات فرهنگی نیز نقش عمدی دارند آموزش و پرورش افراد دارند .

همچنان همه ساله تعداد روز افزون از جوانان آسیانی برای فراگرفتن تعلیمات فنی به موسسات صنعتی ، علمی ، فابریکات مختلف تحقیقات علمی ، بدانجا میروند .

وسایل اطلاعاتی عامه در جاپان از موضوعات

انواع و اقسام موترها ، ترین های یخچالها و غیره سامان و لوازم بر قی که در عرب بین قاره دنیا علاقه مندان زیاد دارد . همچنان ماشین های نخ دیس ، یافندگی ساخت جاپان به همهمالک آسایی صادر میشود .

جاپان از حيث کثیر نفوس درجه هفتم را در دنیا حایز است تراکم جمعیت در جاپان در هر کیلومتر مربع ۲۷۸ نفر تخمین زده شده بود در حال حاضر ۷۰ درصد مردم جاپان در شهرها زندگی دارند و ازین خد ۵۸ درصد در شهرهای عمده یعنی توکیو ، اوساکا ، ناگویا هر اکسپر شده اند . شهر های متوسط نظیر ساپورو ، سندای ، هیروشیما ، فوکوئیشی بسرعت جمعیت را بسیار خود جلب می کنند این تراکم جمعیت ناشی از آن است که مردم جاپان به نوروز افزونی دعات و شهرهای گوجک را تراکفت و درستجوی زندگی بیشتر و شرایط مناسبتر به شهر های بزرگ رومی آورند .

بعداز جنگ عمومی دوم دگرگونی ها و تغیراتی شکرف در زندگی خانوادگی مردم جاپان پیدید آمده و اصول دوکراتیک بکلیه شئون زندگی خانوادگی نفوذ گرد .

بطورهای در سال ۱۹۴۷ برای اعطای حقوق متساوی به زنان و مردان و لفوسن های گیرن خانوادگی در قانون هربوت تجدید نظر به عمل آمده همچنان رشد سریع اساسی صنعتی کشور دراز متابع برق این وسیعی برخوردار ساخته .

وضع گوهستانی و بارندگی فراوان این کشور بیشتر به انرژی برق احساس میشود .

نوع و تکنیک عالی صنایع ماشینی جاپان را در تاریخ میتوان در تمام گوشه های دنیا مشاهده

روزانه خصوصاً در نقاط شهر نشین داشته است .

برای تهیه برق ساخته شده است .

استعمال روز افزون وسایل الکتریکی در اقیانوسیهای جهان در حکم کنند .



صنعت ما هیکری در جاپان خیلی مروج است سراسر جاپان و توسعه منابع صنعتی نیازی دارد .

وضع گوهستانی و بارندگی فراوان این کشور بیشتر به انرژی برق احساس میشود .

نوع و تکنیک عالی صنایع ماشینی جاپان را در تاریخ میتوان در تمام گوشه های دنیا مشاهده

روزانه خصوصاً در نقاط شهر نشین داشته است .

نمود . کنست های ساخت جاپان امروز در تمام همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

استعمال روز افزون وسایل الکتریکی در اقیانوسیهای جهان در حکم کنند .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

برای تهیه برق ساخته شده است .

استعمال روز افزون وسایل الکتریکی در اقیانوسیهای جهان در حکم کنند .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

همچنان زن و شوهر فانونا از حقوق قانونی

است .

قمار بازان قاتل

بدنه شهاده گذاشته

و هورد تحقیق فرار مید ہد که از آن جمله نظر محمد پسر عبدالاحد مسکونه سیاه سنگ نیز عز ایستگاه سایقه سرو یعنی شاه شهید - (ع) دکان بشه گزی دارد به قتل ساتمن مذکور سر عا اعتراض میکند و متذکر میشود که ساتمن مذکور در گار (جیز گزی) او خل وارد گرده و قمار بازان طرف اعتماد اورا به محبس گشانده است که روی آن گینه، اورا بقتل رسانده است.

منبع پو لیس قو هاندانی امنیه ولايت گابل درباره دیگر همه مدنی معلوم مات داده گفت: باوصاف آنکه خود نظر محمد به قتل - ساتمن مذکور سر عا اعتراض گرده است سیر آقا پسر غلام علی، دربور با شنیده (شاه شهید) (ع) محمد انور پسر جلال الدین، مسپور به دار، دار ساکن سیاه سنگ، کریم پسر عبدالاحد مسکونه سیاه سنگ نیز هر کدام بنو به خود در شر کت قتل حیدر علی ساتمن پو لیس شر عا اعتراض شده اند، هکذا پو لیس هو فق شد دیگر قمار بازان را که در اوایل شب در آن خانه در قمار اشتراک ورزیده و بعداً آن خانه را توک داده اند گفتار سازد که هر کدام موجود دیت ساتمن مذکور را در آن خانه وانمود و متذکر شده اند که در گوشه ای اتاق نشسته بوده و در قمار اشتراک نگرده است که قمار بازان مذکور عبارت از میر غلام حیدر پسر میر اسدالله، محمد اسلام پسر محمد عمر، سراج الدین پسر فضل الدین و محمد یاسین پسر محمد عمر باشندگان سیاه سنگ می باشد همچنان خلیل پسر میرزا محمد که تاصبیح با فا علین قتل در اتاق بوده و گلید معما قتل مردوز یک ساتمن پو لیس را به پولیس بازگو کرد نیز تحت تحقیق قرار داده شده است. نظر محمد قاتل که چهار سیا هر راکن و اندام پاریک دارد قضیه قتل سا تمن مذکور را به خبرنگار زوندو ن شرخ داده و درباره سایقه قمار بازی خود که از کدام سال شروع گردد است گفت: سه سال داشت که (شده) را پاریک فت درینجا سا لگی بردویا خت پول را ازیدر خود به اوت برد واکنو ن که ۵۵ سال دارد نه تنها از قمار بازان ماهر است بلکه از طریق (جیز گزی) قمار بازان حر فوی توبیه میکند و به جانمه می سپارد.

قو هاندان امنیه پولیس گابل گفت: حیدر علی ساتمن به کشف در حدود بیست و شش قمارخانه هو فق وفا علین از اینجا پنهان قانون سپرده است او را از جمله پو لیسان و قادر و سایقه دار وانمود گرده گفت همیشه مطابیش را به راه صداقت انجام داده و چنانچه در راه صداقت در وظیفه جانش را توسط چند قن مفسدین اجتیاع از دست داد، او دارای یک خانم وینج طفل قد و نیمقد بوده که فعلاً در لوگر زندگی دارند.

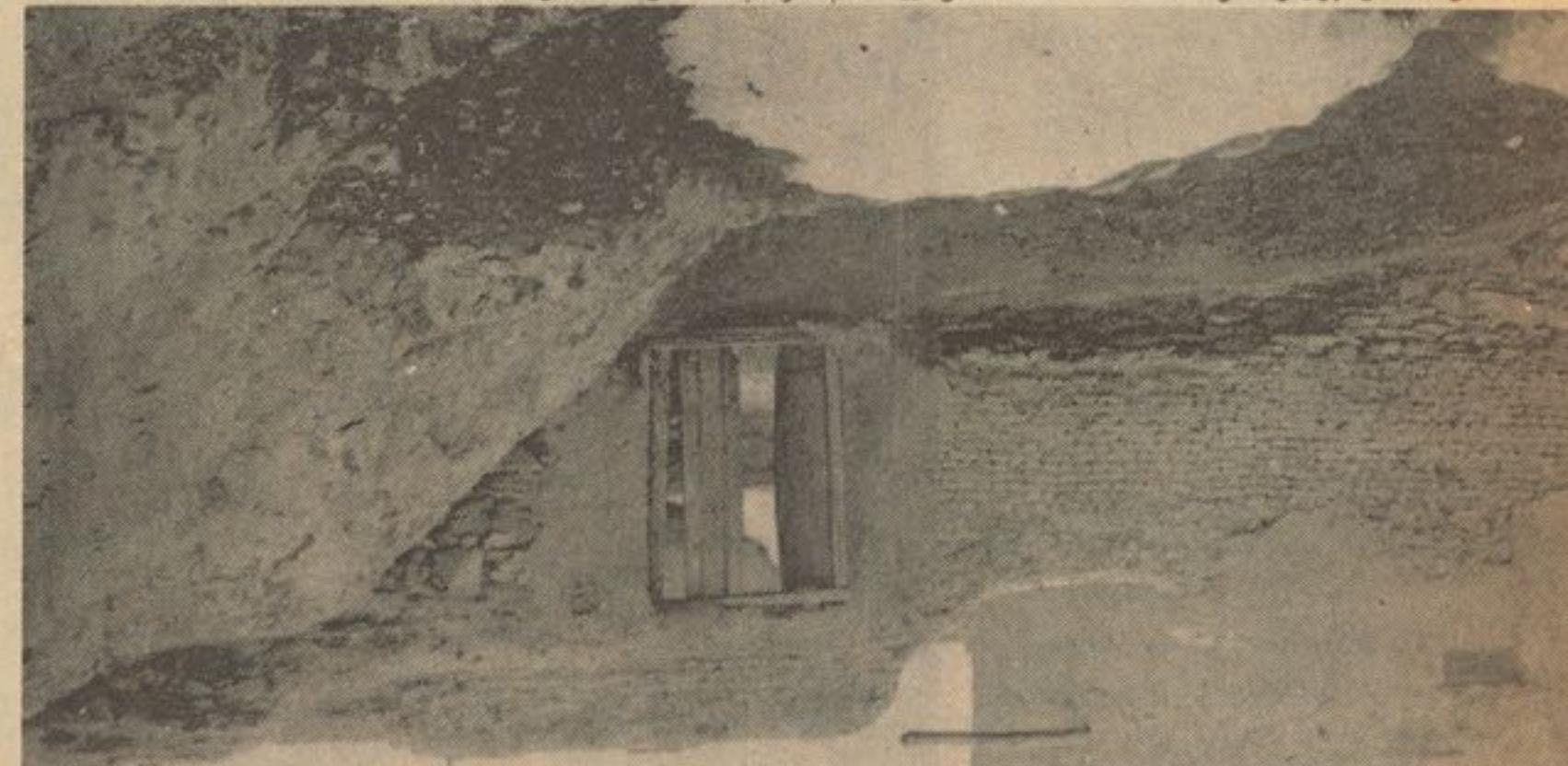
— ۲۷ —

خانه ایکه یکسته از مفسدین اجتماع هر شب در آن مجلس قمار را بین میگردند

پولیس مأمور بی شاه تسبیه اطلاع میدهیواز طریق آن مأموریت قوماندا نی امنیه و لایت گابل از واقعه آن قتل واقعه شعبات جنایی هدایت لازم میدهد محل واقعه تحت بازرسی قرار میگرد بعد از عکاسی از جسد محل حادنه پو لیس شعبه قتل و جرح - قوماندانی امنیه ولايت گابل تحقیقات اش را از اطراف و اکناف محل واقعه آغاز میکند در قدم اول روی علایم که بدست میایند نخست از طرف امر بی تعقیب هو بیت مقتول واضح میشود که او پو لیس وظیفه دار آن محل بوده واز طرف دیگر نزد پو لیس ثابت نبود که آیا قتل حقیقتا در همین ناحیه رخداده و یا اینکه جسد را از محل دیگری در پای این پهنه اتفاق داده اند، دیگری نکد شده بود که پولیس این نظر به لفته انور، دار، دار اشخاص آن محل را از بودن انور در آن شب در محل و منزل آنها تحت تحقیق قرار داد اما عیجکس گفتند های او را تایید نکرد تا خلیل نام هز دور بعد از اصابت در دیوار بروی برگها یافتند، که روی این اصل نخست از هنر زل دور رویش اتفاق بوده و حتی برآ مدن آنها راجیت و رفتن به صدای فیر هرمن راشنده اند یا خیر اما نزد پولیس همکاری نکردند ولی باین هم پولیس از تلاش باز نهاند و تحقیقاً این را در تشخیص اشخاص مجرم و بین بندوباری که درین ناحیه سکونت دارد دوام داده ودر و هله اول ازدواج خل خورد سال پر سیدند که درین ناحیه کدام شخص و یا کدام نفر (بد اخلاق) است؟ آن تلفظ ۲۴ ساعت تمام فاعلین قضیه را دستگیر



حیدر علی ساتمن پولیس مقتول



قصه‌ای از غصه‌ها



کدامین غصه ام را برای شما حکایت کنم، غصه‌هایم زیاد و بزر کدام آن‌ها سراغم آمده است، آن چنان که دوست مملو از یک دنیا غم بسیار بایا نیست . و پایم را به ز تجیری پسته است. نمی‌دانم چه چیزی را زود تر شروع کنم، اکنون که قلم را بدست گرفته‌ام صحنه‌های غم آلود زندگیم یک یک بیش چشم مجسم اند، هر کد ام بسان موریانه ای باز میخواهند وجودم را سو راخ سو راخ کنند و از میکنند و صبیح و شامی نیست که — بین بیرون در این جا از همه چیز میکنارم، با مشت و لگد سر و صورت و پهلو هایم را نو ازش ند هد و نگوید: — من دیگر خسته شده ام، محال است که زن نگیرم. اکنون دست تمنا و یاری کمک بسوی شما دراز کرده ام لطفاً هنایی ام کنید.

خواهر عزیز!

این فریب خوردن‌ها که با جلوه های مکر و حیله شکل گرفته است بعد از عرو سی از خانه و فامیل آنی وزود گذر می‌باشد. شوهر تان بدون شک حتماً روزی بسوی شما خواهد آمد ولی چه بهتر که با فامیل باشو هرم، باعادرت زشت و پلیدش باکارهای نا هنجا رش با غریبی دختر داخل مقاهمه شوید و از داشتن فرزندان خورد و کوچک تان آن‌ها را مطلع سازید از گذشته‌ها، از فداکاری ها، از مسافرت‌ها و از جوانی ایکه هر روز برایم گشته تر از روز های بیشین میشند. سر انجام بعد از چندین سال مسافرت و دوری از وطن دوباره به کابل بر گشته‌یم. اکنون که زندگیم تقریباً سرو سا همانی گرفته و کم کم رو به بیهو دیست بالای

بقیه در صفحه ۵۳

همه چناناریک بود، ظلمت شب دامن گسترده نمیگرد قطرات سرداران لای زلغان سیاوه انبوهش و چنان در گام سیاهی فرو رفته بود. قطرات مینویدند واز سر انسیبی پستانهاش پائین سرددشت باران، باشتاب پالین می آمدند، میرفتند. لباسش ترشه بود و سرایای وجودش آسمان غوش میگرد و باصدای میپیش و گهای از سردى کرخت شده بود.

زمن دامی گراند. اوبلاسته ها برواز کرده بود و سردى ایام صدای غرس امواج خشمگین دریا، در میان راحس نمیگرد، حتی دردی راکه چند لحظه درختان بلند بالا و پر شاخ و پنجه ای، سرخ بید پیش از شدت آن بعفومنی پیچید، کمتر احساس هاو سپیدار هامی پیچید.

امواج مستی میگرد. جبابا و گلبای، بروی بکلشته هاییکه با توفان دست و گذشته ای سیاه و سردى راورق میزد.

امواج مانندی سفینه هاییکه با توفان دست و گذشته ای سیاه و سردى راورق میزد. گریبان باشند، سرازیر میشند.

دریایی کابل توفانی شده بود و امواج خشمگین میگردکه : چرا در مقابل ظفرخان مقاومت نکرده و سرکش، از لبه های آن بد کشترار های مردم بود؟ چرا گذاشت بود دامنش راسیاه سازد؟

و گاهی هم یک فکر لعنی دیگر که، از زمانهای چاردهش سرازیر میشد.

درجاهاییکه دریا از نزدیکی خانه ها عبور خیلی طفلی از مادر کلانتش به او تزریق شده مینمود، مردم درخانه های شان صدای غرس بود، اورا می آزد مادر کلانتش قصه های امواج دامی شنیدند. امواج دیوانه وار سر مردمان قدیم راطوری که شنیده بود، میگرد: برستگ ها میزدند و شادمانی میگردند. مردان حق داشند بازدور های شان، باکنیز صدا بهم خوردند امواج، فرود آمدن باران های شان هرچه می خواستند بکنند، او مزدور و شرب شرب جبه های گناردریا، در نفسای حق اعتراض راندشت، واين امرازیس توسعه بی انتها و تاریک تادور دستها، گوشهاي مردم یافته بود مردم آن زمان گنیز های صورتی را نوازن میگردند.

اکثرا در ماههای جوزا دریا اینگونه توفانی بخاطر می آورد که بعداز مرگ پدش، میشد.

عذر ساکت و بیصدا، از زیر شاخه های مسکن اصلی خودرا، فقط بخاطر زنده ماندن سرخ بیدهای انبوه ردمی شد. و در گام سیاهی ترک گردند، وونه کافی بودمانندی صد های همراه باشه های جسم درختان کهن سال فرو دیگر، بدون کفن دفن میشدند و در خاکهای سردمی آرمیدند. اما آنها خاص بخاطر زنده میزدند.

زمانی ناله میگرد و گاهی هم خاموش به ماندن فرار گردند، مادرش مزدور نانوا شد و اطرافش نظر میگرد و از تاریکی و تباشی لذت اوهم مزدور یک شکم گنده ای نو عروس.

بغضوی میبرد. صدای غرس امواج و شیون حالادیگران احساس رادر مقابل زندگی شاخه های غصیل اورا بخود میغواندند و او نداشت، در مقابل زنده ماندن بی تقافت بود، دریان سیاهی ها چون شبعی در حرکت بود، از همه چیز متنفر بود، از همه چیز!

از زندگی که بخاطر آن از هرگز فرار گرده دریست قدمی دریا ایستاد.

بودند، از مادرش که بجز ازاو دیگر کسی را به تنهای درخت کهن سالی تکیه داد، بتندی نفس می گشید، درحالیکه به درخت تکیه داده بود بی اختیار چشمانتش دریان سیاهی های پریشان راه می گشیدند و گوشهاش را

زمزمای شرشر باران نوازن میگرد.

از یک چیز هراسان بود و بخجالت میگرد و آن اینکه: مزدور بود، از طبقه محروم زیرا بعداز لحظهای مادر میشد و درین باب اجتماع بود، وبخاطر آنکه زنده بما نس و نان احساس عجیب داشت: با آنکه میمالست بدست بیارود باید از همه چیز بگذرد، همه حامله است، اما هرگز قبول نمیگردکه چنین

باشد. اگرچنین اندیشه ای دردماش رامیمالت باری بخاطر می آوردکه ظفرخان بالای زن مانند طفلی گونه هایش سرخ میشدند و اشک خود فریاد می گشید، بهانه هی گرفت، تهمت در چشممان زیبایش حلقة میزد.

عنوز پانزده سال داشت و باورش نمیشد که به این زودی آنهم بدون شوهر صاحب طفل شود. اما اگر باور هم نمیگرد در وجودش موجود زنده ای دیگری جوانه زده بود حالا و هایش.

دواویل این وضع برای عذر دشوار تمام چشم و احساس میدید و درگ میگرد. نسبت به خودش احساس تلخی عجیب دراو زبانه میساخت و او هم بعدها عادت گرده بود. روزی رابخاطر آورده ظفرخان زنش را به میگشید.

هیئتپریکه به تنه ای درخت کهن سال تهمت گرفته بعداز خالمقال مفعمل وزد و خورد تکه داده بود، جز تنهای درخت شده بود. حرکت بازه از خانه بیرون راند.

از : محمد اصف (امیار)

شبهای ته فانی

آنروز هم «هما» خانه پدرش رفت، ظفرخان بود در پشت لبایش سردی غرق را احساس کرد و چند لحظه بیش از شدت در دناله میگرد، او دوباره خوابید و عنده مشغول رسیدگی به کار میگرد و بلکه ایش آهسته در هم فرار گرفتند. آنقدر گذشت نبود، دیگر سینگینی جسم پسر کاملاً فراموش کردگه بیش از زین زنده بوده است های خانه شد.

کم کم ازحال میرفت. صدای غرس رعده رسته‌ای افکارش را کوشت و گنده‌ای ظفرخان را روی سینه‌ایش رفع مینمود برآوردست یافته بود، چقدار افسوس گست، بلکه ایش بسته از رویهم فاصله بآظر افس نظر گرد، در دل تاریکی‌ها، در دل تبره‌گی‌های اطراف خودیک آرامی و لذت می‌گذرد که چرا بیشتر ازین، به دنیا آرامش باشند بودگه فریاد هیبتناک ظفرخان بلند شد.

آنرا - عذر از آب بخ بیار... عذر ایلر زید، هیچ‌گاه ظفرخان بالایش فریاد نکشیده بود، طفلک بزودی آب سپرد اورد.

ظفرخان آب رانده نوشیده وبالعن خشن گفت: - بشین - اینجه سرچیرکت بشین !! عذر اسراز پانی شناخت، ظفرخان خشمگین بود و درین موقع بیشتر شبیه حیوان شکم دارهست از خانه بادرش رانه شود، بهم خوردن شان در او آرامش خاطر تزیق میگرد، میخواست چشمانش را بینند تا این های درنده میشد. عذر اجبار بود اطاعت کند او بامرگ خودکه نام بادر را پاک کند، وجه آرامی را که در چند قدمی اش، مانند رویای ساخوب که درین موقع گفتر مردم سکه‌تیم را بشان جلوه مینمود لمس کند، نگذارد بزم یافته بود بزم نغورد.

چشمان میشی ظفرخان برق میزد، بیشی در شش درمیان عضلات متینج رویش برجسته مینمود. هیچ‌گاهی ظفرخان را در چنین یک حالتی نمیدیده بود، هوایش برشان بود و به چوره بین و پوست گندمی اش با بروتی‌ای لمیده، درزشی قیافه اش کنمک میگردند.

عذر را بایشی کوتاه، چشمان تنگ و مو های در شش که چون هارهای به دو طرف گردش آویزان بودند، دونظر ظفرخان زیبا جلوه میگرد. از چشمان ظفرخان برق شیبوت و هوس من جمید، در چیزهایی عذراییک گریز پنهانی را می‌ساخت که در صید های دیگر کشیده بود اتفاق دیدن رابنام بادر میزند هرچه هست همین مزدور را فرا گرفت، یک رخوت و خستگی عمیق را که هیچ‌گاه دچار آن نشده بود در بدنش احساس کرد.

دستی داروی شانه هایش احساس کرد، بطوری که خود هیچ حس نمیگرد بروی بستر کشیده شد یک گرختی عجیب سراسر وجودش را فرا گرفت، یک رخوت و خستگی عمیق را که هیچ‌گاه دچار آن نشده بود در بدنش احساس کرد.

کلویش بند آمده بود، تنها چشمانش میدیدند و وحشت دودلش جوانه می‌زد، اما او هیچ حرکتی نمیتوانست، بطری عجیب هینتو شده بود حتی نمیتوانست دست‌بایش را حرکت بدهد، سراسر وجودش سنگین شده بود، آنقدر سنگین که او تحمل برآمدن از زیر آن بارستگین، وانداشت.

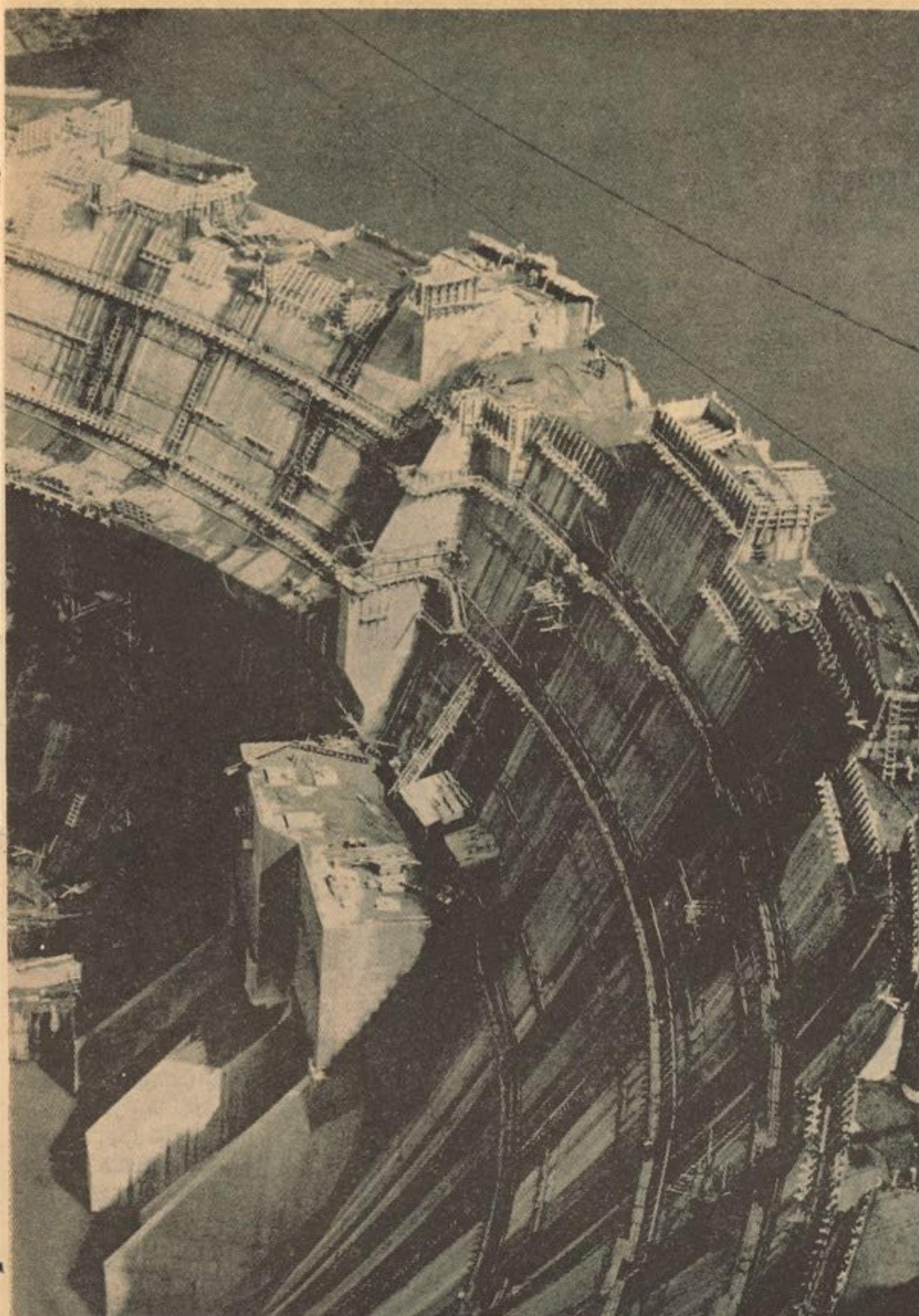
دندانهای نشست و بدریخت ظفرخان نو دار میشد، لبایش حرکت می‌گردند، عذر را چیزی نمی‌شیند، شاید ظفرخان خنده می‌گرد.

اما عذر را فکر می‌گرد حس شنوایی اش را ازدست داده باشد.

عذر افکر میگرد این هاهمه کابوس های وحشتگی هستندگه بسراش آمده اند، بسا اوقات شده بودگه در خواب سایه بخشن گرده بودش، و حالا هم انتظار بدار شدند ازین خواب سنگین رامی گشید. نفسش بند می‌آمد و بلکه ایش سنگین میشدند، و سیستی و بی‌حالتی عجیب سراسر وجودش را فراگرفت.



جاپان یا...



اولیه بود فعلاً تقریباً ۵۱ میلیون روز نامه
یومیه در جاپان وجود داشته که صحنه و
عصرانه چاپ میشود برخلاف نشریات هفتگی
ماهانه و مجلات دارای روز نامه های ملی،
منطقه ای، ورزشی با تراز زیاد منتشر می گردد.
چراید چاپ انگلیسی مجموعاً ۱۱۱ روز نامه
موسسه خبرنگاری ، ۴۴ شرکت رادیو و
تلوزیون وجود دارد.

رادیو و تلویزیون و نیز جراید و غیره
وسایل ارتباطی اهمیت بسیاری دارد.

جمعاً ۸۸۷ دستگاه تلویزیون ۱۵۵ دستگاه
رادیویی در نقاط مختلف جاپان موجود است.
عماقدهای سنت های جاپان ریشه داراست
هر آنهم متنوع است. لبادهای جاپان کشور هنر
های زیبا نامیده میشود و مطمئناً در بر تو
استغاثی شاهکار های گذشته و دلستگی
متنوع فعالیت های هنری امروزیش استحقاق
چنین شورتی راهم دارد، قدیم ترین انساء
هنری جاپان که تا مرگش با فیمانه اجناس گلی
است که به عصر حجر مرسد و مجسمه های
زنگی بزرگیست که مربوط دوره های دیرتر
میباشد این مجسمه (هانی دوا) خوانده شده
واز مقابر قدیمی بدمت آمد، واز آنجاییکه
نمونه هنر اولیه است ارزش فراوان دارد
عمجهان معبد مقدس (هوریوجی) که در نزدیکی
(نارا) موقعیت داشته واز قدیمترین بنا های
چوبی دنیاست نقاشی بارگاه های روشن و طرح
های براز ریزه کاری هنر خوبیش را ابراز
میداشته حتی در هنر عمماً ری امروز جاپان
میتوان آثاری از نفوذ سنت های دوره کاماکورا
مشاهده گرد.

جاپانی هاعلاقه مفرط به کمال هنر نشان
میدهدند نمایشگاه های هنری فراوانی در سراسر
جاپان وجود دارد، قدیمترین نمایشگاه هنری
جاپان نمایشگاه سالانه (نیتن) است.

عشق جاپانی به هنر و طبیعت در بسیاری
از شئون زندگی روزانه، تغیر معماری و رواج
عترکل از آن وغیره عمیشه در حالت تبارز
است.

ادیات معاصر جاپان عالند بسیاری از چیز
های دیگر قدرت خوبیش را از منابع غنی گوذاشته
نظیر نفوذ کلاسیک چین یاستان، تنوع اندیشه
های غربی خصوصیات پردازام سنت خویشن
گرفته است دو اترادی جاوید بر ادبیات امروزی
جاپان نفوذ عمیق داشته اندیکی از آنها (کوچی ها)
دوهی اش (مالن یو شو) است که گلچین
اشعار بوده در سال ۷۷ بعد از میلاد تنظیم شده
(ناکه سوری مونو گاناری) که تاریخ تحریر آن
در سال ۱۱۱ میلادی بوده عنوان اولین ناول
جاپانی تلقی میشود و بعد از آن (جی جی مونو گا)
ناری) افسانه چن جن است که داستان عشق
بوده وزندگی درباری قرن یازدهم را تشریح
می کند. این کتاب بوسیله یکی از خانم هاکه
در زمینه نویسنده کان و شعر را بودند نوشته شده.

کشور جاپان نه تنها از لحاظ ملی بسیاری و صنایع نظریه در جاپان شهرت دارد بلکه از لحاظ تغذیه معاصر و سیر سریع صنایع

اهمیت به سزاوی کسب نموده و بد جمله کشورهای بزرگ مؤلف مائین الات نقیل و خفیف والکترو تغذیه بحساب میبرد.

جاپان باداشتن منابع سرشار آبی درجهت تولید نیروی برق به پیشرفت های نایل شده است عکس سد علیمی را در حال ساختمان

برای هیدرو الکتریک برق نشان میدهد.

ژوندون

چاقی کاذب

رژیم دارای کالودی قلیل

طور یکه از نام آن هوید است رژیم است که با کاهش مقدار کا لوری روزانه توان است . کا لوری واحد مقابلاً سی است که ارزش افراد زی تیک عناصر غذایی را تعیین میکند. ترتیب فهرست وارعناسی شده ای برا اساس ارقام می تواند غذای خوبی را برای شما تنظیم کند ، فکر کنید که با کاهش یکصد کا لوری شما می توانید از ۱۵ تا ۲۰ کرام وزن خوبی را از دست بد هیندرگاه می خواهید وزن زیادی را از دست بد هید با غذای شروع کنید که ۸۰ کا لوری را احتوا می کند.

رژیم هید رات دو کاربن بشکل کنترول شده آن :

درین رژیم تمام آن عناصر یک از هیدرات دو کاربن و گلو سید مشکل است نه شده است و در عرض قسم اعظم غذا مركب از عناصر پروتین دار می باشد عناصر که از غذا باید حد قصده عبارتست از:

فند صدقیض .

شیرینی با بر باد و عسل بیکوت نان قندی که ۷.۷٪ ۸.۸٪ فیصد هیدرات دو کاربن دارد.

سبو خشک مثل زرد آلو و غیره که بین ۶۵-۷۵٪ فیصد دارای گلو سید است.

عناصر ذیل را باید در غذا بکار برد:

* گوشت و ما هی

* سبز یخچات و تر کاری تازه به استثنای

* لبنتیات و پنیر به استثنای شیر خشک

* روغن و مسکه .

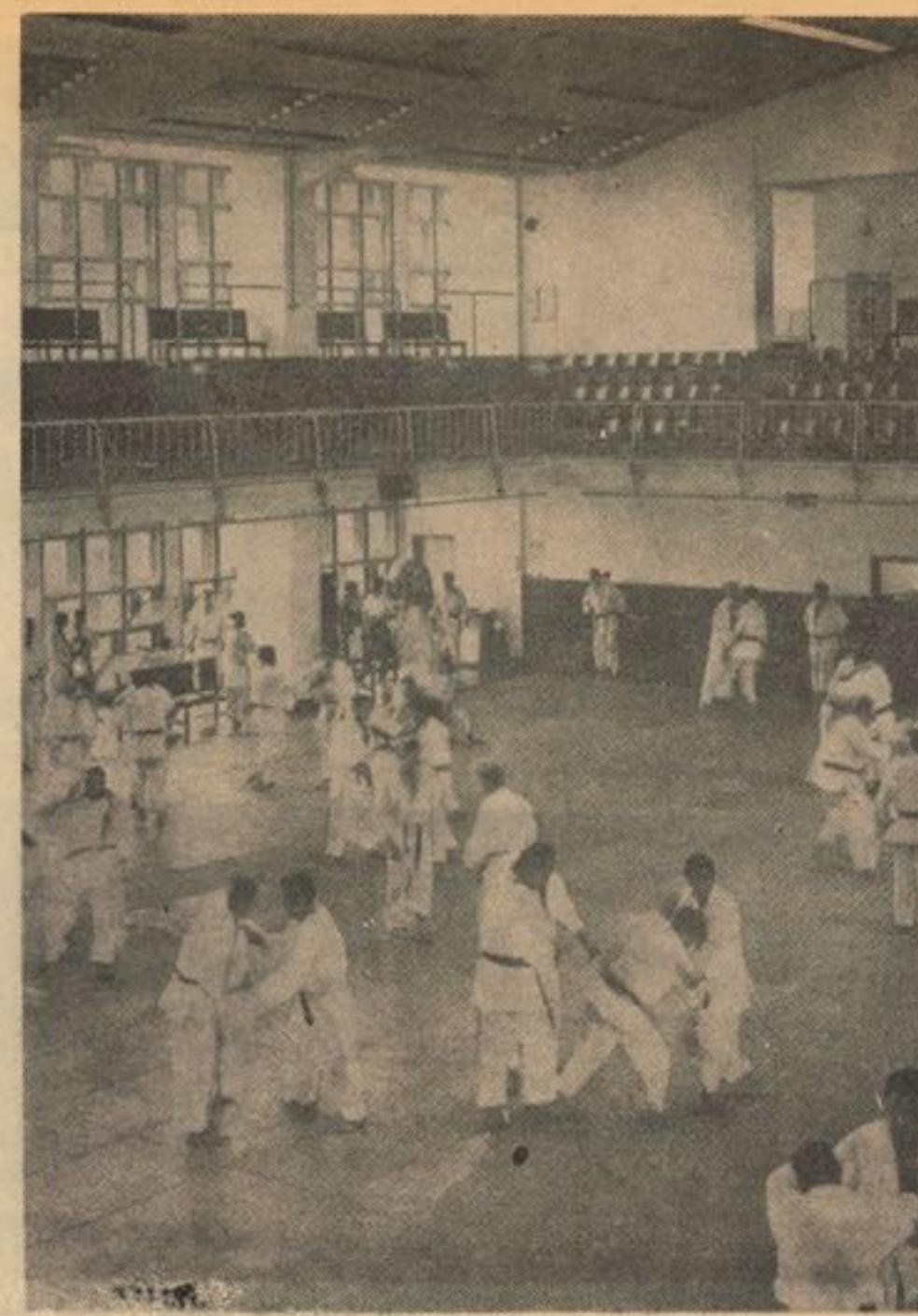
رژیم هی پر پروتین:

درین رژیم صرف آن غذای این اجازه داده میشود که از تقطله نظر پروتین غذای استمثل گوشت لبنتیات و بعضی از تر کاری های خشک این رژیم دو امتیاز دارد : پروتین بشکل شحم ذخیره نمی شود و دوم بدون آنکه عضلات به استطلاع آب شود مجال لامر شدن رامیسر میسازد این رژیم طولانی نمی تواند باشد این رژیم با وجود اینکه صدقیض پروتین نیست مثلاً دریک بیفتک ۱۰۰ گرامه ۷۷٪ فیصد در یکدانه تخم پروتین وجود دارد این رژیم در طرف یکدهنه مجال آرامیسر میسازد که ازه تا ۱۱٪ فیصد از وزن شما کاسته شود .

رژیم هی پر پروتین ایک گامه :

این رژیم کاملاً از پروتین تشكیل یافته است و یکگرام گلرسیو م وو یکتا هین تیز در آن شامل است . این رژیم یک روزه وا قسم است که بدو نمشور دکتور آن تو ان آنرا انجام داد این بیترین رژیم غذایی برآمده است که می خواستند وزن زیادی از دست بد هند.

بعد این رژیم باید رژیم دارای کالوری کمی تواند ادامه باید .



جوادو یک سپورت ملی در جایان



صحنه از بازی های ملی و محلی در جایان

عجمان (الفانه هیک) و ناولهای «سای کاکا» و نمایشنامه های (چیک ماتسومونزامون) برای آن عده تماساگران و خوانندگان تو خاسته که ذوق ادبی عالی داشتند غنیمت بزرگ بود .

هنر تئاتر با جان قدرتی در جایان توسعه می یابد که شیرتش در همه جاییش گردیده .

چنانچه درامهای (نوه) یانایش های عروسکی بوترهای کوکه ویشه آن به زمانه های قبل از تاریخ میرسد یک اثرخیلی عالیست .

در زمان پیدایش تئاتر، گروهی زنان و سپس مردان جوان متکل امور مربوطه به تئاتر بودند . واماکنون این نمایش منحصر به مردان میباشد .

نمایشات به سبک غربی هائز تروب های تیاترهای متعدد اجرا میشود که این سبک برای دوین یار ۶۰ سال قبل راه خودرا در تیاتر جامان باز کرد . و در حال حاضر طرفداران زیاد دارد. مخصوصاً جوانان .

سلسله این نمایشات خیلی وسیع بوده و از آثار نویسندهان کلاسیک نظر شکیب، مولیر، ایبسن و چخوف شروع شده و به نمایشنامه های جدیدی که ازدواج نویسان جایان و خارجی معاصر است میرسد .



پیغله حمیده، به مطالعه علاقه بفرط دارد.

بیشتر باشد. یا واقعاً همکاری گردد و دیگر اینکه در انتخاب هرسیله آگاهی یافریعنی که در اختیار جوانان گذاشته میشود بیشتر مرافت گردد.

- سما پیشتر از عشق سخن گفتید، خودتان این احساس را چگونه شناخته اید و چه برداشتی از آن دارید، اصولاً موافق هستید که جوانان عشق را اساس ازدواج قرار دهند؟

- بگذرد بگوییم من عشق را با تعبیر متفاوت آن نه قبول دارم و نه از تاییدمیکنم، البته اگر عشق به مفهوم شناختی وسیع تر و برداشتی عاقلانه تروどور از احساسات باشد میتواند در خوبی بگشتن دختر و پسر سهی ارزش ای داشته باشد، اما متناسبانه در محيط ما عشق هاعم قبل از وقت است و عم احساساتی، سما خود بگویید عشق پسر شانزده ساله‌ی را به دختر مثل‌هم سن خودش چه میتوان تعبیر نمود، جز شرایط خراب تربیتی، بی خبری پدر و مادر و گسترش تبلیغات سکسی از راه فلم، کتاب، نشریه ... و ...

- از خود تان تکفید، اگر فرار باشد ازدواج نمی‌کند، نهی خواهد مثلاً عائق شوهر آینده تان باشید؟

- می‌خواهم انتخاب نمی‌شود از احساسات نیائند و ابته به مصلحت اندیش خانواده ام اهمیت بستری از احساس خود قایلم.

- در شرایط کنونی از نظر شما چه امکانات عاجلی وجود دارد که بتوان با تطبیق آن از عشق های نه قول شما زودرس جلوگیری نمود؟

- خانواده‌ها نباید قبودات فامیلی را چنان وسیع بسازند که جوان از یک جانب عاصی گردد و از جانب دیگر نتواند پدر و مادر خود را به جسم دوست ببیند، به عقیده من کنترول اولی باید از محيط خانه شروع گردد. اگر صحبت از آینده باشد در پیلوی آنچه قبل از گفتم اختلاط مکاتب دختران و پسران را غافل ندانم.

و حال اخرين يرشن:

- خوبترین خاطره شهاد رسالهای تحصیل... راستش من هرسال یک خاطره خوش دارم، خیلی خوش و آن از لعنه بی است که نتایج امتحان را گرفتم و دیدم که بی رویی و زحمات و مساعی ام هدر نرفته است، حتی حالا هم به خاطرآوری آن لحظات قلبم را از شور و شف به پیش می‌آورد.

از دکتور س. حمیده تشکر میکنم که دعوت زوندون را پذیرفته است و او میگوید یرشن های شجاعتمان شده است، اما حرفاهاي من باقی است، بنویسید که زوندون حالا واقعاً زوندون است و آئینه تمام نمای زندگی مردم این مجله هم از نظر شکل و هم در محتوی خود توائسته است نوادری های داشته باشد در جهت بیشترت و من امیدوارم باز هم موفق تر باشد و جانشین همه مجلات خارجی بسراي خوانشند افغانی.

- ازاو تشکر میکنم و خدا حافظ میگویم: اولاً باید شبکه هاواسازمانهای تحریعنی کشور چند لحظه بعد دفتر داترک میگوید.

تساوی حقوق زن و مرد

پیوسته به گذشته

دکتورس حمیده سریع حیدری ۳۰ سال عمر دارد، در تمام سالهای دوره مکتب ولیساوی نهره‌گی راحله نموده و در دوره تحصیل طب نیز کم اتفاق افتاده است که اول نهره نباشد. اول سال گذشته اول نهره از پوهنخ طب فارغ گردید و در امتحان کدر پوهنتون کابل نیز بر دیگر داوطلبان پیروز آمد.

دکتورس حمیده ازدواج نکرده است و اکنون به سمت استانی جراحی نادرشاه روغتون انجام وظیفه می‌گند.

می‌میگنم است هم به عنوان یک دکتور و هم به عنوان یک جوان در همین ز می‌بیشتر مساعد برای تحریع و سر گز می‌جوانان و نشرت و مطبوعات آموز نمای اجازه نمی‌ندهند جای آموزش را وجا تریت رو انس را تبلیغات سکسی کرد.

و این امر جوان را تحریک می‌کند، رومانسیک بارش می‌آورد تایشترین اوقات خود را به فکر و اندیشه های عشقی زودرس بگذراند، با عشق های قبل از وقت آشنا گردد و چه با با فاجعه بی نیز مواجه گردد، نظرمن این است که اولاً باید شبکه هاواسازمانهای تحریعنی کشور چند لحظه بعد دفتر داترک میگوید.

می‌میگنم است هم به عنوان یک دکتور و هم به عنوان یک جوان در همین ز می‌بیشتر صحبت کنید و مثلاً بگویید این کمبودهاو - امیال نابر آئند که هنجر به عقد درو اند و انحراف اندیشه میگردند، کدام ها اند و چگونه شخصیت عاطفی جوانان را تهدید میکنند؟

می‌خواهم انتخاب نمی‌شود از احساسات نیائند و ابته به مصلحت اندیش خانواده ام اهمیت بستری از احساس خود قایلم.





دکتورس حمیده ساعات فراغت را به مطالعه سپری می کند

باقی صفحه ۴۲

دوران یافکنی جات:

نایدیر میگردد. تداوی آن باعصاره تبر و پیدا و او کیدو تراها لیزم که باعث احتراقاتی در بدن میشود عملی میگردد.

درینجاه سالگی لاغر شدن بیشتر انجام می پذیرد مشروط بر آنکه با هید رو تراپی و تاله سو تو این توام باشد که استحکام

عضلات و جلد رامو چب میشود.

بنابر آن به خوراک یناه می برد خرسنده و رانویه کرده چلدران تحکیم می بخشد. درین

تسکین آرامش را در خوراک می جویند مخصوصا در برخی از مراکز چون گیبور نو -

بریداری بر عین غذاهای و معالجه هندرو تراپی انجام بکلی متوقف شود. پیدیگونه -

اختلا لانی در میتا بو لیز م بد ن توام بالسنج امکان یکنواح سبورت لازم است. درین

در پنجاه سالگی میگردد که بسیار چاق شده اند. لعنی

دوران کسانی که بسیار چاق شده اند. لعنی بیشترین رژیم رژیمی است که مغید واقع شود

توانند زیاد باریک شوند. درین مرحله

زیبایی مطریح نیست بلکه از حیث سخت

گذشته ایشان وزن بکاهد تابوزن مطلوب وایده آن

بررس مشوره داده میشود مانند رژیمی که از

قلب و شر یا نهاده هر برو ط پیدا میکند.

بعد ن آنکه آرزو مند جسمی باشیم که چون

لحوظ ببرو تین لغزش می باشد (۷۰ گرام در روز)

یافکنی سن یا پنجاه سالگی دلایل دیگری

از سن ۴۵ و ۵۰ باید غذا را تغییر داد -

چاقی دشمن کاذب

رانویه کرده چلدران تحکیم می بخشد. درین عضلات و جلد رامو چب میشود.

بنابر آن به خوراک یناه می برد خرسنده و رانویه کرده چلدران تحکیم می بخشد. درین

تسکین آرامش را در خوراک می جویند مخصوصا در برخی از مراکز چون گیبور نو -

بریداری بر عین غذاهای و معالجه هندرو تراپی انجام بکلی متوقف شود. پیدیگونه -

اختلا لانی در میتا بو لیز م بد ن توام بالسنج امکان یکنواح سبورت لازم است. درین

در پنجاه سالگی میگردد که بسیار چاق شده اند. لعنی

دوران کسانی که بسیار چاق شده اند. لعنی بیشترین رژیم رژیمی است که مغید واقع شود

موقع آنرا نمی گذارد تا تنفس کندوبه ورزش

زیبایی مطریح نیست بلکه از حیث سخت

گذشته ایشان وزن بکاهد تابوزن مطلوب وایده آن

بررس مشوره داده میشود مانند رژیمی که از

قلب و شر یا نهاده هر برو ط پیدا میکند.

بعد ن آنکه آرزو مند جسمی باشیم که چون

لحوظ ببرو تین لغزش می باشد (۷۰ گرام در روز)

یافکنی سن یا پنجاه سالگی دلایل دیگری

از سن ۴۵ و ۵۰ باید غذا را تغییر داد -

معذالت کسانی واقعاً چاق و فربه می باشند

نه باشند که این مسئله برای بسیاری از

که می توانند زیرانظریک دکتور رژیم هی بر -

طبایع میسر نیست لازم است جسم و هیکلی

روانی و زندگی خاکوش و آرام که در ۲۵ سالگی صرف میگردیم)

از آنچه که در ۲۵ سالگی صرف میگردیم) زیرا دستگاه های گوارشی در مانده شده و

آن انسان کم تر زیبا می بیند اطفال نیز درین

سرف غذاهای را اختیار کند زیرا سلو لیت بدن

بروتیدیک را اختیار کند زیرا سلو لیت بدن

داشتم باشیم که نزد میان طرافت و استحکامش

باید ازین برود در غیر آن شکل الیاف را

را تا آستانه نه پیری حفظ کند.

من از آدم جدا میشود، درین مرحله زنی که

صرف غذاهای را حل میکند که از حیث

کار نیز میکند خود را تنها هیچگاه احساس میکند.

بروتین و ویتامین غذی باشد این غذاهای عضلات

بیدا کرده ساخت آن محکم شده و انقضای

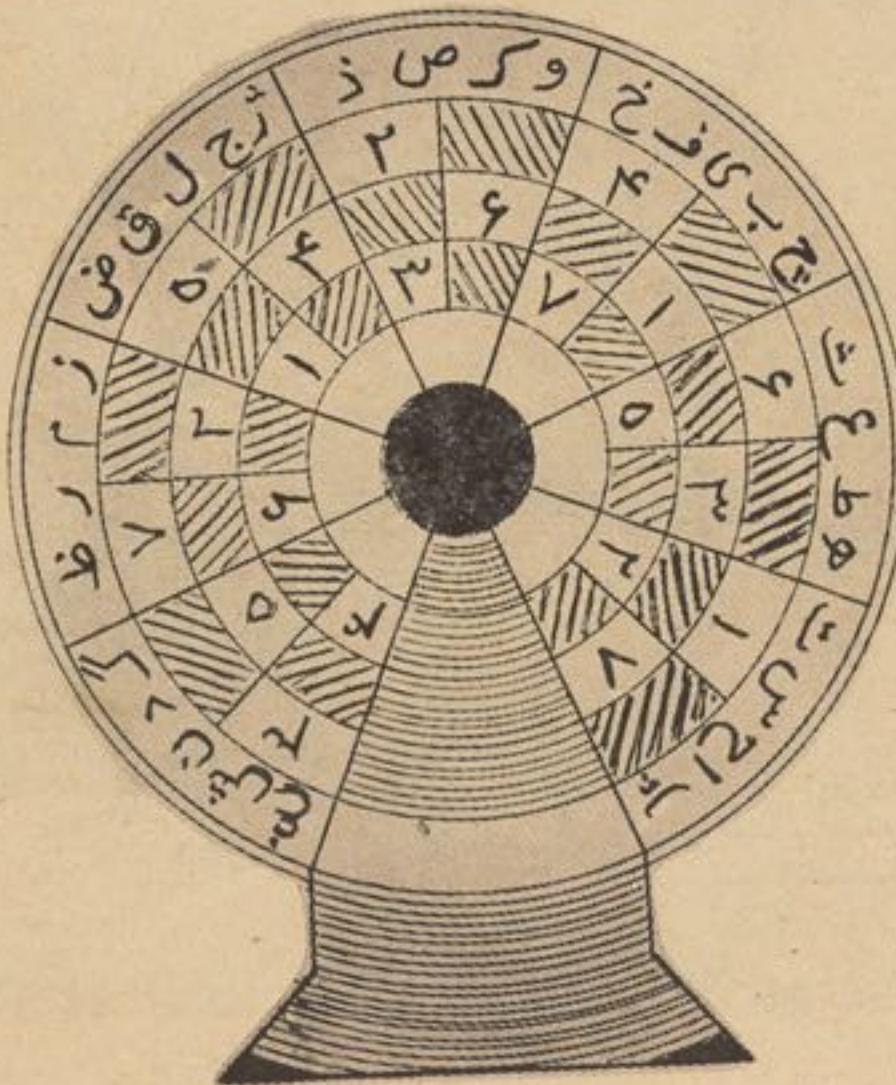
کمیڈی ازدواج

ترجمہ سید فقیر علوی

یک سلسلہ صحبت در اطراف مسایل او ضماع صحی او پر چه منوال بوده متفرقه بالاخره گفت او از همان است، خلاصه اینکه دختر مذکور یک کوکی پسر بدنی آمده است. ازین پس بجهه ای بوده که مر تبا مکتب لحظه ببعد همه رو یا م نفس بر آب رفته و همیشه لباس هر دانه پوشیده نایمت گردید.

آنچه بیشتر لارد را متأثر ساخته بالا خره لازد به جور جیا پیشنهاد خا موشی و سکوت همسر ش بود کرد نزد والدینش بر گردید و گذید که تا آخرین لحظه این موضوع را در کمال خاموشی طلاق داد دید کنمان داشته است. حتی باری هم واژهم جدا شدیم. او رفت وازان بعد نکفت که مشاعرات طب در مورد چیزی در باره او نشنیده ام.

فال حافظ



خوانند گان گرامی!

ترتیب از: ص، بهتام

در هر روز از هفت که میگواهید فال بگیرید به تصویر بالا توجه نموده یا که حروف از حروف نام خود را انتخاب کنید و آنرا از دایره بزرگ پیدا نمایید. (فرق نمی کند که حرف اول باشد یا لوم باشد یا هنلابنجم) در زیر همان حرف مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفید و سیاه میباشد و در داخل خانه های سفید آن سه عدد تبت شده است از آن سه عدد هر کدام را که دلخواه شماست انتخاب کنید و آنگاه به همان شماره در زیر نام همان روز از هفت مراجعه کنید و جواب خود را از زبان حافظ شیرین سخن دریافت نمایید.

مشلا روز یکشنبه حرف چهارم خود را که میم است انتخاب واز جمله سه عددی گهده زیر قوس هربوته به این حرف دیده می شود بیت ۷۷ را اختیار نموده اید. باید به بیت مربوط به روز یکشنبه در صفحه فال حافظ مراجعه کنید.

باقی صفحه ۴۵

با اعصاب آرام بخوابید

کنید و هیچگونه تشویش را در موقع و بشاش بوده و اعصاب آرام داشته خواب بخود راه ندهید و بکو شید که باشید. بکار بردن این چند سطэр خاطره های خوش زندگی را بیا د آورده تا از یک طرف باعث تجدید امید و از دیگر خواب آرامی نموده و موقع خاطرات خوش گذشتگان را بر خواستن از خواب سر حال واز جا نبی هم مو قعیکه از بستر باشید. بر می خیزید سر حال، استوار

نازه عروسی

که دو هفته قبل از ازدواج

به مرد تبدیل شد

یک لارد سکا تلندي فقط دو هفته قبل از ازدواج در یافت که زنش، مرد بوده است

لارد کو لین کمپل که بیش از چین شرایط، مجدوب او گشتم. بیست و هشت سال ندارد را جمع به خلاصه اینکه گیسو های دراز طلایی این ازدواج خنده آور خود ایران را دیوانه ساخته بود. آنچه بیشتر لارد جوان را شیفتیه عقیده کرد: این عشق همانند تو فانی ساخت، صفت تسلیم نا پذیری دختر بود.

- شبی در اطاق خواب من حاضر نشد تسلیم من گردد و التماس کنان به من گفت:

- کولین، من هنوز دختر باکره‌ای هستم و کمال آرزوی من است که تا شب زفاف به همین شکل با قی بعائم من ازین پر نسیب او خوشم آمدوبهش آفرین گفتم. این است که به دفتر ثبت نکاح مراجعته و پیشنهاد ازدواج را بادختر مو صوف نمودم.

لارد کمپل و خانم شورج جیا! توقع داشتم علاقه به مسایل خانه این عکس مسافرت هر دورا در ماه و شنون منزل نشان میدار. عسل نشان میدهد

اما دریغ که چارده روز بعد پر نده بود. دختری را که من به همسری ساعت این تازه داماد فرار اختیار کرد. خود بر گزیده یودم زیبا و ممتاز بود. برا در لارد کو لین، که خانواه منشان بیش از پنجصد سال رئیس این دختر چند بار یعنی یاد آوری کرد. خانواده اشرافی خود بودند، حرفا که یکتن از دو سنتا نش نسبت به برادرش را تائید کرده می افزاید: اینکه در لندن زیر عمل جراحتی تبدیل شد که از جمله ملیو نهاد دختر که جنسی قرار گرفته ام شایعاتی برادرم میتوانست با او ازدواج کند، نا درست راه انداخته است که من بدو تردید، بهترین آن را بد ام نخواستم درباره این شایعه اهمیتی قابل شوم. (در لندن شفا خانه های افگند).

حقیقت این است که لورد کولین با «جارجیا» بیست و چهار ساله وقتی آشنا شد که نشید دوازده گیلاس بیر، مردا بزن وزن را به مرد تبدیل قضاؤت سالم را از کف او ربوه بود میکنند. بعد از ازدواج با همسر جوان خود چنانچه خودش می گوید: به حدی نشید بودم که یا رای عازم جماییکا گردیدیم. جور جیا در حرف زدن نداشت. باز هم تحت کنارم در طیاره نشسته بود بعد از



فال حافظ

درس حدیث عشق براو خوان و ذو شنو
۶- عیب‌دل کردم که وحشی و فرع و هر جایی می‌باشد
کفت چشم شیرگیر و لحن آن آهو بین
۷- اگر غم‌لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی بهم سازیم و بنیادش براندازیم

اینقدر هست که گهگه قدر می‌نوشم
۴- گوهر چام چم از کان چهانی دگر است
تو تمها زمکل گوزه گران میداری ؟
۵- حافظه جناب پیر همان مامن وفات

۱- صوفی ارباده به اندازه خورد نوشش باد
ورنه اندیشه این کار فرا موشش باد
۲- عروس طبع را زیور زنگر بکر هی بندم
بودگز دست ایام بهدست انتشاری خوش
۳- حاش لله که نیم معتقد طاعت خویش

غلو حکمت مکن از بسیار دل عامیش چند
۶- در حريم عشق نتوان زدم از گفت و شنید
زانکه آنچه جمله اطلاع چشم باید بود و گوش
۷- اگر زخون دلم بوی شوق می‌آید
عجب مدار که هم درد نا فه ختنم

سخن بیرون مفغان است بجان بتو شیم
۴- گوه زدل بگشنا وز سپهر بساد مکن
که فکر عیج مهندس چنین گره تکشاد
۵- عیب‌می جمله بگلتی هنر ش نیز بگوی

۱- مقام امن و می بیفشو و فیق شفیق
گزت هدام میسر شود ذهن تو فیق
۲- در عین گوشی گیری بودم چوچشم مست
واکنون شتم به مستان چون ابروی تو مایل
۳- دوستان وقت‌گل آن به که بعشرت گوشیم

که نا خرا ب گنم نقش خود پرستیدن
۶- در چین زلش ای دل مسکن چگله‌های
کافته گفت باد صبا شرح حال تو
۷- با مدعی مکوید اسرار عشق و مسی
تابی خبر بیمرد در عین خود پرستی

هر که مشبور جهان گشت به مشکین نفسی
۴- من نگویم که گتون با گهنشین و چه بتوش
که تخدود دانی اگر زیر لک و عاقل با شی
۵- بهمی پوستی ازان نقش خود برآب زدم

۱- گفتی که حافظ این همه رنگ و خیال چیست
نقش غلط می‌بین که همان لوح ساده ایم
۲- مرا به دور لب دوست هست بیهانی
که بر زبان نبرم چنچ خد بیهانه
۳- بادل خون شده چون نافه خوشش باید بود

کار بدمعصالت آلت که مطلق نکنیم
۶- پس نکته غیر حسن باید که تاکسی
مقبول طبع مردم صاحب نظر شود
۷- عشق من و زن و امید که این فن شریف
جون عنتر های دگر موجب حرمان نشود

هر قدر ای دل که تو ای بگوش
۴- الا ای پیر فر زانه مکن عیم ز میخانه
که من در ترک بیهانه دلی پیهان شکن دارم
۵- عیب‌دویش و تو انگر بعکم و بیش بدانست

۱- روزنخست چون دهدنی زدیم و عشق
شرعاً آن بود که چزده آن شیوه نسبیرم
۲- آسمان بار امسان نتوانست کشید
قرعه فال بستا من دیوانه ز دند
۳- گرچه و مالش نه به گوشش دهند

آه اگر خرقه پیشمن به گزو نستانند
۶- آشنايان ره عشق گرم خون بخورند
ناکس نگر به شکایت سوی ییگانه روم
۷- حافظه گزت زیند حکیمان ملات است
کوتاه گنم قصه که عمرت دراز باد

بیخ نیکی بشاند و ره تحقیق بجوی
۴- گرم نه پیر مفغان دربه روی بگشاید
کدام در بزم چاره از گجا جویم ؟
۵- مفلسایم و هوای من و مطری داریم

۱- پس از چندین شکیباتی شبی بارب تواند دیدن
که شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت ؟
۲- دوش گفتیم بگند لعل بش چاره من ؟
هالق غیب ندا داد که آری بگند .
۳- شکر آنرا که دگر باره رسیدی به بیهاد

ورنه هرگز گل و نسرین نهد زاهن و روی
۶- بسکه در خرقه الوده ژدم لال صلاح
شرسار از رخ ساقی و می د نگینم
۷- صبر کن حافظه گزین دست باشد درس مه
عشق در هر گوشی انسانه ای خواندن

هر که این آب خورد رخت بدریا گفتی
۴- خلوت دل نیست جای صحبت المبار
دیو چو بیرون رود فرشته در آید
۵- روی چنان طلبی آینه را قابل ساز

۱- چو ذکر خیر طلب می‌کنی سخن این است
که در بهای سخن سیم و زد دریغ مداد
۲- منم که دیده بعیدنار دوست گردید باز
چشک گوییم ای گار ساز بند نواز
۳- عرض و مال از درمیخانه نشایدالدوخت

چرا به گوشة چشمی بهما نمی‌نگری
۶- حافظه تکیه بر ایام چو سیو است و خطا
من چرا عشرت افسوز بگفردا نگم ؟
۷- گفتیم به نقطه دهنت خود که برداه ؟
گفت این حکایتی است که با گننه دان گند

بر هنای همت خود گاسران شتم
۴- آن سرذنش که گرد ترا دوست حافظه
بیش از گلیم خوبیش هنگر پاکشیده ای ؟
۵- دعای گو شه نشینان بلا بگرداند

۱- زاهد بروکه طالع اگر طالع من است
جامم بدهست بساد و زلک نکار هم
۲- ترا چنا نکه تویی هر نظر کجا بیند
به قدر داشت خود هرگزی کند اد واک
۳- شکر خدا که هرچه طلب کردم از خدا

احصاییه پر اگنده

قرار نشریات مجله (جز من تر بیون) بعضی از ارقام و احصایهای مربوطه ماه اول ۱۹۶۳ فرمی از مسائل اقتصادی جمهوری است اتحادیه ایران را به شرح آنی روشن می‌سازد. این نفوس بر این نظر به مقایسه ای سال ۱۹۶۲ پنج اخشاریه پنج فیصد افزایش بعمل آمده است.

۱- تعداد کسانیکه تازه داخل کارشده از این راه مزد دریافت می‌کنند به نسبت سوی هزار و تعداد مشاغلی وظایف به هشتاد و دو هزار می‌رسد و این افزایش هم با مقاس بلندی رو به از دید است.

۲- میزان عواید ملی تقریباً به چهارده هزار و پنجصد همیون میرسد و به اینصورت ۴۲۵ فیصد نسبت به مجموع عواید یکسال پیشتر آن از دید رفته است.

۳- سرما به گذاری تا آخر سال ۱۹۶۳ تقریباً به دو هزار و پنجصد و پنجاه همیون که گذشت می‌شود هفت فیصد نسبت به سال پیشتر آن بیشتر است می‌رسد.

۴- پس انداز های اندازه هفده فیصد نسبت به ۱۹۶۲ اضافه تر گردیده و به این صورت حجم مجموعی آن تقریباً به دوهزار و هشتصد همیون میرسد.

۵- فروش مجموعی بمقدار ۵۴ فیصد و نهایا از صنایع به اندازه ای سه فیصد از دیگر بدیرفته است.



یاد منظره از آرکستر سمفونی آماتور تبریز آها تیو لنسک جمهوریت خود مختار تاتار اتحاد شوروی.



موسیقی عای آرکستر برلین در حالیکه در مکاتب برای شاگردان به اجرای گسترش و معرفی آلات موسیقی می‌پردازند، همچنین دایرکتور راجع به خصوصیت هر آلموسیقی و تحلیل کمیوزهای خود معلومات ارائه مینمایند

نفو سیکه از چاقی زیادر نجع میبرد

طبق تحقیقات گه از طرف مقامات مخصوصی عالیست به عمل آمده معلوم شده که متجاوز از نصف دوازده همیون نفوس عالیست از چاقی زیادرنج میبرند بخصوصی زنهای هایی بیشتر بطری فربی میروند زیرا آنها - مطابق عننه ای همی و باستانی خود چیزهای سرینی دار و مواد نشا یسته ای را میخوردند رایور واصله اطلاع داد که میلان بطری چاقی به صحت ملت هایی هم پر بوده است و از این لحاظ بیشتر شده تا حکومت بالای همچو توپیدان مالیات سنگینی را وضع کند.

زنان همیش باو زن سه و نیم تا پنج کیلو
نهیدند میشو ند. بالاخره زنانی هم وجود
دارند که بشکل خارق العاده و شمشکبری
وزن می گیرند و وزن آنها از ۱۰ تا ۲۰ کیلو بلند
میرود وزن گر فتن زنان جوان ن بسته به سه
عامل است:

لهاط گوشت، تخم و ماهی و شیر و غیره شنی
انجام عالی دارد.

در جریان چاق و فر به شدن این زنان
بیشتر عامل هورمون دخیل است و قسمی
فولی کو لین وجود زیاد شود مو جبات -
کرسنگی فرامیاید. آب بد نجد پسی
شود و جسم بنا میکند به فرباشدن چنان نکه
درظر فله ماه حتی تا ۱۵ و ۲۰ کیلو بروزن
افزود میشود که این وضع هم برای مادران و
هم برای اطفال زیان آور می باشد. ۱ مروز
دکوران آن مادرانی را که بطور مفرط چاق
می شوند تحت رژیم قرار مید هند یک رژیم
تقریباً بدو ن نمک و دارای قندکم و لی از
لهاط گوشت، تخم و ماهی و شیر و غیره.

عامل اجتماعی عبارتست از شیوه
زندگی زن جوان که محور تا هیل بود و با
فرزندانش زندگی میکند اغلب عادات -
غذایی بدی دارد. پیوسته چیزی خورد وی
بسقا بهای املاک را پایاک میکند و یکمقدار
خوردگی های دیگر را نیز از بینجال می بلند
و برای آنکه از چاقی مفرط طش جلو. گیری
کند از یک وقت غذا صرف نظر میکنداما
خوارکروزانه او در پایان روز کا لوری قابل
توجهی را در بدنش تشکیل میدهد که بدین
ترتیب اصراف از یک وقت خدا می اثر می
شود.

خانمی جوانی که کار میکند و همیش در
پشت میز قرار دارد با خوراکهای زیادخوب
فرمده میشود. واژ سوی دیگر با نشستن در
موتر در هنzel در دفتر و باکشیدن منکرت
بر عصبانیت وی افزوده شده ذخایر شحم در
ویجود او تکثیر میکند اما شحم و جود از هیان
نمیرود. فرمده شدن زنان جوان همیش
یکسان می باشد. بالاترین باریک قد ثابت
شکم گرد و فرم و رانهای بد شکل تاثی از
برخوری زیاد می باشد.

برای آنکه زن جوان لاغر شود چه می
تواند گرد؟

نخست از همه می تواند یک رژیم غذایی
را انتخاب کند که باشیوه زندگی او بستگی
داشته باشد. با این رژیم می توان سلولیت
بدنش را مورد حمله قرار دهد بالاخره باید به

آکسیژن گرفتن هوای آزاد بپردازد و به
تعربنایت فز یکی اقدام نماید و سبور تی
راگه سا لسا قبل آغاز شعده
کار میکند باید غذایی را سرف کنند که
که بتوان آنرا تا آخر دوام داد. برای زنان
و گدانی میکنست رژیم دارای کا لوری
قليل مناسب باشد و در آغاز آن رژیم
شایسته شعرده شود که محتواي آن از
تا ۱۰۰ کالوری می باشد و پس رژیم را
اختیار گرد که حاوی ۱۵۰ تا ۱۸۰ کا لوری

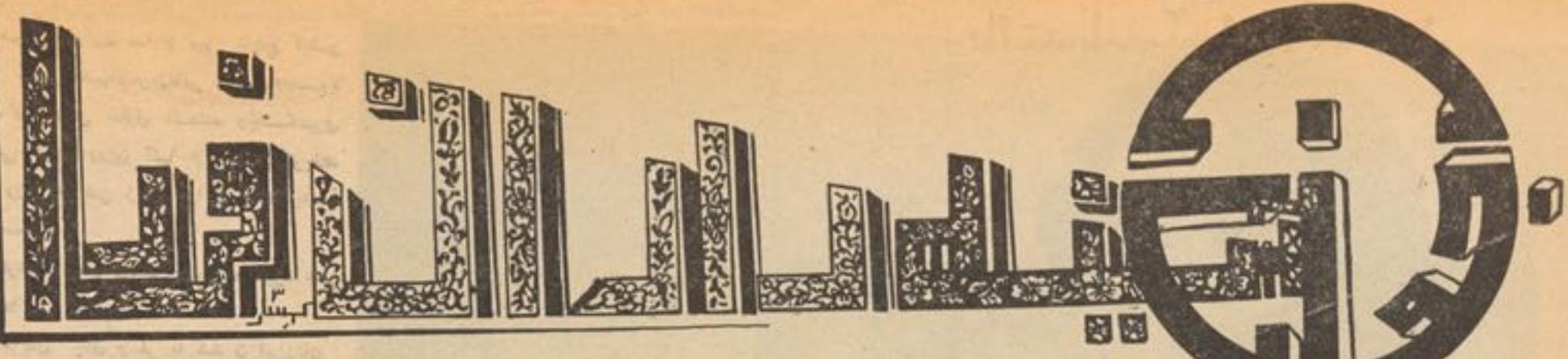
شماره ۵۱



درین ۴۰ و ۴۵ سالگی عادات ناگوار غذایی و صحی است که موجب فرباشدن زنان میگردد. جویی چاقی باعث دیگر گون شدن اعضای بدن می شود.

است که در آن جز گوشت تخم و ماهی چیز دیگر به فاقه کسی نمی آمد و درین دیگری و جود ندارد و یا رژیم هی بروتی حال از ۱۰ کیلو وزن می گیرد درین مورد که در جن بروتین و شیر و یک گرام کلسیم طبایت نمی تواند موثر باشد ذیرا در واقع و ویتا مین صرف نمیشود. زن جوان آرزوی لاغر شدن را ندارد درین در بعضی از موارد نمیتوان از تداوی کار مورد دکتوران می باشد بشیوه های دیگر گرفت متلاوقتی یکن جوان در نتیجه یک متول شولد از آن جمله تداوی روانی است حادثه از قبیل تصادم هو تر و جدا یعنی مرگ منظور ازین تداوی احیای آرزوی لا غرشدن نزدیکان به شوک عصبی گرفتار میشود درین جوان است.

باقیه در صفحه ۳۹



روان شنا سی جوا نان

محیط در خوشبختی خانواده

قائمه دارد؟

هنگام میکه سخن از خوشبختی خانواده به میان می آید ممکن است محیط خود را سازش داشته و اگر اند یشه ها و مفکوره های مختلف به ذهن اشخاص خطور کند که هر یک آنرا با دید خاص ارزیابی می نمایند. اگر نیبا تی را از یک منطقه زندگی برایش مشکل باشد. متلا کنید ممکن است زندگی کنند اما این شهر ویک شهری را به دهات دعوت بدهمین ترتیب اگریک دهاتی را به زندگی جدید آیا برای شان سعادت بار خواهد بود؟ آیا در زندگی خوشبخت خواهند بود؟ البته خوشبختی خانواده می پندازند و عده هم تفاهم بین اعضای خانواده را. بحر حال نکته که قابل تو جه است اینست که هر خانواده نظر به وضع محیطی و تربیه خاچ شان خوشبختی را به اشکال مختلف می یابند و آنرا درک میکنند. شاید در ذهن خواننده این سوال بید اشود که محیط چه تأثیری در زندگی را بهمین ترتیب نیست. واین خوشبختی خانواده دشوار نیست. واین خوشبختی وقتی بر آورده میشود که از مشکلات نهرا سیم زحمت گشی و گار را بیشه خود سازیم.

هیجان



هیجان سه خصوصیت اصلی دارد که عبارتند از: ۱- فعالیت ضمیری. ۲- تغیرات در اعمال فزیو ۳- هیجان محدود تر میباشد.

در بسیاری موارد شخص نمیتواند علمای روان شنا سی عقیده دارند که هیجان های ذائقه به دیگر انواع هیجان محدود تر میباشد.

ولی همین هیجان ها گاهی هم باعث بد بختی میشوند.

فواید هیجان: زندگی را روح می بخشد، ما را باسایر افراد مرتبط میسازد به زندگی اجتماعی نور می بخشد، نیروی بیشتری در کارها می بخشد، و با لاخره خاصیت دوای مقیم را دارد.

یکی از محققین را عقیده بر آنست که سه حالت هیجانی (ترس، خشم عشق) در گوذاش قابل مشاهده است.

صرف نظر از صحت و سقم این تحقیقات آنچه واضح است این است که بیشتر رفتارهای هیجانی ما ناشی از تقلید است. رشد هیجان در اشخاص از طریق امثاله، از طریق روشن آزمایش موجبات ائتلاف وقت رافرا هم سازده، خطرا جانی را ممکن است باعث گردد. برای اینکه ازین توا قص جلوگیری بعمل آید لازم است انسانها از آن نوع رفتاری که باعث بسیاری حالات هیجانی که باعث بد بختی و بر هم خوردن زندگی میگردد جلوگیری نمایند.



گفتار بزرگان درباره مادر

۱- ما برای ترقی ملت و آبادانی گشود پیش از هر چیز بعادان سالم و اگاه نیاز داریم. (نایپلیون)

۲- عیج چیز باندازه یک مادر و قیمه طلش را دو آغوش دارد روح پرورد نیست و هیچ چیز حس احترام و ستایش مارا بقدر حالت مادریکه کودکانش او را احاطه کرده اند بیدار نمیکند. (گوته)

ژوندون

با اعصاب آرام بخوابید



انسان پس از خستگی و کار روزانه به استراحت و خواب احتیاج دارد. واین استراحت چند ساعته تمام خستگی های روز را بر طرف و انسان را سر حال و استوار می سازد.

اما بعضاً دیده اید که این استراحت در اشخاص بر عکس کسلت و خستگی بار می آورد و یا ظاهراً اینطور می نماید. علت این حادثه اینست که این عده قبل از اینکه به بستر غرض استراحت و خواب میروند با افکار مشوش و با اعصاب نارام خوابند واین عصباً نیت و خلق تنگی باعث میگردد که انسان در موقع خواب نیز ناراحت بوده و خواب های پریشان که سبب خستگی و ناراحتی اعصاب میشود دیده و در موقع برخاستن از خواب این ناراحتی در شخص باقی میماند.

برای اینکه همیشه سر حال و بشاش از بستر برخیزید لازم است قبل از اینکه به بستر بروید افکار که باعث نارامی اعصاب شما میگردد یکطرف گذاشته بفکر آرام استراحت بقیه در صفحه ۴۰

در جستجوی دوست

مایلم با خواهران و برادران دارم و میخواهم درین قسمت تمرین خویش روی موضوعات مختلف تمرین نموده و مهارت پیدا کنم لطفاً من ۱ مکاتبه کنم.

آدرس: نجیب الله متعلم صنف ۱۲ کابل. لیسه حبیبیه.

آرزو مند مکاتبه با علا قمندان آواز هو سیقی، مخصوصاً موسيقی جاز. آدرس: محمد فردی متعلم صنف یازدهم لیسه حبیبیه غازی.

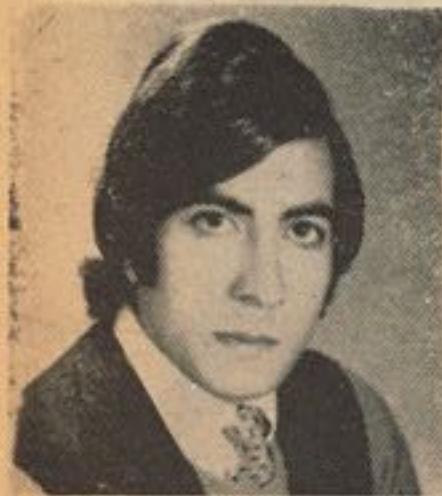
اینجانب محمد نادر میخواهم در دهم. باره هنر عکاسی و فلم برداری میخواهم تازه جمع آوری نمایم: لطفاً معلوم نستان معلم معلم معلم آوری نمایم درین قسمت مرا رهنمایی نماید.

آدرس: لیسه صنایع کابل - محمد نادر - متعلم صنف یازدهم.

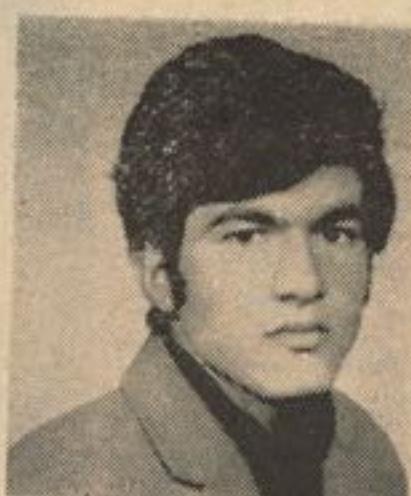
مایلم با کسانیکه در باره شعر مخصوصاً صفات نو و علاقه داشته باشند مکاتبه کنم. آدرس: سید فاروق - محصل تکت بوستی علاقه دارند مکاتبه نمایم.

آدرس: لیسه حبیبیه - محمد ظاهر به آرت و مجسمه سازی علاقه متعلم صنف نهم.

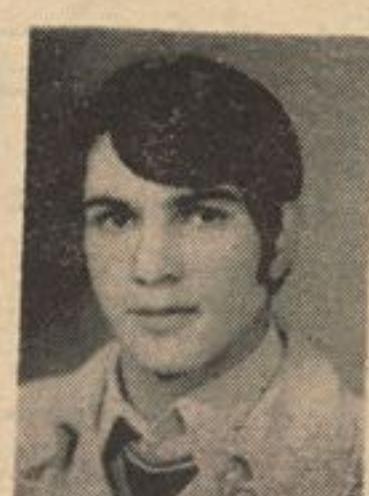
این دوستان نوشته اند



عبدالجملیل صمدی



محمد سرور



عبدالقيوم خوش کلام



اسدالله عزیزی



نور احمد امیری

بی هم وظایف و نقش خود ها را بر جامعه ایفا نمایند.

بناغلی عبدالقيوم در باره مطالعه و ارزش آن برای جوانان مضمونی نوشت که فشرده آن اینست: مطالعه یک کتاب آنقدر ارزشمند و مفید است که چشم و مغز انسان را حقیقت باز نموده و اورا یک انسان کامل میسازد.

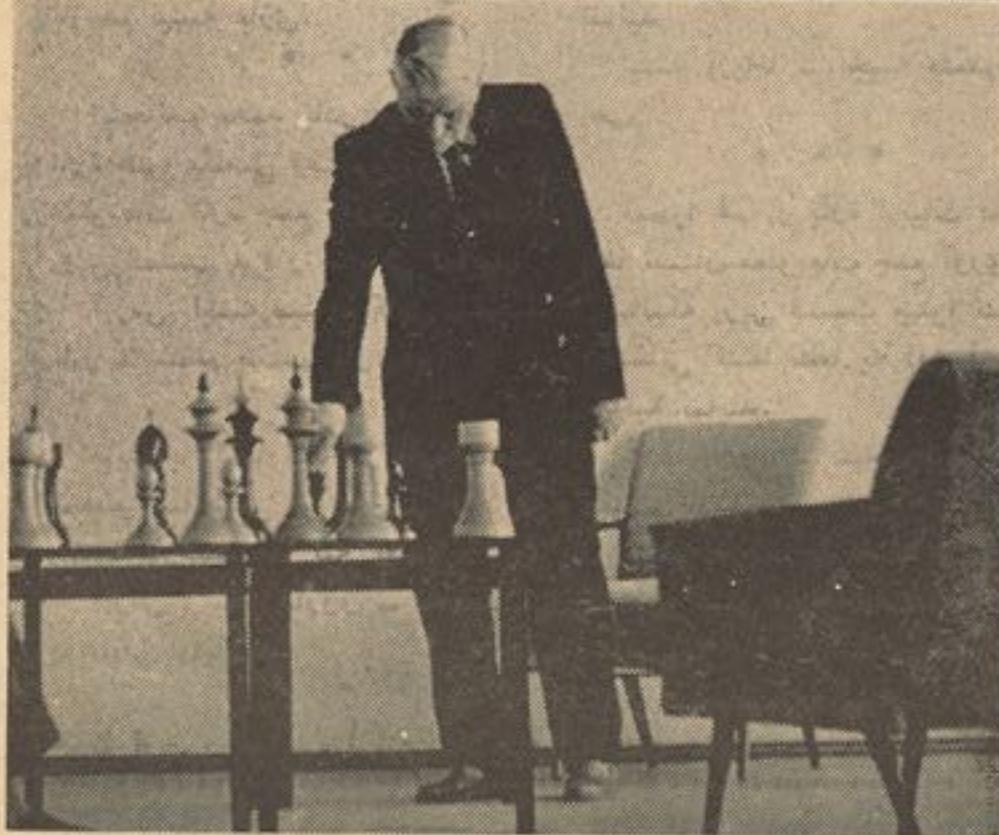
البته یک نکته را نباید از نظر دور داشت و آن اینکه تنها خواندن کتاب بارگز و با احساس کشتنی ترقی چا معا خود را در ساحل مقصود، کافی نیست بلکه عمل آن لازمی رهنمایی نموده و با سعی و تلاش وحتمی است.

بناغلی محمد سرور نیز مطلبی در همین زمینه دارد، نوشت که درین کتابهای شنیده که جوانان در پیشبرد مردم های دولت جمهوری مان خیلی ارزشمند است. گذشت، ایثار، غداکاری وظایفی است که جوانان مابدوس داشته و رسالت دارند که عقب مانند کی های گذشته را با درک مسو لیت شان جبران نمایند.

بناغلی محمد سرور نیز مطلبی در همین زمینه دارد، نوشت که درین کتابهای شنیده که جوانان در پیشبرد مردم های دولت فرستاده اند. این نیروی معنوی کشور چگو نه برای پیشبرد مردم های دولت مردمی میکشند.

بناغلی اسدالله در باره نقش جوانان در اجتماع مطلبی نوشت که قسمت سیر تاریخ پیشرفت ساینس: نقش بنگالی نو را میگذراند که نیروی مطلب فوق را بنگالی عبدالجملیل صمدی فرستاده اند. این نیروی معنوی کشور چگو نه برای پیشبرد مردم های دولت مردمی میکشند.

دِرْجَاتُ



دوو تنو لوپاتو مینځ دشترنځ دلوبو هجریان یوه ګوبه

ترجمہ : ع. (ٹیمور)

شطرنج اودھ چھ علاقہ لرونگی

یه داسی حال کبیسی چی د راز راز و
رزوستو او فریکی تمریناتو سره د خوانانو،
لویانانو اوختی کوچنیانو میته او علاقه ورخ
یده ورخ منع په زیاتیدو ده سورو چندنیزی
یده بیلوا بیلوا برخو کبیسی د سطرنج د علاقه
ازونکو یه معیار کبیسی هر کال یه سلوکبیسی
لور ترلیزه پنخلس زیاتوالی راخی .

لکه چه د وزریزی او فریکی تمریناتا تو -
ورزوستو رایور و نو بشودل د سطرنج سرمهد
خوانانو یه نسبت دلویانانو علاقه زیاتنه دهاد
دا کار خان ته دوه عوامل لوری لوهمیری داجی
لویان دخوانانو یه نسبت د سطرنج دلویسود
سر ته رسولو د یاره زیات او کافی وخت
لری او دوهم دا چی د خوانانو د یاره د
وزرشن او فریکی تمریناتو تورجهولونه ترگوتو
کیدای شن چی د لویانو دیاره دو مره چیز
مسناعده نه ده ، اوس دنیزی یه زیا تسو
هیوادو نوگنی د سطرنج دلویو سرمهد خوانانو او
د ڈوقونو د روزلوا د یاره یه خانگیری تو گه
تر بیوی گورسونه جوی شویدی . د سطرنج به
او یه دوهمه مرحله کبیسی د دووتنو او یا
زیاقو سطرنج بازانو تر منع دوستانه فسا
شته وی او یه عنین حال کبیسی لاپتو او مبتکرو
باره اماتونز گئز سونه او دلویانو او خوانانو
د یاره اساسی گوزسونه جوی بزی . دشوردی

موعی (دکر) قیه و مان دو یه دن ز فان

مری دکر دو شیزه شانزده ساله
است و چهل و سه کیلو وزن دارد.
او در صنف چهارم مکتب مشغول
تحصیل است و تا بحال در سه
مسابقه دو یاری هشتادمت، هشتاد و
هشتاد مت و هزار مت ریکارڈ گذشته
را که زنان قایم نموده بودند شیکستانده
است ولی مردم امریکادر باره تمرينات
بسیار سخت این دو شیزه جوان ابراز
نگرانی میکنند. مری که در سن
شانزده سالگی بزرگ ترین قهرمان
دو یاری هشتاد مت ری زنان در
امریکا است.

میری میدود تا ییروز شود نه اینکه
رکور دی بشکند ولی اخیراً او عقیده
خود را تغییر داده و میگوید: «اگر
امکان داشته باشد سعی میکنم رکود
 بشکنم. در غیر این صورت میدروم
تا ییروز شوم.»

ما در میری ذکر با نگرانی میگویید: امید وارم که دخترم خودرا زیاد
خسته نکنند، من تصور نمیکنم اگر
کمی از سرعت خود بکا هد چیزی
از دست بد هد. من میتر سه تمرینات
ساخت باو آسیب پرساند و نمی خواهم
که دیگر در سین هفده سالگی کنا ر
گذاشته شود.» معینهذا خیلی از هردم
عقیده دارند که او هنوز به کمال
توانایی خود نز سیده است و در آینده
امید زیاد میرود که میری یکسی از
تهر مانان زنان در رشته دویدن گردد.

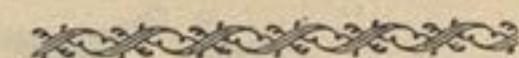
مری دکتر دریشایش دلبانی بزرگتر از خود
در حال مسابقه دویین ۷۹۲ متری که در لاس
انجلس برگزار شد. اواین فاصله را در ۲
دقیقه و ۷۰.۶ ثانیه به پایان رسانیده است
ریکارد جدیدی در دویین زنان قایم نموده
ست.



رویای که به تحقیق پیوست



ورزش اساس زندگی است



در هرور زش امید ها و افتخارات این چمن می بز و راندند تا اینکه این معینی وجود دارد که هر ورزشکار آرزو در سال ۱۹۷۴ به تحقیق پیوست می خواهد بران ها دست یابد. مثلا در این دفعه اول بود که طی صد سال خیز بلند رسیدن به رقم ۲۳۰ سانتی دو بازیکن شو روی دراین بازی برند شدند.

مو روز وا در برابر رقیب قدر تمدنی چون بلیلی جن کینگ قهرمان درجه یک انگلستان که ۱۰ رقبای آسترا لیایی، امریکایی و ایتالیایی خود را شکست داده بود قرار گرفت.

همجتان الکساندر بر رقیب خود سنتا نا پیروز شد. او لگا ۲۵ ساله بود و شاگرد یو هنخی تر بیت بدنش مسکواست الکساندر که سی سال عمر برای بازی دو گانه راه یافتند. ولی ایندو همیشه در ذهن شان دارد در پو هنتون تبلیش در رشته روبای رسیدن به بازی یکانه را در روزنامه نگاری فارغ شده است.

آغاز تقویات ورزشی سال ۱۹۷۵

به آغاز روز های اول پرچ جنوری اکتشاف بیشتر ورزش و تمرینات سال جاری سلسله تمرینات ورزش فزیکی رادر سالیان آینده نیز فراهم ربع اول سال ۱۹۷۵ شروع گردید مینماید.

بطوریکه عده کثیری از ورزشکاران در خلال سی سال اخیر ورزش - کاران دول مختلف گیتی در راه و دامنه های گلگون طبیعت باشورو نزدیک گردانیدن کلتورهای مختلف اشتیاق زایدالو صفوی سلسله تمرینات خود را تعییب میکنند. های قبیلوی و نژادی نقش های عمدۀ وفعالی را بازی کرده اند که روی - عمرفته با تعییب شدن پروگرام های ورزش و تمرینات بدنسی از شروع سال «۱۹۳۷» تا اکنون تنها در چکو سلواکیا بیش از یک صد و هفتاد هزار نفر ورزشکار در رشته های مختلف اهلیکی تحت تربیه و تمرین گرفته شده است.

به عقیده یکی از ورزشکاران چیره بادر نظر گرفتن ارقام و احصائیه دست سوهیمای شمالی تجلیل و بر های مقایسوی میتوان گفت که از سال ۱۹۳۷ به اینطرف در تعداد علاوه بر آنکه در اذهان و افکار ورزشکاران دول اروپایی بیش از کشنه ای را بجا می گذارد زمینه است.

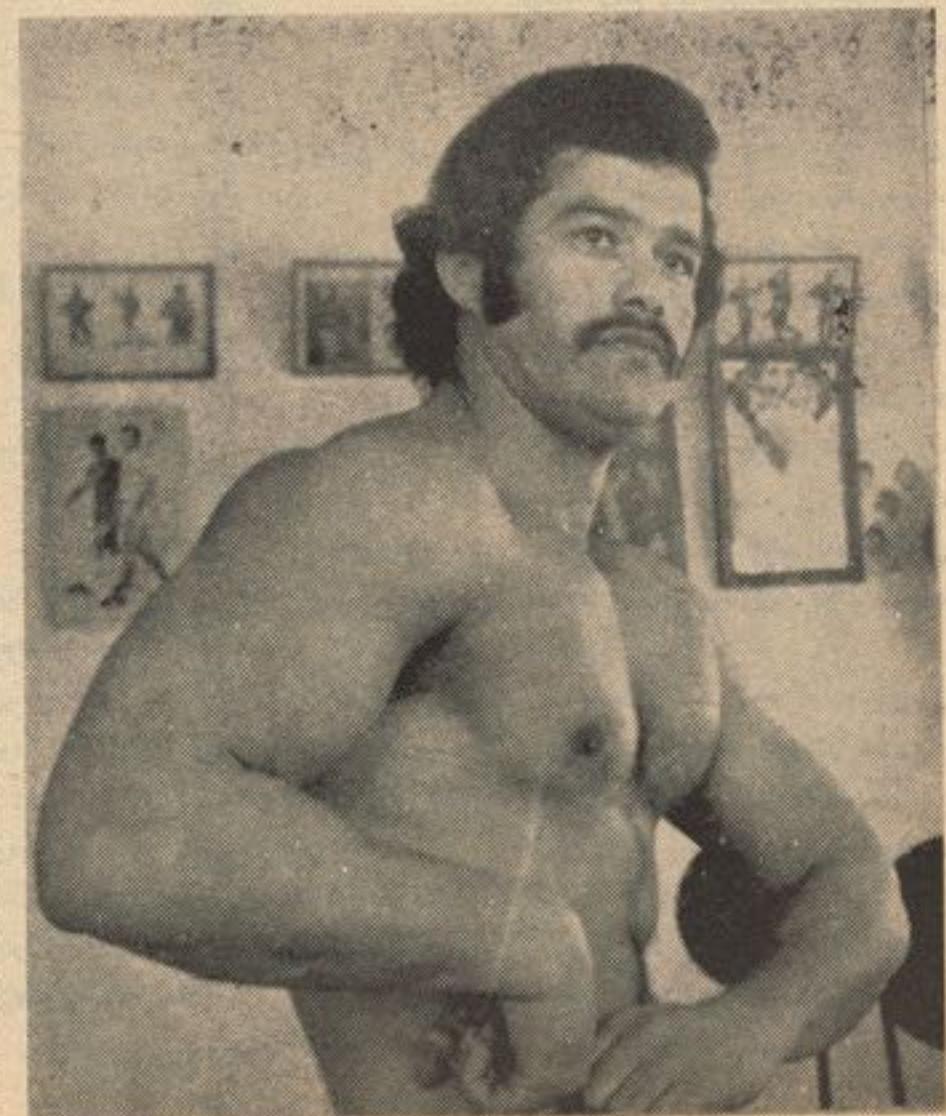
در حقیقت اصل و اساس زندگی کردیده است. به عقیده من یک حرکت و جنبش است، سکون به معنی مرگ و نیستی، زندگی برای ورزش کار باشد تمام توجه خود را به مردم که حرکت میکنند و میشنا بند مفهوم واقعی دارد و از آن لذت میبرند.

اصل حرکت وورزش امروز، اصلی است مسلم و انکار ناپذیر که ورزشی میگردد دوری نموده و صرف اینبات لازم ندارد.

اگر نور خود رشید منبع فیاض زندگی است، ورزش هم آفتابی است که زندگی را رو نمیدهد.

آنکه در ورزش موافقیت های نصیب شده اند و تو نسته اند خود را در قطار ورزشکاران شا مل سازند، آنرا مفت بدبست نیاورده اند رحمت کشیده اند، انتظار برده اند مشقت کشیده اند و تمرین نموده اند هر وقت دیگر رونق یافته و بیشتر جوانان به آن علاقه مند شده اند. ازین جاست که هر جوان نظر به علاقه و استعداد خود یکی از رشته های ورزش در کشور مان از هر مسابی برده و باخت آن گذار گذاشته شود، ورزش اهمیت بیشتری داشته و دارای مفهوم عالیتری است. و از همین جهت ورزش در کشور مان از هر وقت دیگر رونق یافته و بیشتر جوانان به آن علاقه مند شده اند. ازین و استوار باشد به یقین میتواند آنرا بدبست آورد.

من یعنی یک ورزشکار عقیده دارم که اخلاق برای یک ورزشکار از همه بیشتر لازمی است زیرا همان طور که جسم ورزش کار در اثر ورزش رشد می نماید، اخلاق نیز متناسب به آن رشد نموده و از غرور بپر هیزد.



غلام حسین اکبری

رسیجا کلص مرشکن

مترجم ژرف بین

پست‌جواب داد:

- بخاطر کوفته های خام و ماهی بد عزه
خانوش باچشم انگل الودش به طرف پیتر
نکھن انداخته و دستش بسوی دستکول رفته به
بالین یول هصروف شد.

میبین عزیزم کجه جنجالی رونما گردیده..

خانوش باچشم انگل الودش به طرف پیتر
نکھن انداخته و دستش بسوی دستکول رفته به
بالین یول هصروف شد.

و در آخر هز دعوای بزرگ وجودی باوالا
منیجر هوتل سرینجده باوجودش را بلند کرد

وقتیکه مدیر صاحب محاسبه از مرخصی
برگشت ویشنیده مامورین را ملاحظه کرد

گفت که اونی توانده همچو خرج های بی معنی
را از بول دولت منظور کند. بنابران از شما

با لآخره باید عرض کنم که بنده بی حذف

کشیده ام و چقدر وقت را صرف بدلگویی د

بدهیه سرایی نمودم!

وعلاوه ازین همه کارهای نان لطفا ده
لیره لطف بفرمائید.

و آلا دیری بابندل کاغذ هابازی گرده یکی

راتا و دیگری را بالا کرده بولیا ش داده به
شمرده با لآخره ده لیره را به الکسی کاسیانین

به گراحت تقدیم گرد. و گفت:

سیداین حساب شیطان هم نمی تواند

نزدیک نموده باصدای قاطعی گفت: شما پنجاه

روبل باید بپردازید پسترو ویج به آ هستگی

نمی باید وقت راضایع کنم و حتی یول هم باید

بدهم ... بادست بطرف پیتر اشاره گردیده باز

رسوستان خارج شد.

الکسی جواب داد:

- بخاطر دعووت، فی نفر ده روبل، چون شما

موضوع از جه قرار است و نکش سفید پرید

رنگ از رخ پیتر پرید. روی پیشانیش و چهره اش به همود هایی می ماند که گویا ز

ظرف آمرس اخطار شده باشد! آنهم اخطار جدی

قدرات عرق هویداشد.

و در حالیکه یول هارامی برداخت گفت:

پیتر باعصبانیت گفت:

ساده ای اجازه بدهید ... ای ای ای ای ...

دوست است، این حقیقت دارد که مصارف

این دعووت را مدیر محاسبه منظور نکرده

است.

الکسی قاطع تر گفت:

- نه منظور نشده بود. مدیر صاحب محاسبه

آنرا منظور نکرده گفت که این مصرف بکلی

بیجا اسراف تلقی می شود. بدینتر تیپ

از شما خواهش نمدم که مبلغ پنجاه لیره ه

هنوز نبرداخته ام. و از جیش ده روبل

بپردازید.

ولی این عمل اساسا مجلس ماراتو هیین

گرده میدانید چه میگویم تو هم گردد... ماهمه

نفس عمیقی می کشید گفت:

اهانت شده ایم. و رو بطرف خانمش گرده گفت:

(او لکا جان، باید یول دعوی داد)

چشم های هز خرف گهنه عقل و نه قلب از آن

دستفید می شود یک مصرف بکلی اضافی و بجا

رامنلور کرد.

پیتر دازیم؟ چه و بپردازیم؟

دعوت

دعوت درینکی از رستوران ها برپا شده بود.
واسیل مترو و بیج که امروز سالکرد کارش میباشد
مجبور شده دعوتی به افتخار دوستان و همکاران
نرتب دهد.

لیسم سرم الودی گنج لبس نفس بسته و
رفقا بیون آنکه حالت درونی اورا در نظر داشته
باشد از دستش نمیگفتند و به صدر مجلس، یعنی
عقب هیزان، اورا جا دادند.

همینکه جامها لبریز شد الکسی کاسیانین
که در جه سرمه کردن مهمنی ها و دعوت ها بالای
رقص و همکاران خود مهارت داشت و در همه
جالس بعهد حق میداد که مجالس را بایانات
به اصطلاح خودش آشیان افتتاح کنید بر
خاسته و مانند اینکه خیلی ها مضرب باشد

کیلاس خود را بلند نموده فریاد برآورد:
دوستان ارجمند! پیتر مقنده است، من
عیج ترسی ندارم اگر این کلمه زیبا را به
او نسبت می دهم، فعالیت ها و عرق دیگری های
این دعوت ماکه امروز سال مأموریتش را چش

من گیریم قابل توجه است.
خنده نمکین و حجاب و حیای او بی خده مقول
ویسته دیده است. هایین دعوت گرامی خود را
دوست داریم و بخاطر صفات حمیده اوجامیای
خوبش را تنه سرمی کشیم!

یک بار صدای گیلاس هاکه بیم میخوا رد
تصاعد شد و بدنبال آن نفس های مدعوبین
نگوش رسید که متعاقب آن فورا بخوردان غلنا
آنگز نمودند.

بعد از آنکه گیلاس هایار دوم پرسید و
والا که در بدله گویی معروف بود از جایش
بلند شد و درحالیکه یک نوش پیاز را پیک
میزد چشمهاش را تنگ کرده گفت:

میدانید رفقا، من انسان گودنی هستم
لخت برانی و ادبیات فوی از من ساخته نیست،
عروقت بخواهم چن شایسته ای به کسی
بگوییم از همچوارانم کمک هیخواهم، این عادت

از دوران مکتب بامن یکجا بوده است ..
آنایکه دور هیز نشسته بودند تبسم کنان
با حسنهات خیلی گرم برای والا کف زدند.
والا هم سرشن را به رسم احترام یائین آورد

و به گفتارش ادایه داد:

معاون صاحب محاسبه که شخص خودشان هم
همینجا تشریف دارند، فرمودند که نظر به
ماده ... تمام مصارف را میتوانند سه ماه
می بردند...

سازین لحاظ است گه شعری از یک هم صنف
خود را که درمورد پیتر ماسرو و میخوا تم
((عاشقت هستم، پیتر زیبایم ...)) بیل او
حق بجانب بود آیا پیتر مارزش اینسان دارد

ازدواستاری

حقیقت از نگاه خکا من تویسان
اگر قصد آزار همای یکان را دارید، حقایق
مریوط به آنها را به همه بگویند.

(پیتر و آرتیبو ایتالیایی)
کریچه حقیقت کمیاب است ولی همیشه
عرضه آن از تقاضا بیشتر بوده است
(جاش بلنیکر امریکایی)

اگر حقیقتی در جهان بیان شده باشد بوسیله
کودکان بوده است و پس
(دو گلدم چرالد الگلیسی)
راه و روش من در لطیفه کویی آلت که
حقیقت را میگویم زیرا خود حقیقت خنده دار
ترین موضوع دنیاست و اصولاً هردم حقیقت
به آن چیزی میگویند که هیچکس نتواند آنرا
پاور کند.

(اولیور هولمنز امریکایی)

به انتخاب شهناز عادل - الیاس

انتخاب از: فریده سبا بخشی

تنها

عنان زکف شده ام صبر و اختیار ندارم
درین میان من غمده دیگر نگار ندارم
بهر که مینگرم در گنار یار خود است
جه دیده ای زمن خسته ای نگار فریبا
که رفته ای زعیر تو من قرار ندارم
بعز جوانی خود را که شمع راه تو گردم
چی کرده ام که بنزد توانعتار ندارم
 تمام عمر شدم منتظر که نزد من آلی
کنون زدوری توتاب انتظار ندارم

از: فضل هادی محصل طب

مهربان

خلوت در انجمن گنم و شاد مان منم
با فکر و بیاد یار به کار جهان منم
شکر خدا بیاد مه میربان منم
دیوان من رشکوه جور و ستم تپی است
سر داره و فای تو تابت فلم شدم
تا درره و فای تو تابت فلم شدم
این شوق همراهی گند آنجا روان منم
از جور روز گار توقف نمیکنم
حقاً خیال روغه رضوان شد از سرم
ایندم که خوش به کابل افغانستان منم
از نیستی و فقر شکایت چرا گنم
باطح باک و روسن و فکر جوان منم
خاموش کسی نسوم به بهاران آرزو
هم نفعه باز رانه این بلبلان منم
دانم که پیش مگز نروی وقت میزود
زان در خصای سیر و گذار زمان منم
(عادی) بهار میرسد و پس مگو دگر
بارنگ زعفران و قلب خزان منم

پیمان

از یونس پیشتر

بیا! بیاو بامن بیمان وفا بیند!

بیا! ای معشوقه زیبایم!

مرا بزندگی اعید وار بساز ،

بیا!

بیاو بامن بیمان وفا بیند!

بیا! بیمان بستن :

عهد بستن باخوبیختی است ،

متخد شدن با آرزو است ،

ویکی شدن با سعادت است .

بیا! بیندیش که بیمان بستن گناه نیست!

بیا!

بیاو بامن بیمان وفا بیند!

بیا غبار اندوه را از لوح ضمیرت دور کن!

بیا صدای روح را بشنو!

بیا و عمری رادر گنارم بگذران!

بیا ایا ای دلدار نازنین!

بیا! بیا قبول کن که بیمان بستن گناه

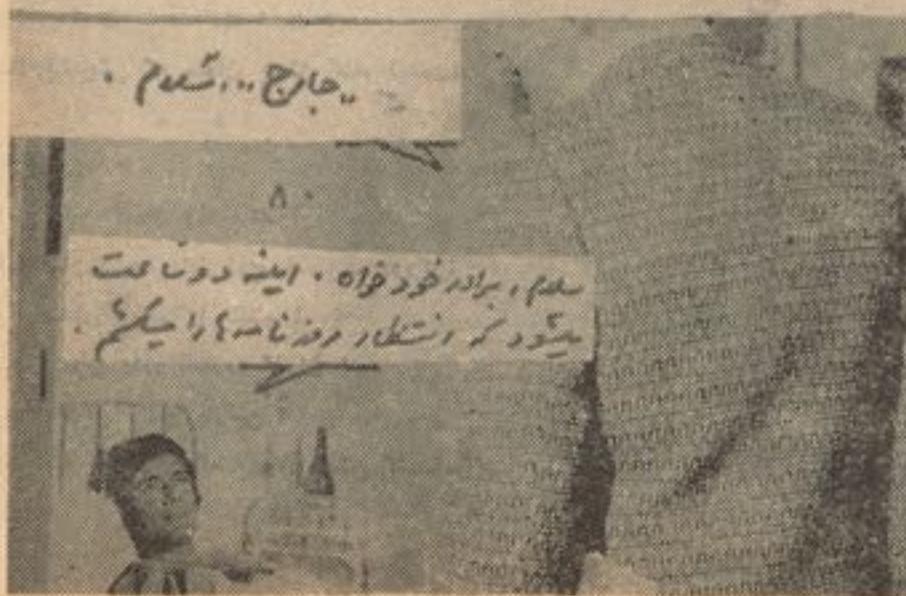
نیست!

هوس

ترجمه و تنظیم از: قاسم صیقل-

نا اینجای داستان خواندید:

(زان) به خانه دوستش (بیتی) او را نزد دوستانش میرد واورا به ایشان معرفی می‌کند در ضمن این معرفی (زان) با (بر نا در) دوست صدمت (بیتی) آشنا می‌شود. (بر نارد) بعد از گفتگو با (زان) از وی خواهش می‌کند که به خانه‌اش برود. اما (زان) این خواهش را رد می‌کند. فردای آنروز (زان) به خانه می‌باشد (بیتی) نزد (بیتی) ماید واز او میرسد که آیاگاهی عاشق شده است و اینک دنباله داستان:





خبر دلچیپ چیست؟

پدر و مادرمان با هم شاجره
کردند ایند، پدرمان درین
خواهی اش را تعقیب نمیکند.



صله که بیشتر چیزی برای سلطان داری

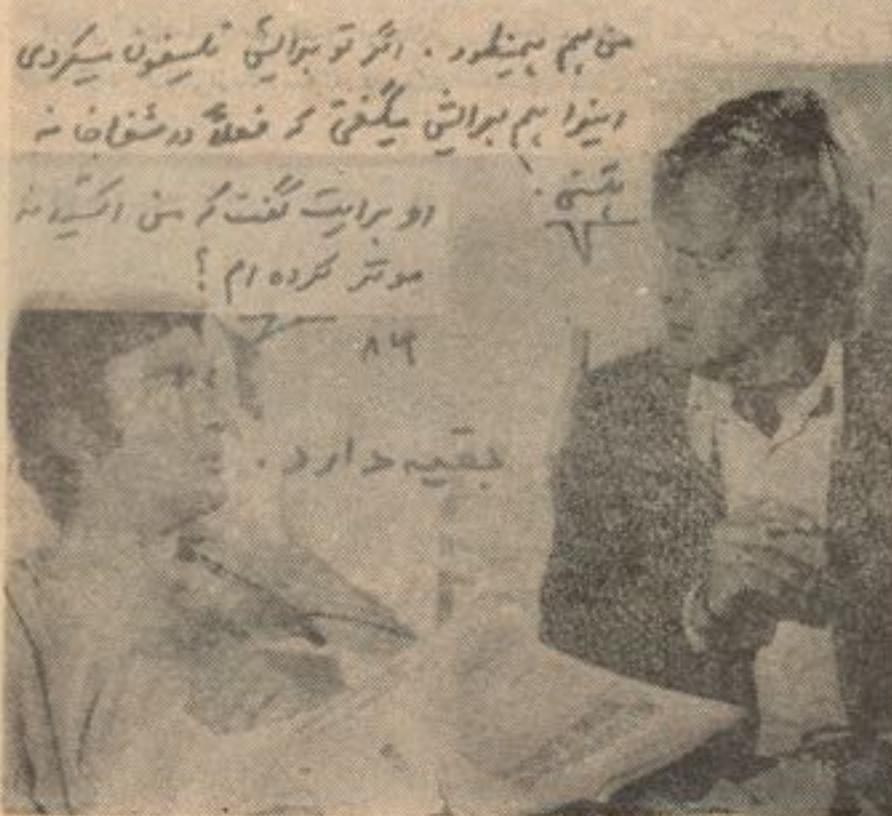


بله، مثل همیشه، آه! فراموش نمیکنم
تجددم یک ختر بیام درخواه... برایت تلفنون
کردند بود... او گفت که امروزه صحیح
برایش تلفنون نکرده بودند.

که رفته؟



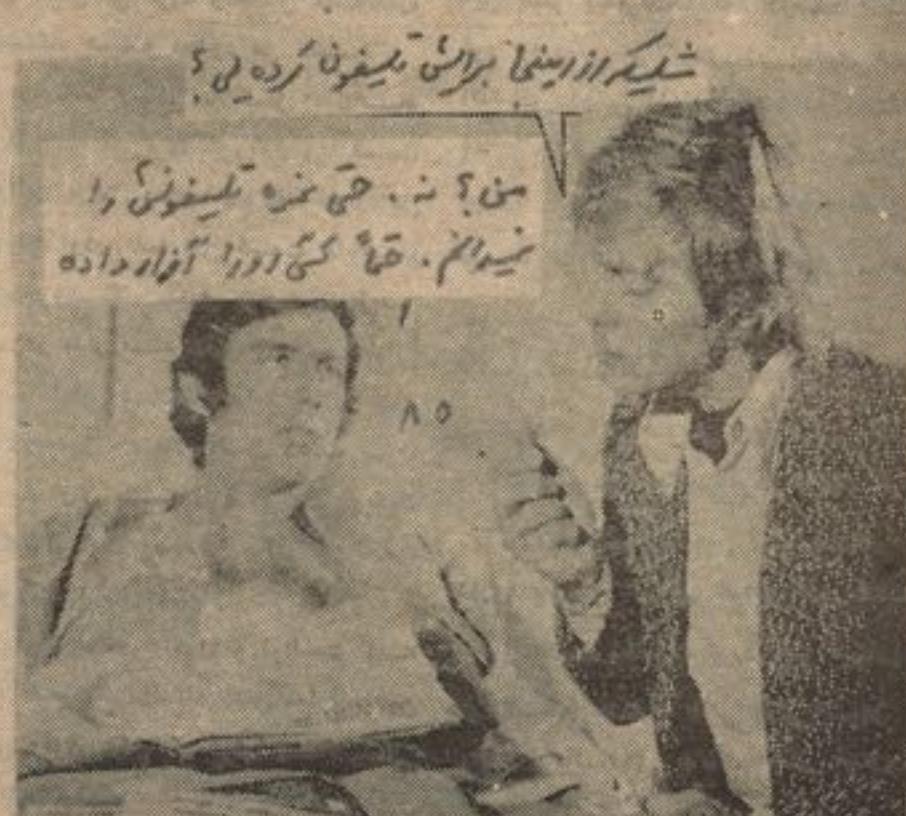
ساده مان، یکی غذای لذتمن برایم او پیخت.
و بعد پاییم آشنا میکند.



خوبم بینید. اگر تو براش یک تلفنون سیکردی
و سیم براش یکنی که فعلاً داشت خانه
او را بیت گفت که من اکنون نه
موتر نکردم؟

۸۴

جستیه دارد.



شیکر از رسماً برای تلفنون نمودیم؟

من؟ نه، حق نمود تلفنون که داشتم... حقاً کسی اور از آنها در داده

۸۵



در جهان داش

ترجمه از دیپلوم انجمن سرومدی

دستگاه‌های مداری برای ده سال یا تبدیل شدن ۱۱۲ کیلومتر فضا نورد درین مدت در مدار زمین در آینده فعالیت خواهند گرد.
بوجود آوردن قوه چاذبه مصنوعی در دستگاه های کیهانی ممکن می‌باشد در مدار زمین در بدنه دستگاه های کیهانی برای فضا نورдан یتاعتاگاه‌پای مخصوص ساخته خواهد شد تا وقت خطر بازنجای پناه برده بعد بزمین مراجعت کنند سفایر کیهانی مخصوص در آینده شناخته خواهند شد.

ستگاههای عظیم مداری آینده

فلا سفینه کیهانی سایوز - ۱۷ بادستگاه
مداری سالوت - ۴ یکجا در فضا کیهانی گردش
نموده و فضای نوردان اتحاد سوروی تحقیقات
علمی خویش را در بدنه لابرآتوار کیهانی
سالوت ۲ انجام میدهند . به کار های فضای
نوردان وزحمت دانشمندان ، طراحان ، انجینیران
تخیلگران ، کارگران و تمام موسا تیکه در
آماده ساختن و علمی ساختن پرواز دستگاه
مداری علمی سالوت - ۳ و سفینه ترانسپورتی
(سایوز - ۱۴) حصه گرفته بودند حزبیو
حکومت اتحاد سوروی اهمت زیادی قایل است
در پهلوی دانشمندان و متخصصین یک
عده کشور های جهان پر ابلمی را طرح می
سازند که با ساختن دستگاه های بزرگ و عظیم
مداری ارتباط محکم دارد و اینجا سه راه موجود
است .

دستگاه های کیهانی در فضا تعلیقات
می، نهایتند.

فلا سفینه کیپانی سایوز - ۱۷ بادستگاه
مداری سالوت - ۸ یکجا در فضا کیپانی گردش
نموده و فضای نوردان اتحاد سوروی تحقیقات
علمی خویش را در بدنه لابرآتوار کیپانی
سالوت ۸ انجام میدهنند . به کار های فضای
نوردان وزحمت دانشمندان ، طراحان ، انجینیران
تخیکران ، کار گران و تمام موسا تیکه در
آماده ساختن و علمی ساختن پرواز دستگاه
مداری علمی سالوت ۳ - ۲ و سفینه ترانسپورتی
(سایوز - ۱۴) حصه گرفته بودند حزبیو
حکومت اتحاد سوروی اهمت زیادی قایل است
در پهلوی دانشمندان و متخصصین یک
عدد کشور های جهان پرابلیمی را طرح می
سازند که با ساختن دستگاه های بزرگ و عظیم
مداری ارتباط متحكم دارد و اینجا سه راه موجود
است .

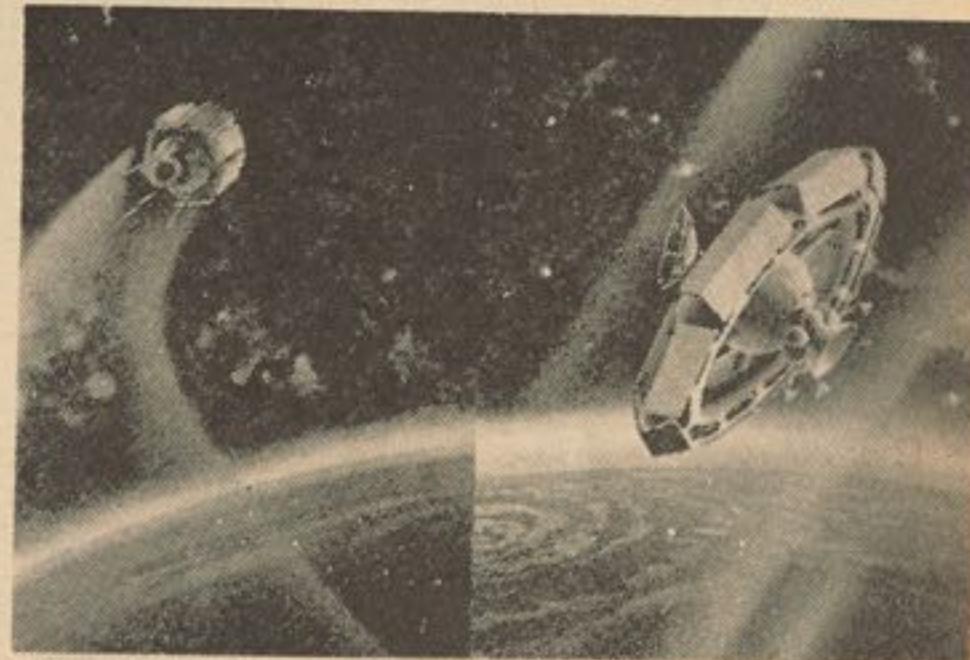
اول : دستگاه را می توان بصورت بسته
ومانع از شده بهدار نمی : داخل ساخت و فضای

اول: دستگاه راهی توان بصورت بسته
ومانთاز شده بهدار زمین داخل ساخت و فعلاً
هم از بن طریقه استفاده هی گردد طبعاً اندازه
وزن دستگاه نظر به قدرت راکت انتقالی
هنده آن تعیین هی گردد و بهمن علت اندازه
وزن دستگاه عمیشه محدود هی باشد.
دوم: دستگاه کیهانی به شکل بلاک هاو
قسمت ها تهیه هی گردد هر بلاک و یا قسمت
ذریعه راکت انتقال دهنده جداگانه بهدار داخل
ساخته شده و در فضا این قسمت های با هم
وصل شده و دستگاه مداری بوجود هی آید.
سوم: در هدار بسته گاری در فضا کیهانی
عناصر ساخته مانی دستگاه وسایط و بلاک های
دستگاه ذریعه راکت های انتقال دهنده برده
میشود بعد از آن با استراک فضا نور دان و یکمک
سفینه کیهانی مخصوص که برای این مقصد
مجیز گردیده است بسته و مانთاز هی گردد.
در آینده نزدیکی مخواهیم توانست که

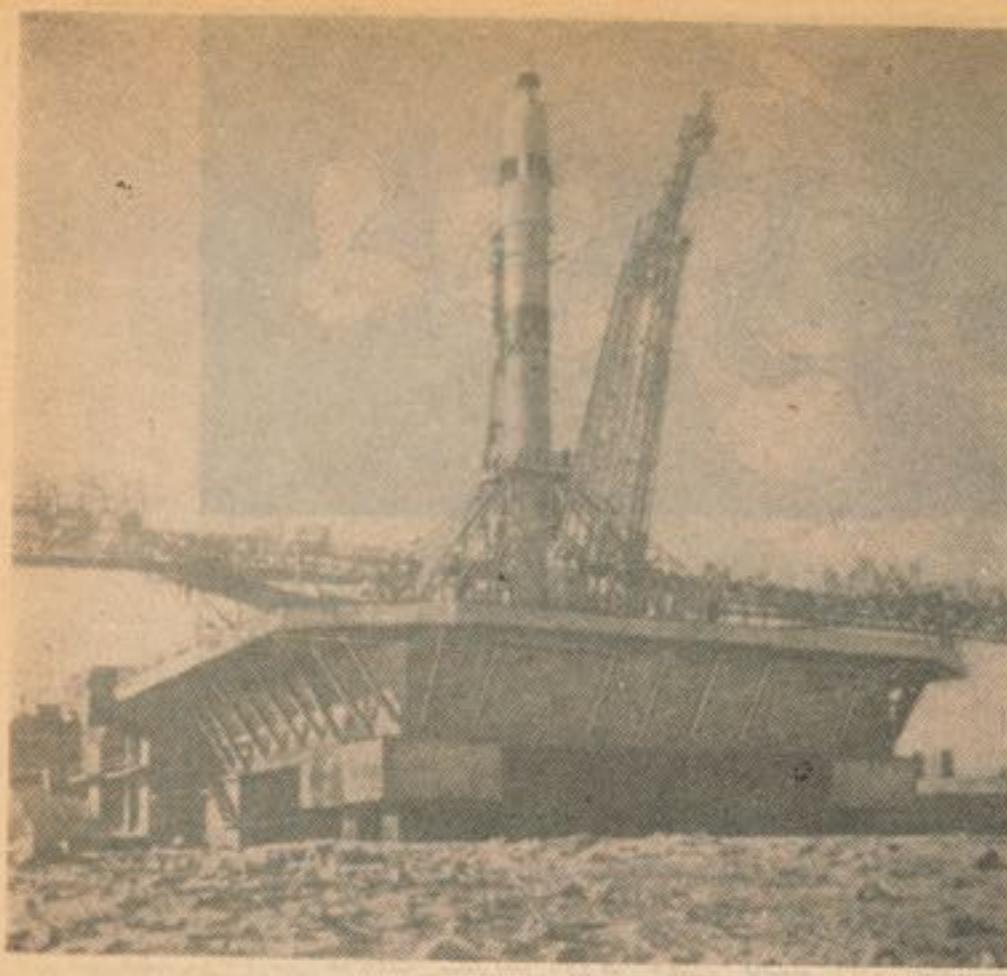
راجع به طرح و پیهودستاه عای مداری چندین مقصد بی و فوق عقیم که برای عمله گیهانی
۷۰- ای نور دشخیز داده شود بحث
کنیم.

ناختن دستگاه های مداری (سالوت در اتحادیه شوروی و سکای لایب در ایالات متحده امریکا) رحله میم ویر مسولیتی را در پیشرفت فضایوری هردو کشور جهان ملی کرده و می نمایند. بنین قسم دستگاه های مداری می توانند هم در رژیم اتوهات و هم در رژیم پلیس دارتعالیت کنند. دوین قسم دستگاه ها فضانوردان می توانند تحقیقات و مطالعات دوام دار خویش انجام بدهند با استفاده از دستگاه های مداری ارزشی را آنها با خود بزمین آورده اند دستگاه سیاره زمین از طریق کانال تیلو متی. به زمین مخابره گردیده و معلومات علمی پر از مجهز ترو تکمیل تر «سالوت ۲» در رژیم اتماتیکی فعالیت کرده و اجازه داده است که تمام سیستم های جدید آن را معاینه گردد و یک عدد تحقیقات علمی را تجلیم داد تاچندی قبل دستگاه مداری (سالوت ۲-۳) در فضا کیهانی مشغول اجرای وظایف محوله خویش بوده و فعلایا نورانی و دارای میزان مغناطیسی بسیار کم است.

اولین دستگاه آزمایشی کیهانی از طریق
تمصال سفایین کیهانی مداری (سایوز-۴)
سایوز - ۵) در جهان ساخته شده بوداین
سفایین کیهانی اجازه داده است که یک عدد
مسایل مهم فضای نورده را از قبیل اتصال
سفایین کیهانی در فضا آمدن فضای نوردان از
تحقیقات علمی تغذیکی، طبی و بیو لوژیکی را
درین فضای آزاد کیهانی از یک سفینه به سفینه
انجام دادند.



دستگاه مداری بین‌المللی «فانتزی» و قیم مصنوعی انتر کوز موس در جریان برداشت



در گردش بسیار تیز سفینه کیهانی قادر به اجرای فعالیت صحیح نخواهد بود

می باشد قادر به نجات و رساندن فضانوردان

به ستاره زمین نباشد .

موافق تابعه دولتی ایالات متحده امریکا

نجات دادن عمله کیهانی در اثنای بروز

توانند حتی بسیار ماهما فعالیت نهایند .

می باشد مکرر درین شرایط ساختن قوه

جاذبه قابل تابعه اینکه ازین تابعه ناگوار

جلو گیری کنیم لازم است که گردش لا برآتوار

بطی باشد مکرر درین شرایط ساختن قوه

جادبه قابل تابعه فقط در مسافت زیاد از محور

گردش ممکن میباشد یعنی دستگاه باید دارای

ابعاد عظیم باشد بدین صورت خواص مشخصه

اهمیت میباشد . در بدنه دستگاه شاید پناگاه

بردن درجه امنیت برواز انسانها به فضا

کیهانی دارای اهمیت زیاد میباشد ازین

موافق نامه ساختن ترتیبات اتصالی و جهاز

نرذیک شدن مشترک برای سفایران کیهانی

و دستگاه ها شامل میباشد .

باقی صفحه ۸

مکانیک اسکندر

از ایشان مشوره مخوا وفوری در

بنای حصاری که در نظر داری اقدام کن

سپس اسکندر به اعماد حصار شروع

گردید بدین ترتیب اولین ذ م استحکم

یونانی را در خاک های الفا نستان و در

حوزه هری رو در بنایهای که در ماخت

یونانی بنام (اسکندر یه هریوس) یا

(اسکندریه هریون) شهرت دارد و میتوان

آنرا اسکندریه حوزه هری رو دخواهند .

این حصار مستحکم کانون تعریف

دسته ای از سپاهیان یونانی گردید

مدتی مشاور نظامی اسکندر (اناکمد

یوس) در آنجا تقری داشت تاریخی که

اسکندر از حوزه هری رو بطریفراه

روان شده مشاوری وی در این رکس العمل

معلمیون هرات بقتل رسید .

وقایت شد که طبق تابعه خلاک

نموده آن به یونان فرستاده شده بود

باشد کان حوزه هری رو و ده استقرار

بیگانگان در دیار خود راضی نبودند .

و با تهاجمین به تکرار جنگیدند .

باقی صفحه ۳۱

قصه از غصه ها

تجویه شو هر تان را به حال خود

و فر زندان تان با زبانی که بتواند

او را و آگاه سازد و در دلش اثر

بکذار جلب کند و از عاقبت کاری

که جز نداشت نمی خواهد داشت

او را آگاه بسازید فکر میکنیم این

بلای نیامده از شما رفع خواهد شد ،

در غیر آن مراحل قانونی هم است

که امروز میتواند بیاری و دستگیری

شما و فر زندان تان بستابد .

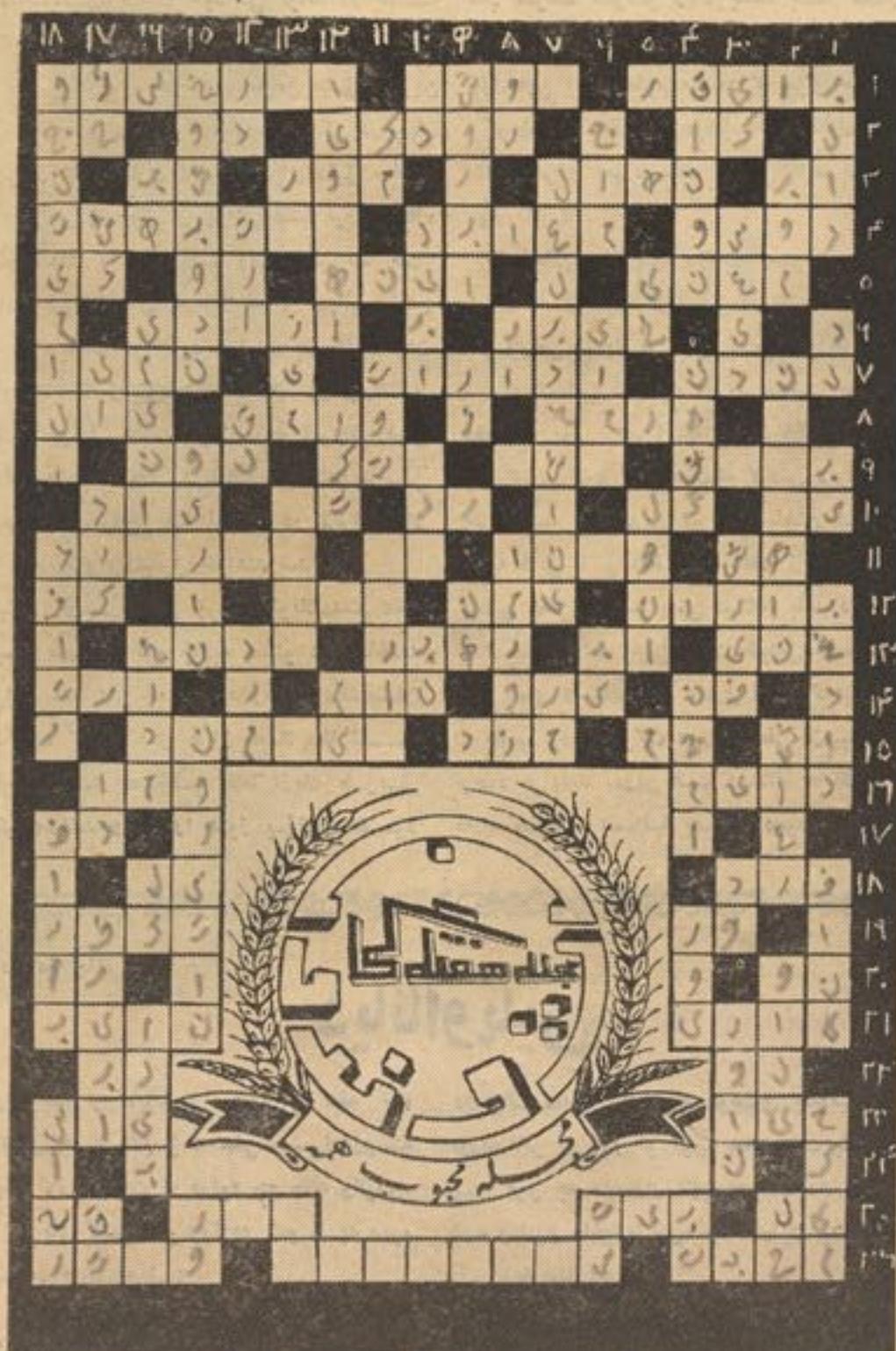
باید کو تاه شدن عمر غصه هایتان

دیانا و پاین

دواجه غلی و دیانا برته لدی چه همه نه
او ردمیانو به زیو نو کپس همه وخت بکس
پیدا کوی چه دغه راز ناویه حوات دهفشوی
لهنه و نغایر تاخویما سره مینه درلود نوداولی
اوی زما مینه غندی ؟
نه بایدو بوهیزی چه سبا ، زعاد محکمی
ورخ ده .
گرانی محکم زمونر دینی سره خس
ارتباط لری ریستی ماوویل چه زمونر دینی
سره آیا داحق هی درلود چه داسی هی
وبل واکه نه باید ویلی هی واک چهزما
دینی سره ؟
المر زمونر دینی سره
نو یه دی چول تاخوی معحبه بی او تل
به زما ، وی ؟
حتی که به محکم کپس خرگنده کپی چه
مادروغ ویلی او خرگنده کپی چه هادیاین
سره لاس اجوی او خرگنده چه همه زما ،
بدایسید ماونه هی غوبتل چه زعادمورخواه
لایشی همه می له زینی خخه غورخولی اود
میریس سبب بی زه شوی یم .

لیلیک حرف

میرعلی



طرح کننده: صالح محمدکبیار

محلى دخترش در دیوان شاعران تو صیف شده - مجذور سه -
زحمت ساز پارچه های گرانبهای قدیمی - دو شیدنی - دیگر (بشنو)

- ۱۱ - بسیار نیست - از میوه های بهاری - سیاره مریخ - ۱۲ - از منابع

ویتا مین صنعت آر تستها - دردگان مسگری بجو یید - ۱۳ - معکو سش

بداست هیز وارونه - از میوه های کوهی - ماه کو چک - ۱۴ - ضد قبول

- تیشه دادم که هیز م شکن نکتم که دیوار مردم بکن - امر از

کفتن (عربی) واحد یول در ۱ یام قدیم - ۱۵ - سرور - خراب - یکی از

مکان است - از خیوانات بحری - از داستانای مبدل عامیانه - یکی از

فلزات - لقبی که شاعران گاهی به معشوق خود میدهند - ۱۶ - در -

زمستان بی قدر است از سفینه های فضائی - ۱۷ - مثارش معروف

است - خیمه های بی ترتیب - بس است از آنطرف شش است (عربی) - ۱۸ - شعرالب یار را به این سنگ تشبیه کرده اند - از زمین کفرته

شده - ۱۹ - دروازه (بشنو) - راه بسی انتها - روز حاضر - ۲۰ - مسوب

جدول کلمات مقاطع

افقی:

۱- اسماعیلی بزرگ از بلخ - راگت - واین هم یکی دیگر از شعرای بلخ
است که درین هفته سیمعنیاری راجع به زندگانی او دایر شده است امادر
اینجا یک حرف از نامش کم شده است - ۲ - کار ناقص - ناظم کلیله
دمنه - عددی است - یکی از فرایض دینی است اما بشرط استطاعت
- ۳ - مشهور ترین مارهات درین روزها وقت کاشتن آن است -
حشرهای که بستکارش ضرب المثل شده است - روز نیست - ۴ - یکی از
فلسفه مشهور فرانسه - عبادتگاهها از مشنیهای داشتندی امیر
حسرو - ۵ - مفهوم لفظ عیب مارا ببرو میگوید - امر از رفتن - چه
 وقت؟ - ۶ - تکه ای مشهور است - زندگی بدون ان از مرگ بدتر است
- ۷ - مرکز یکه از کشور های بزرگ غربی - جمع اداره - معکوسش در
آمان است - ۸ - خمرة چه شده از عشق افسانه ای - بر گردان اسب
دیده میشود - ۹ - ابن سینا علم و علیه را باید نام نامیده است - جوب
(عربی) حیوانی اهلی است سر نک (عربی) - ۱۰ - در داخل مسجد دیده
میشود - بدون خار نیست - اول - در ممکن است یافت شود - حافظه
- ۱۱ - هوش مختصر - نطق و کفتار (بشنو) - آب میوه (عربی) - شبیخ
اشراق منسوب به آنجا است - ۱۲ - گریه ابر ساز ممالک عربی - موجود
است - بشیت دست نیست - ۱۳ - توانگر - از ماهیهای رومی مقدمد -
معکوسش را نیک زندگی خوانده اند - ۱۴ - هنر و صنعت درختی که
شاعران از آن بسیار یاد کرده اند - از جروف الفبا - هنر خارجی - ۱۵ -
از غذاهای وطنی - جامش معرو و فاست - آن گرفت جان برادر که کار
کرد - کار درویش برادر که ترا نیز خارها باشد - ۱۶ - همیشه - از
آنسو رو دیدست که رود کی ریکش را بر نیان خواند - ۱۷ - از آلات
قدیمی موسیقی - ۱۸ - تنها - صد (بشنو) - ۱۹ - نامور بی نام - تفکر
بی نظم و ترتیب - ۲۰ - کپنه نیست - علامت مفعول صریح - ۲۱ - کمک
- کسی که کار دیگری را بر عهده میگیرد - ۲۲ - به معنی (اگر) می
آید (عربی) - نام دو صورت فلکی است که به اکبر واصغر از یکدیگر
امتیاز داده میشوند - ۲۳ - نصف ایمان خوانده شده - گل نو میدی
- ۲۴ - ... بهلوان - خانه شعر - یکی از خزندگان - قدر میان
نبی - ۲۶ - دوستی - رومانیست از استاندال - این نیز از فلا سفنا
معروف فرانسه است .

عمودی:

- ۱ - شهر و مملکت - شکستن هنر نیست - از ادات گفایت سرکز
یکی از ممالک عربی - تخلص دیگرنوایی است - با حکمت سروکار
دارد - ۲ - مرغی است مفید ولی منور - از زنان شاعره شعرمنی
گوید - زنیس ولایت - از آنسو حل میشود - ۳ - عدد اول خوشبخت -
اصیل گ شرافتمند - عدد دوم - نفس - ۴ - اطاعت و اجرای آن وظیفه
همکان است - از خیوانات بحری - از داستانای مبدل عامیانه - یکی از
فلزات - لقبی که شاعران گاهی به معشوق خود میدهند - ۵ - در -
زمستان بی قدر است از سفینه های فضائی - ۶ - مثارش معروف



جواب پوششها معمای منظوم

نویسده معروف :

عزیز نسین طنز نویس ترک .

نود درنود :

۹۰	۳۶	۶	۴۱
۹۰	۴۲	۳۰	۱۸
۹۰	۱۲	۵۴	۳۴
۵	۹۰	۹۰	۹۰
			۶

- وحالا باجازه تان آخرین پرسش رامطروح

میکنم :

- شهادر جریان صعبت خود در پیرامون

قصه های خودتان گفتید که داستانهای شهادر محتوى خود سورانسانی رامی پرورداند و

انساندوستی را و درجای دیگر نیز اشاره نمودید - من تاکنون رمان نوشته ام که بدانم

که در داستانهای روانی شما آدمهای قصه خود انسانیت هستند و یافتنی از انسانیت، حالا

میخواهم خواهش کنم از میان تمام کار های

خود قصه بی راجدا نماید و زان دفاع کنید و نشان دهد که عهده آنچه را که گفته اید واقعاً

در قصه بیاده شده است .

- به نظر من این درست نیست که یاد قصه نویس وقتی قصه بی رامی نکارد، در بهلوی

آن دفعایه بی هم بنویسد .

در این صورت اور و وقت نگارش قصه بیشتر

به فکر دفعایه خواهد بود تا خود قصه .

به این دلیل شخصاً از همچیزی قصه خودم دفاع نمیکنم و حتی اگر کسی به هرسویه بی که

باشد، از قصه های من انتقاد نماید و یکسره آفرید کند، من هرگز به عنوان جواب هم اگر

باشد از قصه هایم دفاع نمیکنم .

- تشکر آقای رهنورد از جانب زوندون از

شمانتشکر میکنم که حافظ شدید در بحث

میگردد. درحالیکه در داستان کوتاه غالباً یک

آدم در یک مقطع زمانی کوتاه و در برخورد با یک

مشارکت جوید

- من هم از شما زوندون مشکرم .

بطوریکه در شماره گذشته گفته شد، کلمات بیتی که تحت این عنوان آمده است، اصلاً دری است که بشیوه عربی ترکیب شده است ازین قرار :

اناگیر جمع انگور ، ساخت، فعل ماضی از سیاه شدن ، سبزت فعل ماضی از سبز شدن، اشرور نست فعل ماضی از شیرین شدن، تراشیش جمع ترش. بنا برین معنی «ان الان» اگیر ساخت بعد ما سبزت واشر و رست بعد هاکانت تراشیشاً اینست که انگور ها بعد از آنکه سبز شده بود سیاه شدند و بعد از آنکه ترش بودند شیرین شدند .

قصه نویسان

- شما از قصه کوتاه با ندازه کافی سخن گفتید، اکنون میخواهیم ببرسم از نظر شما چه تقاؤت هایی میان قصه کوتاه و رمان وجود دارد؟

- من تاکنون رمان نوشته ام که بدانم نیازمندی های یک رمان در چیست

- نقش هاوپندر ها چطور؟

- فکر نمیکنم خصوصیت های یک رمان را

دانسته باشد. این قصه فقط از نظر کمیت زیاد است .

- بالآخر به قول خودشما رمان خصوصیت

هایی دارد که نقش ویندار ها غاقد آن است، این خصوصیت ها کدام اند؟

- خصوصیت بارز یک رمان کمیت است، بکاربردن کلمات زیادتر قصه . بعد گذشت

آدمها و نجاتیان بیشتر از یک اندیشه در

محنوتی قصه .

از این هاکه بگذریم در رمان زمان نسبتاً طولانی است، محتوای آن وسیع و گسترده است

و حزنات حوادث و حالات آدمهای قصه در

برخورد با همیگر شان به تفصیل تو فیض

میگردد. درحالیکه در داستان کوتاه غالباً یک

آدم در یک مقطع زمانی کوتاه و در برخورد با یک

حادته مشخص توضیح میگردد .

قیمت حروف را تعیین کنید

در شماره گذشته این معماطرح شده بود اما متأسفانه بر اثر غفلت صحیح حروف لاتینی که اصل معماس است از نشر باز مانده بود، ناچار درین شماره مساله رامجد دا طرح مینمایم .

هر یک ازین حروف از لحاظ اعداد قیمتی دارد که از جمع آنها عددی

که بعد از علامت تساوی آمده است حاصل میشود . ترجمه تحت لفظی جمله لاتینی اینست :

چاچا جمع تو یست مساویست به دانس . اما معا ساز فرانسوی که در شماره گذشته بخطا (ماسان) فرانسوی چاپ شده است، منظورش همان اعدادیست که هر کدام قیمت یکی از حروف می باشد، آیا میتوانید قیمت حروف را تعیین کنید؟

CHA+CHA+CHA+TWIS = DANCE

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ا	ان	گ	و	ر	ا	ی	ر	ا	ن	ش	م	ا
۲	م	ل	ا	ب	۳	ش	ا	خ	ن	ش	ش	۲
۳	ش	ش	ش	ش	۴	ک	ر	د	ب	ل	ی	ت
۴	د	ب	ل	ی	ت	۵	ر	و	۱	ا	ر	۱
۵	ر	ب	۱	ا	ر	۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	ر	ب	ت	۱	۱	۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	ن	ص	۱	۱	۱	۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	ب	گ	ر	ش	۹	س	ر	و	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	ش	۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	د	ر	ا	ن	۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	ر	د	ا	ن	۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	ش	و	۱	۱	۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۳	پ	ا	ر	س	۱۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

صورت حل جدول مقاطع شماره گذشته

سلما نی و هر کب

هر دی دهانی میخواست سر ش را بتراند
چون درده خودشان سلما نی نبود ، هرگذش
را سوار شدو به قریه مجاور رفت و آنجا
زیر دست سلما نی نشست . ولی سلمانی
موقع تراشیده ن سر او را مر ت خون میگرد
و دهانی بی چاره از شدت سوزش جراحت
پیغم اشک در چشم حلقه زده بود
درین موقع مر کب دهانی رم گرد و سردار
سامان گذشت.

سلمانی یاسادگی از دهاتی پرسید: چرا مرکب شما رم کرد؟ مردهاتی گفت: بیچاره خیال کرد که شما بعد از من سراورا نیز خواهید تراشید:



بیش بینی هنرمندی برای بازگشت از تصمیم
انتحارا

در زمایشگاه

خانمی که به تماسای نهایشگاه رسامی هنر
رفته بود، هدستی مقابل تابلویی دقیق شد
بعد خیره خیره به تماساگزیدیگر گفت :
این نقاش های امروزی چقدر بسی ذوق
بی سلیقه هستند؟ بین بجای زن، چه غرب
نگرانشده و قیافه مسخره ای رسامی کردند
آن دیگر که به استباء خانم بی برده بود
خنده کنن کنند گفت :

خانم اشتباه بیفرهایند، این تابلوی نقاشت، آینه قدنهاست!!



۱۰- فعلاً كمبودتاً وهم
مأحمد - صاحبِه عماش پيشكى خواسته‌اند.



دزد دزد!

دزدی جامه کسی بندزدید و بیازار برد
و به دست دلال داد گه بفرو شد . جامه را از
دلال نز دیدند و دزد دست خا لی نزد
باران آمد، گفتند :

جامعة رایه چند فروختی؟



شرح بدون

ظرافت

دورویق که در ظرافت مشهور بودندروزی
عنکام تفرج و تفریح از جوار قبر ستانی
گذشتند رفیق او لی از دو می برسمید :
آن مقبره که سبقش افتاده از گیست؟
وقتی بالان دوز است !



زن - مه نهن سکتم که گوهنگردی بدردت
میخورد اگر نی حالی تره به کتابداری کسی
استخدام میگردد!

خواب بخیل

بخلی حاتم طایی را بخوا ب دید که نان به اردم هاده گفت :
ای بن تهیز ! در دنیا اسراف میگر دی، دوآخر ت نیز :

دزره بليل

ای دزده بليله هه پرپرده کوکار
ترانی وايه به شان دموسیقار
دنا بی ده پیستو نخواگی گیسته بورته
دارزو لمر وچت شوی به کپسار
(یوهاند الهام)



ذازوی

دانازولو مینی یم پرزده نتلی
به نازونو بی بی انگاره سو خولی
نوره نه کرم اشایی دنازولی
که هر خوی بسایسته به خوی بساغلی
«خفت»

متصدی: اولس

اوستن ادب:

لری که فه

پدی چویه چویشا کی به ماخیال لری کنه
دیدن تهدی را غلی بیم وصال لری که نه
• • •
مدھوش اولیوئی یم ستا دمینی ای نکاره
در لغور یهول ول کنی کوم تال لری کنه
• • •
خاریمه نیشه من کم قربان ستاله پیالوئه
ناپروھوته دیوھی خه کمال لری که نه
• • •

دشی خوبونه وین او دورشی ناقار ایم
دی خوب تهمی یوکلک تعبیر او فال لری کنه
• • •
لیدونه دی را غلی دی (خباند) له ننگر هاره
پیزوان که غایکی او یامدال لری که نه
شانه علم خباند

خوب لیدل

بیکا من داسی خوب لیدلی
ترخنگانه پوری انگار کی و خته
بیکا من داسی خوب لیدلی
جی ترلمی من گریوان شلیدلی ویده
بیکامی داسی خوب لیدلی
زما دتوولونگین وشلیدل لروننه
بیکامی داسی خوب لیدلی
دلان بنگری من یار په دانک و هلی دیده
بیکامی داسی خوب لیدلی
زما دعیتی یه کور اورولگید نه

دھینی شهادت

لیل نه خاطری دیابان یوسه زما
لھستره کویه دی جارشم به پیسوکی بیدی خا وری
دھینی شهادت چی من باور کمی نازولی
لھسوزو سازه دک دفه بیان یوسه زما
بے وینو سری جامی ورته نسبان یوسه زما
لمبشوم ننگر هاره کی دیلتون لھگرمی زیاده
لھلاسه درقیب دکایا ب عشق سند
حضورته بی داغمونه دھجران یوسه زما
پرچی پرچی دزده دا امتحان یوسه زما
اتر دلیونی مینی له بشارنه زه بھر کرم
دوکور مجاور احمد زیاد

اوستن ادب:

د ماذ یگر او به

دمازیگر او بوره شی یه ستمانه
و پوکی جلی مه کوم بانه
• • •

و پوکی جلی زمددی رنخور کرم
په سرو لمبودی لکه تنور کرم
داستاله لاسه من ذیگی داله داله
و پوکی جلی من کوه بانه
• • •

و پوکی جلی زمددی رنخور کرم
طاقت من نه شی اوس خه دستور کرم
پس مازیگر گودرته شی اوربل شانه
و پوکی جلی من کوه بانه
• • •

شین خال دی ایپنی پاس بر جین
نامردي جلی زه شوم غمکین
او سن دمجنون یه شانی گرشم دیوانه
و پوکی جلی من کوه بانه
• • •

جمبله یاره جلی ده سخته
یاری یس مه کرم واوره گمخته
آخر به سرشنی یه بیابان ویرانه
و پوکی جلی من کوه بانه
ملاغبدالجميل لفمانی اوستن شاعر



طبیب بود و این مسوو لیت او را اجازه نمی داد که دینش از زخم های خودش بسیار درنج ببرد. و به همین سبب به دینش لتو و انوم بک مخدو قوی میداد تا درد بیشتر را احساس نکند هر دوی اضافه کرد.

(بیخشید که اینقدر از ادانه اظهار عقیده من کنم و ای من عقیده دارم که نظرم را سست است، بگوید بعداز آمدن تان دیگر اینجا کردید؟)

از تغیر صحبت آسوده خاطر شدم.
(خوب، امروز در گلبه چوبی گرانات لتوکس دعوت بودم)

هر دی ابرو هایش را بالا کشید.
(او؟ من باید احتراز کنم که شکفت زده هست از اینکه لتو کس شما را در آن گلبه پرارزش دعوت کرده باشد تا گتون به هیچکس اجازه دیدن آنجا راندade است..)

مو جی از خوشی بو جودم راه کشید.
گفتم:

(از همین سبب بود که جنگل بانان از دیدن تعجب می کردند)

مردی خنده داد:
(من شک دارم که آنها از حر کان لتو کس متوجه شده باشند لتو کس نیز مانند دینش به شدت تغییر یافته است. پدرش سعی کرد روح او را خلک کند ولی موفق نشد. لتو کس یگانه کسی است که...)

(یگانه کس؟)
مردی ادامه داد.

.. است که فرار کرد. حالراجع به دادام
باشها خیلی حرف زدم آیا بار دیگر به گاللو
هر دی می روید؟)

(فردا من به نان شب دعوت هستم)
(و من هم دعوت هستم. پس شمارا آنجا خواهم دید)

یک ساعت بعد، در حالیکه مصروف -
بطالعه بودم احوال دادند که دینش گرانات آمد است.

او با شر مند گمی به داخل آمد، با گمک عصاره اه میرفت. او لئک ها باز نشست و یا چیز را هم نظرور شخ دراز نمود. برایش گیلاس شراب دیغنا ندم و گفتم:
(تمام راه را پیاده آمدید؟)

کرد:

(او را همیشه چنین می گویند. و لی شما لو سی را دیدید؟)
(بلی، لوسی بیچاره هنر اجعه او شکفت زده شدم - چرا چنین شد؟)

(او فسیه شدید و سنگینی را متحمل شده است. مانع دانیم این ضربه چه بوده ولی چنان ضربه سنگینی که او بدوران کودکی پنهان برد است.

جبان آرام کودکی؟ راستی این عالمی بود که انسان را از حوادث دیگر دور نمیدارد، مانند من با اینکه اسیر میشود، فراد میکند و یا زیر سنگ پنای قلعه ای بخاره راضی ساختن، ارباب النوع دفن میشود.

مردی ادامه داد:

(این حادثه در یک شبها هالو وین اتفاق افتاد. خانواده گرانک همیشه این جشن را به بزرگی برگزار میکند. شبی که هیچکس نمی دانست چه اتفاق خواهد افتاد. و حتی ای باز تکان سنگینی خورد زیرا هدتا پیش از او خواسته شده بود تا در ب (قبل باگره) را باز کند و در درون آن کدام کسی بیک مجسمه ساختنی مقتوال را گذاشت ارده بود این بیش شیخ به شد تواقی بود. و من فکر میکنم که ضربه لوسی نیز از همینکو نه بازی های بی معنی سر چشمها می فته باشد.

بار دیگر آن شب مغوف و هو تلاک به وفا حت در برابر قرارگیر فت: صندوق -

حاکستر رنگ (قبل باگره) ای بازیل با لباس سبزش که که حواسی آن با پیوست پیشک دوخته شده بود، و دینش که می گفت او باید درب قفل را باز کند. و چنگ های خودم..

مردی ادامه داد.

(دینش بود که او را واداشت تا قفل را باز کند)

(دینش همان برا در در قمی)
(بلی یکی از قربانیان چنگ گیریما او از کاویوس های وحشتا لارنج میبرد. من همانجا بودم که او با وحشت از خوا ببرید و نمی

دانست کجاست و زخمی های سخت اورا رنج میدهد. گسی آنچه میگند که می توانند در حالیکه او صحبت میکرد و می دانستم که مردی تمام مسوولیت حادثه لوسی را بگردن دینش می اندازد. ولی مردی

بخش ششم

شمع های دیگر

در قلب میسوزد

نویسنده: الکساندر روس

موافقه کرد و ای تشابه نام مادونفر -
نحو از مهمنی لتو کس بر اعصاب خویش
کنترول نتوانسته بودم زیرا احساس نمودم که
و توجه که در مرور نگه داشت (جنگل
سیاه) میشد مردی شدت تحت تأثیر قرار
داد فقط در خت یا معنی قطع میشد و بجای
خیلی زیبا بود آورد.

شروع به صحبت گرد.
لکر بسیار عالی بود و زما نیکه نظرم را با
لتوکس در میان گذاشت ام او خیلی از این گرانات ها بوده اید. از صحبت شان لذت
مطلب شیاذشاد.

بعد از آنکه بخانه برگشتم مردی قورباغ
بالاخره گفتم: (من آنها را داشت هنقرام
یافتم. هر کس سعی میکرد بیشتر خود را
مودب هنوز موی هایش سر ختر از خواهش
ای باز بنماید ولی خواهر تان زن زیباییست).
دانستم که مردی تمام مسوولیت حادثه
لوسی را بگردن دینش می اندازد. ولی مردی



چهاره اش در هم پیچید و گفت .
 (بلی.. خواستم تعریف کنم تا فعال بمانم
 عیچکس نمی خواهد به دیگران هنگی باشد).
 (البته درست است) آسم.

(شما اینجا کتاب های کمی خواهید
 داشت. اگر کتاب دوست دارید چرا از گاللو
 (بادم نبود) بعد سر ش را خم کرد و خداحافظی
 نمود. مردی انتخاب نمودید؟)

(چقدر میربان هستند . من کتاب را دوست
 دارم. برادر تان امروز راجع بیک کتاب
 قدیمی حرف زد. یک کتاب که در آن حوادث
 کلیسا تبیت میشود . و در آن افسانه ای از -
 قلعه می برد ولی یکبار سعی نکرد مرابعه
 شده. هلن ، هلن کمین) آناق شکجه ببرد .

فکر کردم که این کار را برای جشن
 ها لووین مانده است . خانواده گرا نست
 تصمیم گرفتند تایکی از جشن های غیر
 معمولی را بخاطر خوش نگه داشتن من بربا

دینس گفت :
 « حقایق درست بنظر می آید . این وقت
 درست بود و بعد از آن حاده دیگری می شد .

برگشتن بوقوع نیوست . بجز از حاده
 غیبت پدر دختر . او کمی بعد تر از دختر

کم شد . نسخه قدیمی می کوید که به شدت
 خشم گرفت و آرام نگرفت تا طفلش را بینا

خواستم ترس آتش بآبرو یش بیاورم . ممکن
 آن حاده زاده تصورم ، باشد . دینس به

وجود آورد . فکر میکنم او در نزدیکی های قلعه
 جاییکه گلکاران و نجاران کار میگردند توسط

کرانت تحت نثار بودند رفته واژ غضب که
 باز در وجود زبانه میزد و فکر میکردم که

داشته فریاد نموده گه همه چیز را میداند
 سرگزیک بزودی از قلعه رخت بر خواهد

بعد... در چهاره اش نه نفرت و نه ترحم
 خوانده میشد ولی پیشا نیش مملو ازدانه

میکردم تصور نمایم که باد یعنی ازدواج گرده
 ام ولی در این تصور فقط ترحم وجود داشت

اش درد سختی راه یا فته است او از مرد
 شر هنده وسر بز پر که چند لحظه پیش بداخل

اتاق درآمد، تبدیل شد حتی تیسعش رنگ
 خشونت داشت . میدیدم که دستش هایش از

لیدی گران نشان خواهد داد و خواهد
 فرمید م که بسیاری لباسها را می شناسم .

سهمگیش در درونش برای افتاده و راه خروج
 شکل آنها همچنان خواهد مملو م میشد . من

کلاه گرد خز طلا بین گه ذیر آن موی هایم را
 کردم . و بعد از او یک بچه رنجیده بجای هاند .

پنهان کردم بسر داشتم و رفتم .
 خانواده را در اتاق سالون یافتم و لی بسر

فرسا بین دارد و ممکن این یکی از همان درد
 سپید بتن داشتند . مهمن های متعدد آنجاز

قلعه های دیگر هم آمده بودند و در جمله آنها
 مردی برادر ایزا بل هم بود .

لتنو کس بسوی من آمد و دستم را گرفت .
 (تو باور نمی شود ، من از هدتها پیش
 دادو گفت .)

(شما محترم ترین کسی هستید گه من
 آن لباس رامی پوشیدم . بین تو کمی عقب
 تا حال دیده ام .)

(من رامی گویید؟) وجود راه وحشی تر حمی
 (چرا لباس های قدیم رانبو شیدی؟)
 (ساده است بخاطر اینکه هیچگدام آنها
 اورد هبود یک لحظه پیش او کا ملا دگرگون
 بجان من برابر نیستند . من بسیار گلان
 شده بود .)

گفت :
 (دینس کجاست؟)
 (بار دیگر در دبه او حمله نموده است .)

(فکر میکنم برو م، بپرس است)

من و تو اتفاق افتاد . ولی این یک احساس
 مردی برایش دوای زیاد تر آورده است . فکر
 میکنم چند روز بعد او خوب شود و هیچ چیز
 بیادش نباشد . ولی تو اینجا نیا می تانیم
 شب راجع به دینس گپ بزنی . بیاپیش از نان
 شکار ارواح کنم)
 او دستم را گرفت واز درون دروازه باز
 بیرون گشید . (من فکر میکنم که اگر تو نمی
 زیر دامن راه گشید و تمام وجود م را -
 لرزاند .

بودی هاجتن نمی گرفتم . ولی می دانی
 من فکر میکنم که این حاده یک بار دیگر برای

(ادامه دارد)

زمن درخت و بته هاغرس خواهد شد . درین به تعداد ۳۷۷ صنف درسی، ۴۵ معاينه خانه ، ۴۰۰ تا نک آب و ۱۹۰ چاه آب توسط رضاکاران غذایی چهان دریافت میدارند کاررا انجام لعنت یک بروگرام (کمک بخود) آباد گردیده میدهند .

در جاهای دیگر بتعده ۳۱۶۰۰ کارگر و فاعل است در حدود ۵۱۰۰ نفر جوانان در مقابله و راکتر تربیوی نیاز امداد بروگرام غذایی عای شان باساس همین بروزه مواد غذایی دریافت میدارند تا جملات موجوده را نگهداری برای بروگرام غذایی در حدود نهصد و پنجاه هزار دالر تمام شد . پس از اكمال آن در سال ۱۹۷۲ بروزه مذکور برای سه سال دیگر تمدید

یک بروزه پنجا له اكتشاف که بكمك بروگرام اكتشاف ملل متعدد و سازمان چهانی زراعت و مواد خوراکی پيش بروزه هبشد اخرا خاتمه يافت . بروزه مذکور دریافت که در سواحل سومالیاکه طول آن ۳۲۰ کيلو متر بيشود ذخایر بزرگ ماهی وجود دارد که استفاده از آن حاصلات ماهی اكتشور را برابر افزایش خواهد داد . ماهیگیری آن در حال حاضر سالانه به ۵۰۰۰ تن هيرسد .

دولت سومالیا اکنون بروگرامی را روی دست گرفته تا غذاهای بعری رادر میان مردمیکه به خوردن گوشت گاو و گوسفند عادی اند بیشتر رایج سازد . گنجاندن هایی در روزهای روزانه مکاتب، کائینات های دوازیر و بارک ها اجباری شده و آگهی های پیشماری ارزش غذایی ماهی را اشريع میدهند . ولی همراه با این بروگرام برای مقابله با تعقیب بی چیز کوچی ها در برابر غذاهای بعری حکومت به ماهیگیران جوان فایق های موتوری و وسائل بهتر ماهیگیری فراهم آورده است .

سومالیا که عاید سرانه آن بین ۵۰ تا ۶۰ کشوده شوند . درین ذخیره های را در چند سال بیشتر دیوار ساخته شود تا از فرار آب باران وجوددارد که نسبت باین کشور به امداد راگسترش دهد یانگه دارد . شش صد هکتار بیشتر چهانی نیازمند باشد .



یک دسته از رضاکاران باشور و شوق در حال کار برای تسخیر ریگ زارها

زندگی نو در سومالی

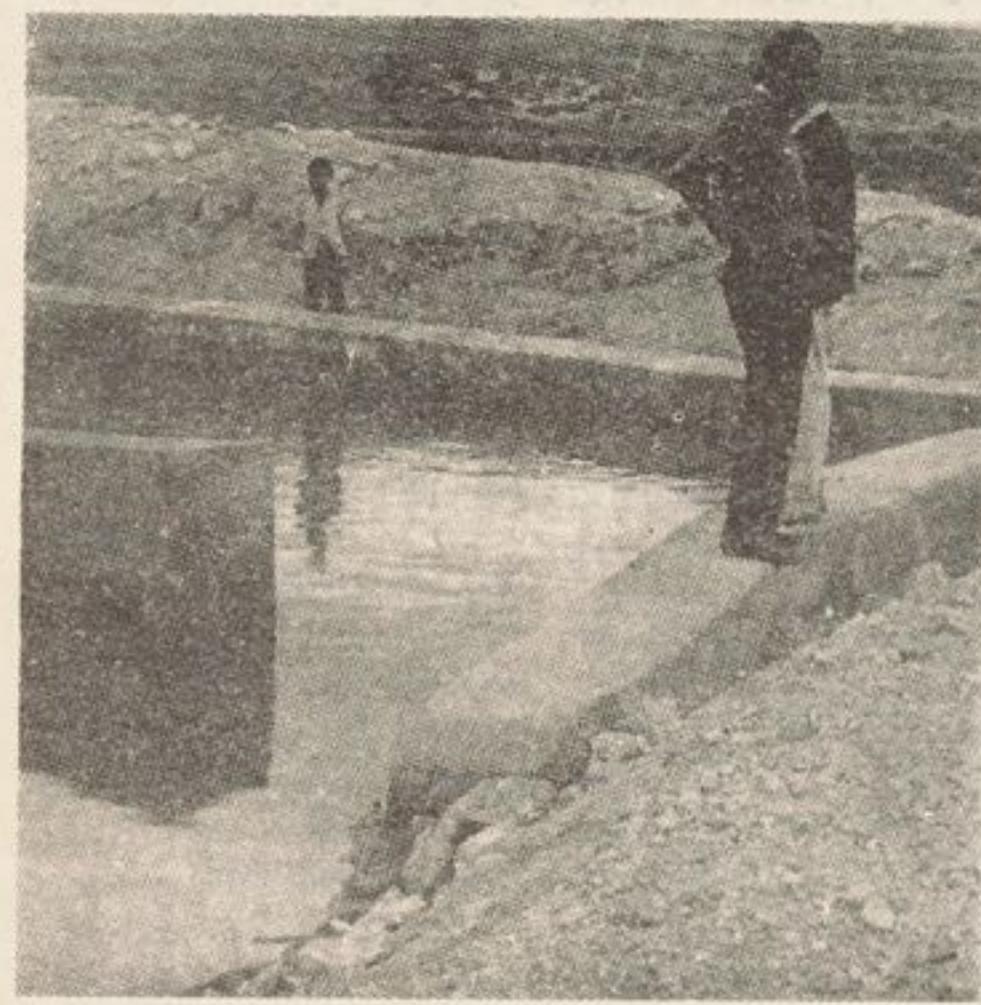
در پر قوه مساعدت های ملل متعدد

تسخیر ریگ زارها :

آخر ریگ روز جمعه من بتعده ۵۰۰۰ نفر میباشد که راه سوسیالیزم علمی را برگزیده رضاکاری را دیدم که در ناحیه شلباددر جنوب است . صرف نظر از ایدیولوژی مذکوره کمک بایتخت در مهار گردن ریگ زار مصروف اند . بخود چیزیست که بطریز تفکر جاری در ملل شخص رئیس جمهور محمد زیاد باری که مرد متعدد سازگاری دارد .

تومندی بعمر پنجاه سالگی قرار دارد در آنجا این چیزیست که سبب ایجا د روایت دیده شدگه بیلی در دست کار مینماید . ریگ زار فوق العاده خوب بین بروگرام (کمک بخود) شاهزاده، سرکپاوخانه های روسایی را تبدید سومالیا و بروگرام غذایی چهان در چند سال میگند . بته هایی غرس گردیده تاجلوپاد را گذشته گردیده است . شکی نیست که دادن بگیرد و کاکتی (یکنون بته) دوسرتانی های غذابورت رایگان برای رضاکاران مشوق و نشانده شده تا از پیشرفت ریگ جلوگیری انجذب شده بوده است . درصورتیکه شکم نماید . این یک ابتکار سومالی بوده و کاملاً ترسنه ویانیمه گرسنه باشد حتی با حرارت فوق هم میباشد .

اعتماد بخود قسمتی ازفلسفه رئیس میباشد کالوری که فی نظر روزانه در سومالیا میگیرد که در سال ۱۹۶۹ در سومالیا به اندار وسیله کمتر از ۱۸۰۰ میباشد . در جریان کار نخستین بروزه بروگرام غذایی و برخود مبالغ از اینکه اولین کشور آن قاره



صفتها تا نک ذخیره آب توسط رضاکاران آباد گردیده است .

بز کشی

باین شرح مختصر واضح میشود که از روزگاران پیشین اسب و تریه اسب و سواری باختり ارتباط داشته و داشتن اسب های تندرو و خوب و درخشان و برآق باعث تمیز خانواده ها و رجال از یکدیگر بوده .

در عصر ویدی اسب دوانی و اسب سواری درمیان آریاهای افغانستان رواج خاصی داشت. درس و دهابه کرات به اسب و اسب عای سواری و به عراوه های جنگی که با اسب کشیده میشد آزاده شده و در یکی از سرود ها چنین آمده : (پهلوانان مایا اسب های برواز کرده یکجا آمدند) ازین اشاره مفهوم اسب عای بالدار و تندي حرکت اسب ها هردو در نظر مجسم میشود .

اسپ دوانی از ساعت تیری های اجتماعی آریاهای افغانستان بود. در جنگ ها عراوه های استعمال میگردند که در آن پهلوی عراوه دان یک نفر تیرانداز هم می نشست و کامیابی تیرانداز تا حد زیاد مربوط به مهارت عراوه ران بود.

drausta و عصر اوستایی دخالت اسپ در خاندان ها و در زندگانی اجتماعی باختり ها مشتر محسوس میشود روسای خانواده های بزرگ گله های چندین هزاری اسب داشتند و تریه و سلیقه تریه اسب عامل شهرت مالکان آن محسوب میشد .

پیشتر گفتیم که منابع یونانی در جوار بلخ از تیری بنام (آذراسیه) یا (زارسیه) (شیمی هزاراسب) یا (سیراسب طلائی) یادگردید. در زمان هجوم اسکندر مقدونی در تمام افغانستان مخصوصا در صفحات باختر تعداد سوار کاران اسپار بود و یکی از عمل توقف اسکندر در حدود دو سال در صفحات شمال افغانستان همین بود که پیوسته و بتصور غیر متر قبه و ناگرانی مورد حمله دسته های بزرگ سوار کاران فرار میگرفت . این سواران تندرو به سرعت برق به یکی از گوشه های افق وسیع باختر حمله می آوردند و بعداز دستبرد های

شدید به دشمن درجا لیکه سپاهیان یونانی را زنده میگرفتند درگوشة نامعلوم دیگر نایدید مشنده یونانی هاکه با این تکنیک حمله و جنگ آشنا نبودند سخت دچار پریشانی شده بودند. الهان (اله مان) های باختری که تاین اواخر امثال را زانها میترسانیدند سوار کاران ، پهلوانان قوی ییک و تیز چتال و باد بیما ترددند که با هیکل درست خوش و اسپان عظیم الجنة خود بر دشمن شبغون میزدند .

همانطور که سوار کاروچاپ انداز تر بی مخصوص میخواهد اسب های بز کشی هم تو و تریه خاصی بکار دارد. اصلا در صلح باختیار از بدخشان تایمینه و شیرگان علی العمو د نوع اسب داریم . اسب های قطفنی مد نظر است و فراریکه امروز هم ملاحته میشود می شوند از حیث جنه کوچکتر ولی محکم و ب استفات میباشند و اسب های هزار شریه و مجهت و شیرگان که بیشتر در دامان دشت ها بکران نشو و نما میکنند علی العموم جنه قو و بزرگ دارند. تاجاریکه ملاحته شده هر گند نوع اسب در مسابقه های بز کشی هر گند بعای خود صفاتی دارند .

ریان شعر

عشق

عشق محبتی را که نسبت به باز ماندگان
خود در قلب خویش ممکن ساخته اند، همیشه
از پرتو افکار پریشان آنها عرض وجود می‌
نماید و علاوه‌تا آنها از فرط محبت زیادی که
به جسم دارند، در اگوش عربان شده خودکه
به‌جز از اسکلت بندی هاده دیگری را هالک
نمی‌باشد، فشار داده و بواسطه آواز دلخراش
خود آنرا فریاد می‌نمایند. ولی آن فریادها
مانند یک فزای سنتگین در روی آب‌های بحر
بعقواب استراحت‌رفته و در نتیجه آن بیچاره‌گان
برای همیشه از مراسم خداوندی محروم می‌
شوند و نیز این نظریه های حزن انگلیز در میان
ظلمت‌های تیره منتشر گردید و با آواز پرندگان
شب گرد توام شده نداهای شوم شان روی
فضا را می‌بینند و بیعای میرسد همه وقت
بالبا سهای ژنه و فرسوده در اکناف بر مقام
و خرابه‌ها گست و گذار گرده، حیات برای
شان بارو از پرتو فسا شر عسار می‌باشد.
و در آن ساعتی که بیچاره‌گان چشمان خود را
بسته نموده واژ گله و پیرانه تنک و تاریک
خویش بدون صدا و ندا افراهمی کنند به متابه‌آن
جانتست که تمام شب رادر گنار ساحل به
تماشای امواج بحر بسر برده و انتظار برخاستن
سفقی را داشته که در روی گوهای بلندترات
رنک آمیزی گمنگی را تولید می‌کند افکار
گوناگون قوه مغایل و قابلیت های جوان خمسه
رام غلوب و عنکوب خویش مگرداند.

از لسان النثیب حافظه شیرازی

زلف آشفته

زلف آشفته و خوی گرده و خندان لسب و مست
پرعن چاک و غزلخوان و صراحی در دست
نرگشش عربیده جوی ولش افسون کنان.
نم شب دوش بمالین من آمد بشست
سر فرا گوش من آورد با آواز حزین
کفت ای عاشق دیرینه من خوابت هست
عاشقی را که چنین باده شبگیر دهنده
کافر عشق بود گر نشود باده پرست
برو ای زاید و بر درد کشان خرده مکبر
که ندادند جز این تعظه بما روز است
انجه او زیخت به بیما نه ما نوشیدیم
اگر از خمر بپشتست و گز باده مست

آرزوی جوان

دلخواهد که مانند عقابی
زخم بربور فراز آسمانها
بخوانم با صدای آتشیم
سرود فتح اوج کهکشانها
دلخواهد که هم چون خنده رعد
بلر زانم چهان را از نهیم
بسوزم خاره زار دشت شب را
ز برق خانه‌نسوز لبیم
دلخواهد که هم چون اختر صبح
سوم چشم چراغ چستجو ها
دلخواهد که هم چون بذر امید
برویم در زمین آرزو ها
دلخواهد که چون آهی و حش
بابان در بیابان در نور دم
چنان تند و سبک‌خیزانه و مست
که نتواند رسید تو فان به گردم
دلخواهد که هم چون موج سرگش
بغلم می‌ست در اگوش دریا
کنم یکدم بلنده آوازه ای را

از عمل

رهروان هست

این چه سوریست که در سینه سرایت دارد
این چه دردیست که رنجش هم راحت دارد
این جرازیست که بینهفن آن رسواست
وه چه رسوا که دو صد پرده حجابت دارد
دور زین آتش سوزنده پنهانی دل
یکن این داشت یرم را که حرارت دارد
این چه راهیست که هر رهرو آن مست و
خراب
این چه هستیست که صدخانه شبات دارد
رنک افسانه نکرد چمن هستی ما
زانکه در هر قدمش عشق عمارت دارد
شیدم گیست که صد ناله جان سوزگشند
ناله اش چیست که ایشگونه ملاحظ دارد

مودوفیشن



بهار همیز سال

بدین تقریب دو نموفه از مود جدید
بهاری را برای مود پسندان زوندون

انتخاب نموده ایم

خوانند کان عزیز و دوستا نزوندون: آرزو مند یم شماره ۵۲ مجله که آخرین شماره امسال است بامطالع تازه و لحس پرقدمیم شو.
انتظار داریم در سال نو دو سان و متر کین زوند ون بیشتر گردد شماره ۵۲ را با تقویم سال نو که فرمیمه آن است فراموش نفرمایند.

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library